۸۵

کتابخانه شخصی حسین کی استوان طهرانی
شماره ۹۷ نام کتاب

۲۷۶
فهرست شده

۲

۱۳۸۴ /۵/ ۱۰
محمد صادق تجویدی
مهکر ودیله بیه
۱۲۷۸۵
شجره

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس
مجموعه
اسم کتاب (چند رساله در خواص اسماء و قرآن و ادعیه) فارسی
مصنف
مؤلف
خطی نسخ ۱۲ سطری کاغذ فرنگی جلد تیماجی [illegible]
چاپی
سال چاپ یا تحریر عدد اوراق ۱۷۲
جزء کتب ادعیه شماره خصوصی
شماره عمومی ۱۲۷۱۸ شماره قبض
واقف حسین کی استوان تاریخ وقف آبان ۱۳۲۸
طول ۱۷/۵ عرض ۱۱ شماره صفحات

کتابخانه [illegible] ارشاد
شماره دفتر ۱۷۸
تاریخ

۸۵

کتابخانه شخصی حسین کی استوان طهرانی
شماره ۹۷ نام کتاب

۲۷۶
فهرست شده

۲

شبرسی
۱۰ /۵/ ۱۳۸۴
میکروفیلم شده
۱۲۳۸۵

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

مجموعه

اسم کتاب (مجموعه رساله در خواص اسماء و لوح و ادعیه)

مصنف

مؤلف

خطی نسخ عدد ۱۴ سطری کاغذ فرنگی جلد تیماجی [illegible] خرمائی

چاپی

سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق

جزء کتب ادعیه شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۲۷۱۸ شماره قبض

واقف حسین کی استوان تاریخ وقف

طول ۱۷/۵ عرض ۱۱ شماره

کتابخانه حسینیه ارشاد
شماره دفتر ۱۷۸
تاریخ

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

بسم الله الرحمن الرحيم

قسم اول در ختمیات سورهای کلام الله و خاصیت
و برکت هر یک ختم سوره فاتحة الکتاب چهل و یکبار
با اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن
الرحيم الحمد لله رب العالمين باید میم رحیم
بلام الحمد متصل کرده باید خواند میان سنت
و فریضه صبح و در اثنای خواندن سخن گفتن کسی
مشغول نباید بود و دل در حضور داشتن بنیت
صحت رنجور که اگر عمر او باخر نرسیده باشد البته
صحت یابد و مرض دراز نکشد که مصطفی ع فرموده
است

است که الفاتحة شفاء من کل داء الا السام و سام
موت است اما اینجا گفته شد که میم رحیم بلام الحمد متصل
شود حدیث صحیح متفق الصحة است و قطب المحققین
شیخ محی الدین ابن العربی قدس الله سره ذکر کرده است
که رسول خدا از جبرئیل و جبرئیل از میکائیل و میکائیل
از اسرافیل و اسرافیل از الله تعالی و تقدس و هر یک
سوگند یاد کرده اند که باید متصل شود میم رحیم
بلام الحمد و خداوند با اسرافیل فرموده بعزتی و جلالی
و جودی و کرمی من قرء بسم الله الرحمن الرحيم متصل
بفاتحة الكتاب اشهدوا انی قد غفرت له و قبلت منه
الحسنات و تجاوزت عن السيئات و لا احرق لسانه في
النار و اجيره من عذاب القبر و عذاب النار و عذاب
القيامة و الفزع الاكبر ختم سوره البقره يقرء عن المجنون

والمصروع والمرکوم سبع مره قوات وعلى المصروع
حاضر یکتب بعد القراءة ویعلق علیه ابن الله تعالی
ویشفیه بحکمته وداوی دیگر همیکوید که بر نیت دفع
هر بلیه سه بار بخوانند بلا دفع گردد وهر کس که در
روز شنبه یکبار بخواند در آن هفته از مرگ در امان باشد
ختم سوره آل عمران اگر کسی را بی گاه یا مهمی دشوار
شده باشد و آسانی آن از حق تعالی طلبد باید این سوره
را بیست و یکبار بخواند و اگر کسی به بلای فقر وفاقه
وقرض مبتلا گشته باشد سه روز متوالی هر روز
هفت بار بخواند و در بین خواندن سخن نگوید و چون
باید قل اللهم مالك الملك رسد تا بغیر حساب بخواند
و هفت بار این دعا را بخواند اللهم یا فارج الهم
ویا کاشف الغم ویا صادق الوعد ویا موفی العهد
یا اله الد

یا اله الا انت فرج عنی همی وحزنی واقض عنی
الدین واغننی من الفقر والعیلة حق تعالی او را خلاصی
دهد ختم سوره النساء اگر کسی از خانه وشهر خود
دور افتاده باشد یا کسی در دست سلیطه بدخوی
گرفتار باشد در روز آدینه بعد از نماز بامداد
این سوره را یکبار بخواند و هفت بار این دعا را بخواند
الهی غریبك ببابك ضعیفك ببابك سائلك
ببابك انت المحسن وانا المسیئ تجاوز عنی قبیح
ما عندی بجمیل ما عندك اللهم انك تعلم حاجتی
فاعطنی سؤلی برحمتك وقدرتك حق تعالی بکرم خود
او را بخانه و بر شهر خود باز رساند و از دست زن بد
وسلیطه خلاص دهد ختم سوره مائده اگر باران
نیاید هفت روز متوالی هر روز هفت بار بخواند
و از خدای تعالی باران طلب کند بقدرة خدای تعالی باران

ببارد ختم سوره الانعام از برای هر مهمی وحاجتی که
روی نماید چهل ویکبار این سوره را بخواند بشرطی
که در میان خواندن سخن نگوید وهر بار که باین ایه
رسد که در وی اسم اعظم است وان رسل الله اعلم
رسد تعالی که از رسول خدا مرویست بخواند وحاجت
خود عرض کند وبگزارد ودعا اینست الهی مَن الّذی
دعاکَ فلم تجبه ومَن الّذی سالک فلم تعطه ومَن
الّذی استغاث فلم تغثه ومَن الذی استجار بکَ
فلم تجره یا غوثاه اغثنی یا غوثاه اغثنی یا غوثاه اغثنی
وچون سوره تمام شود باید این دعا را بخواند یا سریع
الحساب یا شدید العذاب یا غفور یا رحیم یا خالق
کل شیء یا فالق الاصباح یا فالق الحب والنوی
اصرف عنا شر الدنیا والاخرة بحرمة هذه السوره
المبارکه اسئلک ان تقضی حاجتی ختم سورة الهود
اگر بادشمنان

اگر بادشمنان در مصاف خواهد شد از او دفع شود این سوره
را بر پوست اهو بنویسد وبخواند وبر علم بندد مظفر و
منصور شود ختم سوره یوسف بجهت عزیز شدن
در میان قومی وبرامدن حاجت از ایشان بجد توقع
دارد باید این سوره را سیزده [۱۳] مرتبه بخواند وهر بار که باین
ایه میرسد که ورفع ابویه عَلَی العرش وخروا له سجدا ده [۱۰]
بار درود بر مصطفی صلعم بفرستد وچهل ویکبار [۴۱] بگوید
حَسبی اَلله وَنعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر عزت
ورفعت یابد وحاجت او براید انشاء الله وتعم ختم
سوره الرّعد هر که را خوفی از کسی یا چیزی باشد و
خواهد که ایمن گردد هشت [۸] بار این سوره را بخواند
وهر بار که باین ایه میرسد که یُسبّح الرّعد بحمده والملا
ئکة من خیفته این دعا را بخواند اَللّهُمّ تَقبّلنا
بعزتِکَ ولا تهلکنا بعذابکَ وعافنا قبل الحساب

برحمتک یا ارحم الراحمین حق تعالی او را ایمن گرداند
بقدرة خود ختم سوره ابراهیم از جهت امرزش پدر
و مادر و گذاردن حق ایشان این سوره را در روز
شنبه و پنجشنبه هفتاد بار بخواند که ثواب بایشان
برسد و سبب امرزش ایشان شود ختم سورة الحجر
اگر کسی سخت رنجور باشد یا مصروع از برای وی هفت
بار بخواند و مجموع سوره را بزعفران بر صحن چینی یا
کاغذ نویسد و بشوید و بمصروع و رنجور دهد
تا بیاشامد شفا یابد بقدرة الله تعالی ختم سوره
النحل اگر در خانه دختری دیر مانده باشد و شوهر
او را نطلبد سه بار این سوره را بخواند و بر ورق
نویسد و چون باین ایه رسد که و لله غیب السموات
والارض و ما امر الساعة الا کلمح البصر نام آن دختر
و مادرش بنویسد بر آن ورق و آنگاه بنویسد ان الله
علی کل

علی کل شیء قدیر و در حقه نهد و در موم گیرد و در صندوق
نهد آن کار بسته او گشاده شود و بخشش پیدا شود
محبوس
بقدرة حق تعالی ختم سوره بنی اسرائیل بجهت خلاص
محبوسان ده بار بخواند و چون باین ایه رسد و لا
تجعل یدک مغلولة الی عنقک ده بار بگوید
اللهم خلصنی یا الله خلصنی بحق الحسین و اخیه
و جده و ابیه و امه و بنیه آنگاه بخواند و لا تبسطها
کل البسط و سوره را اتمام کند بقدرة حق تعالی آن محبوس
خلاصی یابد ختم سورة الکهف در روز جمعه پیش
از نماز هفت بار بخواند بر نیت عاقبت خیر و در
شروع معظمات امور باید کرد و در آخر سوره
هر نوبت هفت بار باید این دعا را بخواند اللهم
بحرمة اصحاب الکهف آتنا من لدنک رحمة و
هیئ لنا من امرنا رشدا و اگر نام اصحاب کهف داند

بهتر است بگویید وان اینست مکسلمینا یملیخا
مرطونس بوالس سارنیوس کیند شلططنو
کسفططط بخواند و دیگر تا سوره انبیا ختمی بیافته
اند و در ختم سوره الانبیاء از برای قهر دشمن و دفع
دیار اعدا باید کرد و در هر شبی که باشد هفتاد بار
باید خواند هر باری که سوره تمام کند هفت بار بگوید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر لا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم و هفت بار صلوات بر نبی
امی عربی فرستد اللهم صل علی النبی الامی
العربی محمد و آله دشمنان وی مقهور گردند بقدرت
الله وحوله ختم سوره الشعراء والنمل در روایت
آمده است که از جهت قهر دشمن هفت بار باید
خواند یکهفته هر روز ختم سوره القصص کسی را
که غایبی در سفر باشد و خواهند که زود وی باز رسد
بر نیت

بر نیت حاضر شدن او هفت بار بخواند حق جل جلاله
اسباب حضور ویرا سازد و اورا حاضر گرداند ختم سوره
العنکبوت از برای دفع بلای گوناگون ده بار باید خواند
بهر وقت که باشد ختم سوره الروم از برای موافقت
زن و شوهر باید کرد و چهار بار باید خواند ختم سوره
اللقمان از برای استجلاب سعادت پسران هفتاد
بار باید خواند دیگر تا سوره یاسین ختم بیافته اند
ختم سوره یس سی و سه بار باید خواند در شب جمعه
چنانچه اگر یک نفر نتواند خواند چند نفر باهم بخوانند
ولکن در اثنای خواندن سخن نگویند و هر بار در آخر
سوره که تمام شود این دعا بخواند سبحان المنفس
عن کل مدیون سبحان المفرج عن کل محزون سبحان
من جعل خزائنه بین الکاف والنون سبحان الذی
اذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون سبحان

ربک رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین
والحمد لله رب العالمین از برای هر مهمی که باشد
وطلب چیزی ودفع شری وسببیا این ختم سوره یس
وختم سوره انعام وختم فاتحة الکتاب کرده اند وهیچ
خطائی نیافته اند ختم سوره صافات از برای خشنودی
خصمان چهل ویکبار بخوانند ختم سوره ص از برای
عزیز ومکرم بودن نزد بزرگان وهم باید سه بار بخوانند
ونوشتن ودر بازو بستن همین خواص دارد ختم
سوره تنزیل از بهر عزت واقبال هفت بار باید خواند
ختم سورة المؤمن بهر نیت در یافتن سعادت وایمان
بوقت نزع هفت بار باید خواند سوره السجده اثر
برای کاهل نماز در شب جمعه هفت بار باید خواند
سوره حم عسق بجهت دفع ظلم ظالمان هفت بار تا باید
خواند بقدرة الله تعالی از ظالم دفع کرد ختم سورة
الزخرف

الزخرف از برای حفظ مال خائند در حالتی که آن مال
بسفر میفرستد یا بودیعت پیش کسی میماند یا بجائی
ذخیره ودفینه مینهد این سوره را بر کاغذ پاک معطر
نویسد ودر میان آنچه هست از مال بنهد که از بلای
ظالمان واز آفتاب وآتش در حفظ حق تعالی باشد ختم
سوره الدخان این سوره را ١٧ هفده بار بخوانند در شب
برات بجهت مزید عمر ورزق حلال وسعادت
ختم سوره جاثیه ٤١ چهل ویکبار بجهت دفع دشمنان
واگر عیاذا بالله در شهری وبا واقع شود بر نیت
دفع آن سی بار باید خواند ودر بین خواندن سخن
نباید گفت ودر هر بار بگوید اللهم انی اعوذ
بعفوک من عقابک واعوذ برضاک من سخطک
واعوذ بک منک یا دافع البلاء والوباء ادفع عنا
بفضلک ختم سورة الاحقاف از برای نصرت

بر دشمنان در جنگ چهل [۴۱] و یکبار در یک وقت باید خواند
خواه در روز و خواه در شب و چون از ختم فارغ شود باید
هفتاد بار بگوید اللهم انی اعوذ بعفوک من عقابک
و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ بک منک
یا دافع البلاء و الوباء ادفع عنا بفضلک ختم سورهٔ
طه یکی از برای نصرت بر دشمنان در جنگ چهل [۴۱]
و یکبار در یک وقت باید خواند خواه در شب و خواه
در روز و چون از ختم فارغ شود هفتاد بار بگوید
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ النَّبِیِّ الصَّادِقِ و علی آل
محمد و بارِکْ وَ سَلِّمْ ختم سوره محمد که این سوره را
بیست [۲۱] و یکبار بخواند و بر عورات خود بدمد هیچ
نامحرمی بر ایشان ظفر نیابد بنا شایستگی و در حفظ
و ستر حق تعالی باشد سورة الفتح به نیت آسانی
جان دادن هفتاد [۷۰] بار بخواند حق تعالی سختی جان کندن

ازوی

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

ازوی بردارد سورة الحجرات در شب آدینه باید
خواند از جهت آنکه حق تعالی او را از شر دشمنان در پناه
خود گیرد و سه [۳] بار بخواند ختم سورة النجم چهل [۴۱] و
یکبار از برای بر آمدن حاجت و مهمات باید خواند
ختم سورة الرحمن به نیت توانگری و فراخی روزی
صد [۱۰۱] و یکبار بخواند ختم سورة الواقعه از برای
دفع فاقه در شب جمعه چهل [۴۱] و یکبار بخواند بشرط
آنکه در اثنای خواندن بتولی باید کرد و بعد از آن
هر شب بعد از نماز خفتن یکبار بخواند و مداومت
بر این نماید بوعده رسول صلعم در حدیث
صحیح از فاقه و احتیاج در امان حق باشد و لفظ
مبارک رسول صلعم و سلم اینست که مَنْ قرأ سورة
الواقعه کل لیلة لم یصبها فاقة ابدا ختم سوره
الحدید از برای دختری که در خانه مادر و پدر بسیار

مانند و قضا بروی بسته باشد و کسی او را نطلبید
هفتاد و سه بار بخواند سوره المجادله از جهت قبول توبه
با حق تعالی ده بار باید خواند ختم سوره الحشر به نیت
روشنائی خبر عزیزان و دوستان چهل و یکبار بخواند
سوره الممتحنه به نیت حصول مرادات هفت بار بخواند
سوره الصف هفتاد و یکبار است بجهت سهولت
سوال در قبر ختم سوره الجمعه صد و پنجاه و سه مرتبه باید
خواندن برای صلح و وفاق در حالت جنگ و شقاق
سوره النوح هزار بار است و از برای هلاک شدن
دشمنی باشد که از دشمنی او فساد بسیار ظاهر گردد
و آن چنان باید که خشت خام از زیر سر میت بردارد
و خود متوجه قبله بنشیند یعنی خواننده و خشت
برابر خود بنهد و نام آن شخص که میخواهد هلاک کند
بر آن بنویسد و این سوره بدان عدد که هزار است
بخواند و بعد

بخواند و بعد از فراغ از ختم دویست و پنجاه مرتبه این
دعا بخواند و آن خشت را در آب اندازد تا حل شود
که آن دشمن هلاک شود و دعا اینست اللهم
شتت شمله و فرق جمعه و قصم ظهره و قلب
تدبیره و بیض عینه و سود وجهه و نکس
اعلامه و قرب اجله و قرب اجله و خیب آماله و خرب
بنیانه و شغله فی بدنه و خذ له اخذ عزیز مقتدر
و اهلکه کاهلاک شداد و اغرقه کاغراق فرعون
اللهم انی ادرء بک فی نحره و اعوذ بک بکتابک من شره
احاول و بک اقاتل و بک اصول و بک استغیث
یا من الفت بین الشلح الف بین قلوب عبادک الصا
لحین و این ختمی است در هلاک عدو که در او هیچ
شکی و خلافی نیست و بیشتر کسانی که این ختم را
نویسند چون باین ختم رسند از جهت عظیم و عزیزی

اثر آن نوشته‌اند و بسیار تجربه کرده‌اند و در وقایع هائله
این را بعمل آورده‌اند و تأثیر آن زود پیدا شده است
و آنچه این ضعیف از آن مشاهده کرده است یک نوبت
یک دفعه شخص یاغی بشیراز رسیده بود و شهر را محا
صره کرده بود در آن شهر بزرگی بود که آن وقت معتقد
فیه اهل شیراز بود باتفاق اهل شیراز از وی استعانت
طلبیدند وی گفت فردا کار ایشان ساخته شود وی
بشب مشغول گشت چون صبح شد آن لشکر روی
بگریز نهاده بودند و چند کس از ایشان را گرفتند و حال
گریختن ایشان را پرسیدند گفتند که شب در صحبت
آن بزرگ خویش که لشکر ما بود نشسته بودیم و تدبیر
آن میکردیم که فردا چه گونه شهر را بگیریم و غارت
کنیم که ناگاه آن بزرگ را ما درد شکم گرفت چون نز
دیک صبح شد شکم او بترکید ما دانستیم که این
کار خداست

کار خداست اتفاق کردیم که بگریزیم و این شهر را
خالی نمائیم و این ضعیف در آن وقت خورد سال بودم
چون بسال تمیز رسیدم و ادراک نمودم و طالب این
ختم شدم روزی از وارثان وی کتابی بمن رسید
و در آن این عمل نوشته بود و بخط آن بزرگ در آنجا نوشته
بود حقا که آزموده‌ام که در فلان سال در آن واقعه که یاغی بشهر
رسیده بود و بترکید و بعد از آن سالی در شیراز در میان
عوام شیراز فتنه برخواست چنانچه مدت یکسال کار ایشان
جز کشتن یکدیگر هیچ نبود و در آن محله که آن امیر مسعود
شیرازی فتنه جوئی بود که منشاء آن فتنه او بود که
مشغول گشتم صباح چهار شنبه او بر بام خانه خود
برآمده بود از بام با کسان خود در سخن بود که پایش
از جای برفت و سر از بام فرود افتاد و کاردی که در میان
داشت در پهلوی او نشست و برنخواست و در هر جا

که دیدم مبالغه کرده بودند و وصیت کرده بودند که
این عمل را جز از برای کافر ظالم و یا ظالمی که ظلم او عام شده
باشد یا کسی که از فتنه بزرگ باشد والله اعلم ختم
سوره المزمل از برای بلای و تسکین فتنه چهل و
یکبار خوانند ان فتنه و بلا دفع کرد ختم سوره القیمه
از برای اسانی حشر در شبها دینه ده بار بخوانند سوره
الدهر جهت خلاص اسیران و مسکینان هفتاد بار
بخوانند سوره المرسلات بخوانند بر نیت انکه روز
قیامت میان صادقان مبعوث کردد ختم سوره
النبا هر روز بعد از نماز دیگر یکبار بخوانند تا
نور چشم او بسلامت بماند ختم سوره النازعات
بیست و یکبار بخوانند بجهت سلامتی ایمان در وقت
نزع باید خواند سوره العبسه هفتاد بار بر نیت
بینائی در قیامت بخوانند سوره کورت بیست و یکبار
بجهت خلاص

بجهت خلاص از پریشانی بارها سوره انفطرت صد بار
در حالت درماندگی از دشمن در خوشنودی کرام الکاتبین
سوره المطففین هفتاد بار بجهت کریستن اطفال و انکه
در امان حق باشد سوره انشقت هفتاد بار از جهت اسانی
وضع حمل سوره البروج بر نیت دفع حسود بیست بار بخوانند
سوره الطارق از برای دفع جن و شیاطین سه بار بخوانند
سوره الاعلا از برای مسافر تا بسلامت رود و اید
سه بار بخوانند سوره اللیل بجهت برکت در عمر چهل
و یکبار بخوانند سوره الضحی بجهت چیزی که کم کرده
باشد بیست و یکبار بخوانند که پیدا شود و اگر بنده
کریخته باشد بجهت بازیافت او این سوره را بر کاغذی
نویسد چون با بجا رسد که وَوَجَدَکَ ضالاً فَهَدی
نام ان بنده کریخته بنویسند بعد از ان سوره را تمام کنند
و ان کاغذ در میان مصحف نهند ان کریخته باز اید

هفتاد

سوره الم نشرح بجهت کشادگیها و برامدن مرادها

۷۵ وپنج بار بخوانند سوره التین بجهت روا شدن حاجات

و برامدن مهمات هفتاد و یکبار بخوانند ختم سوره

اقرأ ملازمان سلاطین و کسانرا انسبتست که میان

سنت صبح و فریضه سه بار بخوانند و هر سه بار سجده

۵۰۰۰ کنند اثرها بینند سوره الزلزله پنج هزار بار است

در یک روز خانند و در میان خواندن بچیزی مشغول

نشوند و خاصیت آن هلاک خصمی باشد که از وی

بزرگتر خصمی نباشد سوره العادیات بنیت دفع

چشم زخم سه بار بخوانند و در چشم دمند سوره

القارعه اگر در میان دو کس خواهند موافقت پیدا

۱۰۸ شود باید صد و هشت بار این سوره را بان نیت بخوانند

سوره التکاثر بجهت حفظ از بلاها هر روز سه بار

بخوانند سوره الفیل در شب آدینه میان نماز شام

وخفتن

کتابخانه حسینیه ارشاد

۱۲۵۰ وخفتن بنیت پریشانی دشمنان هزار و دویست و پنجاه

مرتبه بخوانند ختم سوره العصر هفتاد بار بخوانند برای

قناعت در رزق تا حرص از وی برود و دیگر از برای

درد شکم ختم سوره الهمزه بنیت دفع چشم حاسد

۲۱ بیست و یکبار خوانند امان از بلاها و شر دشمنان

باید خواند سوره الماعون بنیت حفظ اولاد و اهل

۴۱ بیت از بلاها و چشم بد و هر فتنه که باشد چهل و یکبار

بخوانند ختم سوره الکوثر هر که هزار بار بخواند حق تعالی

اورا از کوثر نصیب بخشد سوره الکافرون هر روز

سه بار بنیت دفع بلیت و ظلم ظالمان بخوانند

و بر خود دمد سوره النصر هر که بنویسد و با خود

دارد حق تعالی در وقت نزع ایمان اورا نگاه دارد ختم

سوره تبت از برای پریشانی دشمن و ظالم و ملک

دوازده هزار بار باید خواند و این را در این قسم

اثر عظیم است ختم سورة الاخلاص بدین نیت خلاص
کسی که در حبس یا در دست ظالمی گرفتار باشد یک هزار
بار بخوانند و این نیز بارها تجربه رسیده است و از
موده است و هیچ گونه خطا ننموده است المعوذتین
که ختم کتاب مبین ختم وی بجهت ابطال سحر و امثال
ازان هفتاد و پنج بار باید خواند تمت

در خواص بعضی از آیات سورهای قرآن تا واضح باشد

سورة الفاتحه هزار خاصیت دارد ظاهر و باطن
اگر بر بخور سه بار بخوانند و با خود دارند و دست
بر اعضای خود بمالند و آنگاه بر جائی بنویسند و به آب
باران نیسان بشویند و آن آب را بجمیع اعضای خود
بمالند مادام که اجل منقضی نشده باشد مریض
بدنی شفا یابد و از همین آب هر که در اندرون
او وسواس یا در دل او حزن یا در صدر حرج یا در نفس
او خوف

او خوف باشد جمله زایل گردد و دیگر آنکه اگر در روز
جمعه در ساعت اولی بقلم زر بر بن بطرفی زر بر بن مشک
و کافور محلول در ماء الورد بنویسند و بجلاب بشویند
و در شیشه نگاه دارد و هر گاه که نزد سلاطین و ارباب
دولت در آید قدری از ان در روی خود بمالد قبول و محبت
و هیبت و عزة بروی ظاهر گردد و دیگر آنکه اگر بر جائی
نویسند و در دهن بلسان محو کنند آنگاه بر ان دهن
هفتاد بار بخوانند و آن روغن آنگاه دارند و بر دردها
که بر اعضای بدن بدید آید مثل استسقا و درد پای
و عرق النساء و مفاصل بکار دارند نافع و شفا باشد
بقدرة الله تعالی دیگر آنکه با انگشت سبابه بعضو درد
ناک نویسند وجع ساکن شود و بر پیشانی کودکان
نوسیده بنویسند از آفات صرع و جنون و جن در امان
باشد و اگر در شبان روزی بغیر از آنکه در نماز میخوانند

هفتاد بار در دل خود بخواند از جمیع آفات در امان
باشد و اگر مهمی که دارد یا در هر امری که متوجه شود
هفت بار بخضوع تمام بگوید اِیّاکَ نَسْتَعِیْنُ ان کار و ان
مهم بر آید و چیز از در او روزی شود فی سورة البقرة
قوله تعالی الم الی قوله هُمُ المُفلِحُونَ هر که بسیار خواند
حفظ و معرفت او افزاید اگر در روز پنجشنبه در اول ساعت
بر جام طاهری بمشک و زعفران نویسند و بشویند با
چاه و تا چند روز مداومت نمایند و در صبح ناشتا
بخورند حفظ و ذهن او زیاد شود البتة قوله تعالی
اولئک الذین اشتروا الضلالة الی قوله فهم لا یرجعون
اگر خواهی که بر دشمن تدبیرهای صواب بر بندی و او را
حیرت بر حیرت افزائی هر چه اندیشد و کند راست نیاید
و او در آن حیرت هلاک گردد و خلاص و مناص خود در آن
نداند بشاند پاره از جامه آنکس که در آن جامه عرق کرده
باشد و این

باشد و این عمل در روز شنبه باید کرد و در میان
آن نام وی و نام مادرش بنویس و گرد آن دایره بکش
و بیرون دایره بنویس بقلم یکبار و بگو بزبان هفت
بار که این از برای فلان پسر فلان است بعد از آن
آیات مذکوره را بنویس و دایره دیگر بکش و باز در وی
همان آیات بنویس و بگو هفت بار آنچه پیش گفته شد تا سه
دایره تمام شود و این پاره جامه را چون فتیله بر پیچ
چون دایره مدور کن باین صورت و در کوزه سفالین
نو بنه و آن کوزه را در آستانه خانه که آن شخص دشمن که
عمر کوزه او باشد دفن کند تا قدرت و عجایب ببیند
و خاصیت ابر احوال و عواقب او مشاهده کنی قوله
تعالی یا اَیُّها النّاسُ اعبُدُوا ربکم الی قوله و اَنتم تعلمون
خاصیت اینست که اگر آفات و عاهات در شهری یا در
زمینی پدید آید که زرع و اشجار و اثمار تباه کرد اند

از آفات زرع

ولرم

و نفسا ادرد و خواهد که از او دفع کند و سه روز پنجشنبه
از ماه روزه دارند سحر شب جمعه با ان باغ یا ان
زمین روند و در چهار رکن ان موضع در میانه
ان موضع دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحه
یکبار و سورة الفیل یکبار و لایلاف قریش و هم چنین
در هر یکی دو رکعت و انگاه در میان ان موضع که دو
رکعت نماز گزارده باشد بر جای خود به نشیند و
قلمی از چوب درخت زیتون بتراشد و سه برگ تر از هر درخت
که باشد بگیرد و این ایات مذکوره را از اول تا اخر
به زعفران بر وی بنویسد و بعود تبخیر کند و یک
برگ را ان بر سر مجری اب بر زیر زمین دفن کند
و یک برگ دیگر بر چاه یا در چشمه اب اندازد و یک برگ
دیگر بر سر درختی که بلند تر باشد بیاویزد حق تعالی
ببرکت ان ایات افات و عاهات و بلا از ان شهر و ان زمین

و باغ دور

بجهت بار دادن درخت

و باغ دور گرداند بقدرت حق تعالی و سبب انکه در این ایات
موعود است قوله تعالی وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
الی قوله وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ خاصیت ان اینست که اگر
درختی بار ندهد یا انچه بیشتر از ان میداده کمتر بدهد
روز پنجشنبه روزه دارد و وقت افطار روزه بچیزی
نگشاید و هنیا با انان تناول کند و با کسی سخن گفتن
مشغول نگردد و این ایه شریفه را بر کاغذ بنویسد و در میان
ان بوستان و موضع درختان دور تا دور اندر درختی که میان
ان بوستان باشد بیاویزد و اگر بر ان درخت میوه باشد
یک میوه از ان درخت بخورد و اگر میوه نداشته باشد
از برگهای ان درخت یک برگ بخورد و سه جرعه اب در
زیر ان درخت بیاشامد و بیرون اید جل جلاله اثار
بر درختان ان بوستان از قدرت خود پدید کند
قوله تعالی وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ الی قوله لَوْ كَانُوا

يَعْلَمُونَ خاصيت اين ايه ابطال سحر است وچنان بايد
كه بر طشت مس سرخ پاك نويسد و بخانه انكه كمان اند بود
كه در وى سحر كرده اند بپاشد اهل ان خانه از تاثير سحر در
زمان فارغ شوند واگر مسحور بان اب كرم كرده خود را بشويد
هر سحرى كه برو كرده باشند تمام كردد قوله تعالى اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ
اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ الى قوله هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ در اين ايه
شريفه كه ايه الكرسى خوانند بسى خواص ومنافع است در خواندن
وهم در نوشتن اما در خواندن وى بعضى انست كه هر كه
هر روز وهر شب در عقب هر نمازى بخواند از وسواس
شيطان واز شر انس وجان در امان باشد واز فقر خلاص
يابد و رزق بروى فراخ كردد وهر كس كه در بامداد در وقت
برخاستن وهر شب در وقت خفتن بخواند برهد از ظلم
ظالمان وشر بدان وشب از طوارق ليل وشر بدان حق
تعالى اورا نكاه دارد از هيچ چيز او را كزند نرسد وهيچ خوف
از كسى

در دل او بنا بد اما در نوشتن او بعضى اينست كه هر كس
كه اين ايه را بر كل پاره تنك كرده شفاف خشك كويند
بنويسد و در ميان غله اندازد سوس در وى نيفتد و بركت
در وى پيدا كردد وهر كس كه انرا بر پاره سفالين پاك اب
نارسيده نويسد و در كاغذ پيچد و در كوزه يا در خمره نهد
و در استانه دكان يا خانه يا خزانه پنهان كند كه دزدان در ان
موضع در نيابند وخير وبركت در ان دكان وخانه وخزينه
پديد ايد وهر كس كه بمشك وزعفران وكلاب بر جامى نويسد
وبا اب باران بشويد وبياشامد باطن او از مرض
بد واخلاق بد پاك كردد قوله تعالى امن الرسول الى اخر سوره
خاصيت ان در خواندن ونوشتن سبكبارى حاصل شدن
از كرانيها است ووفا شدن قرضها ورهائى يافتن از
دشمنان وايمن بودن از فتنها وبمراد رسيدن وهر كس
كه او را بظرف پاك نويسد ويا بجامى كه افتاب بر او نتافته

باشد بشوید وان ابرا بیاشاشاد در یک هفته متوالی
بیاشامد در نفس وی انبساطی و در دل وی نوری و
نشاطی پدید اید و قوه حافظه وی را بیفزاید و هر کس
که در شب و روز انرا بسیار بخواند ثقال از وی تخفیف
کرده شود و دین وای از خزانه غیب داده شود و از ظلم
ظالمان محفوظ و مصون ماند و حسن الیقین اورا
حاصل اید سوره ال عمران الم اللّه لا اله الا هو الحی (ال عمران)
القیوم الی قوله و انزل الفرقان چنین گوید حکیم دانا
که در این ایه است اسم اعظم خدای تعالی و از وی افعال
عجیبه اید که انشاء ان نتوان کرد اما اگر بعضی از خواص
دانند هر کس که این ایه شریف را بر کاغذی نویسد بمشک
و گلاب و بر پیچد و در ابنوسی فارسی نهد و ان ابنوس
در روز جمعه پیش از طلوع افتاب بریده باشد و سر و به
شمعی که در هیئا جمعیت افروخته باشد بگیرد و مانند
تعویذیه

تعویذی کند و بطفل بند دا شر شیطان و جمیع حوادث
زمان در امان باشد و هر کس که در روز پنج شنبه
در ساعت دویم از روز بقلم باریک بر ورق اهو نویسد
و در زیر نگین انگشتری پنهان کند هر که ان انگشتر بین را
بطها رنگاه دارد و در مال و جاه و قبول نزد خلق در
نفاد سخن او افزاید و از شر اعدا محروس ماند قوله تعالی
هو الذی انزل علیک الکتاب الی قوله ان اللّه لا یخلف
المیعاد هر کس خواهد که حفظ و ذکا و فهم وی بیفزاید
این ایات را در کاسه سبز در روز جمعه پیش از طلوع افتاب
بنویسد بزعفران و گلاب بشوید و بناشتا بیاشامد
و دران روز حیوانی نخورد و هفت جمعه بدین وجه کند
بدین مراد که گفتم برسد چنانچه در تاثیران متعجب ماند
قوله تعالی قل اللهم مالک الملک الی قوله بغیر حساب
هر کس که این ایه شریف را بسیار بخواند رزق و برکت و وسعت

[illegible]

باید و فقر از وی دور کردد و غنی و مشهور کردد و هر
کس که خواهد بر علمی از علوم غریبه عزیز الوجود مطلع
و دانا کردد مثل علم کیمیا و سیمیا یا خواص حروف یا تسخیر
ارواح علویه و سفلیه و طلسمات و امثال ان باید که جمله
بر اوراد و دران روزه و طهارت باشد و شروع در خواندن
این ایات در شب و روز ورد خود سازد چنانچه بعد از
ادای فرایض و سنت و بیشتر اوقات بخوانند این ایت
کذرانند و هر شب در وقت خواب هفت نوبت سوره
والشمس و سوره والضحی بخوانند و این دعا بخواند انکاه
پهلو بر زمین نهد و دعا اینست اللهم انی
اسألك بقدرتك على كل شئ و تيسرك على كل
اسخيرك لكل شئ يا احد يا صمد يا وتر يا حي يا قيوم
ان تصلي على محمد و آله محمد و تيسر لي العلم العلات
الذی یسرته علی کثیر من خلقك و حصنی به تغنینی
عمن سواك

عمن سواك فانت مالك الملك و بیده مقالید
السموات والارض وانت علی کل شئ قدیر و چون
بر این مداومت نماید حق تعالی در خواب یا بیداری
کسی را بوی کمارد که این علم را باو تعلیم و ارشاد کند
و حکیم کوید که از برای یافتن کنج و مطلع شدن بر
وفائی این ایت بمشک و زعفران در کاسه زرین نویسد
و اب هلیله سبز تر باید شست و نکاه باید داشت
و بعد از ان یک زهره مرغ خانکی سیاه و زهره کربه سیاه
و سه مثقال سرمه اصفهانی و این جمله را بیکدیکر ملحق
کند در کاچینی و از ان اب که نکاه داشته است بر ان
میچکاند و میساید تا تمام ان را بخورد و خشک کرداند
و ان سرمه را در سرمه دانی ابکینه سبز کند یا در سرمه
دانی که از پوست باشد کند و نکاه دارد پس روز پنجشنبه
روزه دارد و در شب ادینه در نیم شب برخیزد و طهارت

کند و در هر رکعت نماز یکبار و در هر دو رکعت یکبار
فاتحه و هفت بار قُلِ اللّٰهُمَّ تا آخر بخواند چون
از نماز فارغ شود هفتاد بار استغفار کند و هفتاد
بار صلوة بر محمد صلعم بفرستد در هر چشمی از آن سرمه
سه میل بکشد و ابتداء بچشم راست کند و این عمل
باید در هفت شب جمعه بپای کند که در این شبها
اشخاص روحانی بروی پیدا گردند با ایشان مکالمات
کند و بپرسد و هر چه خواهد بپرسد آنچه بخواهد باو
بنمایند و طریق تحصیل آن بگویند که ایشان مسخر باین
عمل اند قوله تعالی اِذ قالَتِ امرأتُ عمران الی قوله بغیر
حساب خاصیت این است که حرز بسته نگاه دارند
اطفال را و اولاد از جمیع بلاها و آفات و چشم بد و اگر
زنی فرزند بسیار اندازد این آیت بگلاب و زعفران
بر ورق آهو بنویسد و بر بازوی راست آن زن ببندد

سقط فرزند

تا وضع

تا وضع حمل دیگر فرزند نیندازد و از آفات در امان
باشد و اگر بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و بنوزادی
بدهد و در موم گیرد و در گردن طفل خود بندد از آفات
در امان باشد و نترسد و نگرید و نشو و نما وی همه
بنیکوئی و خیر و صحت باشد بقدرت الله تعالی قوله تعالی
لَئِن بَعَثتُکُم الی قوله وکانوا یعبدون این آیت را خاصیت
عظیم است ظفر بر دشمن و فیروزی در جنگ و مظفر بر
بر عدو و در قتال و شکستن لشکر او اگر این آیت را
بر شمشیر یا بر نیزه یا سنان یا کارد نقش کند در روز یکشنبه
در ساعت ششم و او نقاش در آن روز طاهر و صائم
باشد باید گردانید که حرزی که دارد کسی بر او ظفر نیابد
و بآن صلاح در جنگ همچون رستم دستان مبارزی نماید
و بیش از این ظاهر کردن خواص جایز نیست قوله تعالی اذ
همت طائفتان منکم الی قوله العزیز الحکیم خاصیتش آنکه

از سلطان خوف داشته باشد و از غضب او بترسد
یا ظالمی قصد او کرد این ایات شریفه در شب جمعه در نیمه
شب با طهارت پاک و جامه پاک بنشیند و بر ورق
آهو بنویسد بعد از انکه برخیزد در نیمه شب دو رکعت
نماز حاجت بگذارد و همین ایه در هر رکعتی بعد از حمد
بخواند و انگاه بنویسد و همچنان مستقبل قبله نشیند تا
نماز صبح بگذارد بعد از نماز صبح به تسبیح و ذکر
مشغول گردد تا افتاب یک نیزه برآید بعد از ان
برخیزد و دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول فاتحه
و بعد از ان ایة الکرسی و در دویم آمَنَ الرَّسُولُ بخواند
چون سلام باز دهد هفتاد بار استغفار دهد و هفتاد
بار بگوید حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و بعد از ان تعویذ را بر خود
بندد و متوجه ان سلطان گردد حق سبحانه و تعالی او را

از ان سلطان

از ان سلطان و از ان ظالم ایمن و خوش دل و بمراد برسد ان شاء الله
تعالی و مادام که ان نوشته با وی باشد از شر ان ظالمان
و آفت جان و وسواس شیطان در امان باشد بقدرة الله
تعالی قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اصبروا الی قوله تفلحون
خاصیت او اینست که هر کرا بنده گریزپای باشد و خواهد
که ان خوی بد از وی دفع گردد این ایه که بختم سوره ال عمران
است بر نان جو نویسد و بان گریزه پای بخوراند دیگر نگریزد
حکیم گوید اگر همین تا زن ناسازگار دهد ان خلق بد
از وی دور گردد سورة النساء فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا الی
قوله وَلَا يَكْتُمُونَ اللّٰهَ حَدِيثًا خاصیتی عظیم دارد اگر کسی را
گواهی پیش کسی باشد و کتمان از ان کند و کار تو بشهادة
از او فوت باشد این ایة شریفه را بر سفال تو اب نارسیده
که اتش ندیده باشد بنویس بنام انکس و مادر انکس
بعد از ان اندران سفال را در کوزه ابی که ان شخص از ان اب

سورة النساء

کتمان شهادة

میباشامد اندازد چنانچه دمی نداند تا اب از ان بیاشامد
انشخص خودش را اظهار شهادة کند واکر کسی نخواهد که احوال
نهان زن بداند این ایت را بچون دهد برکف دست راست (برای زن در زایمان)
بنویسد وچون زن در خواب باشد کف دست خود را
بر سینه وی بنهد بقدرة خدای تعالی انچه در اب کرده باشد
ودر دل دارد وبروکذشته باشد از هر حال سخن کوید چنانچه
بیدار ان سخن کوید والله اعلم قوله تعالی اِنَّ اللهَ یَأمُرُکُم اَن
تُؤَدوا الی قوله بصیر خاصیت اکر کسی دفینهٔ نهاده باشد (جهت دفینه)
وراه بر ان نبود اما کمان ان جایکاه دارد این ایت را در
ظرف سفال نو بنویسد وباب باران بشوید ودر ان مکان
که کمان میبرد بپاشد بر ان مطلع شود وراه بسر ان
برد بقدرة الله تعالی قوله تعالی ومن یخرج من بیته الی قوله
کان غفورا رحیما خاصیت اینست که هر کس که بر وسحر کرده (دفع سحر)
باشند واثر ان بر خود بیند یا کمان برد که مسحور است این

ایت بکلاب

ایت بکلاب بزعفران برکف دست راست بنویسد و
بزبان بلیسد در حال طهارة هفت روز متوالی بیاشامد
ان سحر کرده باطل کند ودیکر بر وی کار نکند بقدرة الله
معه قوله تعالی یا اَیُّها النّاس قد جاءکم الی قوله صراطا مستقیما
خاصیت ان اینست که اکر کسی مخاصمه کند ومجادله دارد واو
با تو خصم است وجدال میکند وطاقت مقاومت او نداری
ومیخواهی مقهور سازی باید که روز یکشنبه روزه داری
واخر ان روز این ایت را بر پاره ادیم طایفی بنویسد وخود
نکاه دارد خصم منهزم کردد واو بر ان خصم غالب کردد بقدرة
الله تعالی سورة المائده قوله تعالی یا ایها الذین امنوا (سورة المائده)
لیبلونکم الله بشیء این خاصیت اینست که از جهت صید (جهت صید)
بغایت عجیب وغریبست طریقه عمل اینست که سه نوع
لوح بسازد یکی از چوب زیتون ویکی از مس سرخ ویکی
از استخوان استر وساختن ان سه لوح اینست که در

روز سه شنبه باشد ونقاش با طهارت بود وبر روی
لوح زیتون این آیه شریفه مذکوره نقش کند وبر یک روی
دیگر او بنویسد قوله تعالی والطیر محشورة کل له اواب وبر
لوح مس یک روی او بنویسد آن آیت مذکوره وبر روی
دیگر قوله تعالی احل لکم صید البحر الی قوله الیه تحشرون
ودر لوح استخوان اشتر یک روی آن آیه مذکوره ویک
روی دیگر هفت بار نقش کند فان مع العسر یسرا
وچون خواهد که بصید مرغ رود لوح زیتون در گردن
اندازد وچون خواهد که بصید ماهی وحیوان بحری
رود آن لوح مس در دام خود بندد وچون خواهد که بصید
وحوش برود لوح استخوان اشتر در گردن او بندد واز این
سه نوع در این سه نوع چندان صید توان کرد که در قدرت
حق تعالی عجب ماند وسر این عمل آنست که هر که مثله لوح
تازه کند ونقش در سه شنبه اول ماه باید کرد سوره

الانعام

٣٣

الانعام قوله تعالی الحمد لله الذی خلق السموات والارض
الی قوله بربهم یعدلون خاصیت این آیه هر کس که هر صباح
ومسا این آیه شریفه را هفت بار بر کف دست خود بخواند
وهفت بار بر جمیع بدن خود فرو کشد از جمیع اوجاع والام
در حفظ حق تعالی باشد قوله تعالی فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا
علیهم الی قوله الحمد لله رب العالمین خاصیت هر کس خرابی
خانه ظالمی خواهد بر افتادن وی وتبع وی بیاورد پاره
استخوان شتر که در مزبله افتاده باشد بردارد وبشوید
واین آیه را بر او بنویسد بمداد بر خانه ظالم اندازد یا دفن
کند خانه وی خراب شود ومقصد بر آید وحکیم گوید اگر
بقلم نحاس بر طشت نویسد وباب ریحان وبشوید
بآبی که یکشب تا روز روزه در و انداخته باشند و
در خانه کیک وپشه بپاشند چند نوبت هیچ کیک
وپشه نماند بقدرة الله تعالی قوله تعالی وعنده مفاتح

العیبة لا یعلمها الا هو الی قوله وهو اسرع الحاسبین
خاصیت هر کس خواهد که چیزی بر وی پوشیده و مشتبه
نماند و عاقبت و صلاح و فساد از ابد اند این آیهٔ شریفه را
بر کتان پاره پاک نویسد و در وقت خواب در کف نما
بگذارد و همین آیت را بعد از فاتحه بخواند و در زیر سر خود
نهد و بخسبد و از حق تعالی آن خیر و عواقب امور خود را طلب
نماید البته در خواب ببیند آنچه مصلحت وی و عاقبت
کار آن باشد و اگر این آیت را بر کتان نویسد و در وقت
خواب بر بازوی خود بندد و بخسبد و چون برخیزد هم
از خود جدا نکرداند و از خانه بیرون رود غریب و عجیب
بشنود که خلاف عادت بود و غالب آن باشد که در
آن سخنان آن چیز باشد و کفته شود که او خواهد از صلاح
حال خود و در وی سری عجیب است قوله تعالی ان الله فالق
الحب والنوی الی قوله العزیز العلیم خاصیت این آیت
سری عجیب

[illegible]

سرّ عجیب است و فایدهٔ بسیار است از برای زرع حبوبات
این آیهٔ شریفه را در جام آبگینه نویسد بزعفران و کافور
در آب چاه بشوید و هر تخمی و حبی که خواهد زرع کند در آن
آب ریزد و بآن آب تر کند و بعد از آن در آن زمین زرع اندازد
زود تخم بر آید و هم خوش طعم باشد و هر چیز در برکت بدید
آید و هم از آفات محفوظ باشد حکیم میکوید که از برای غرس
نهال و اشجار از همین آب پاره در بیخ وی ریزند و در وقت
نشاندن درخت بتخصیص کرم در غایت خوبی آید و اگر
کرم را از آن آب سه بار آب دهد عشره وی ظاهر کردد بقدرت
الله تعالی سورة الاعراف قوله تعالی المص کتاب الی قوله قلیلا
ما تذکرون خاصیت حکام و ولایت و امور انام را بجهت اتباع
رشد و آن حکم او در قضایا و احکام نافذ افتد و کسان در فصل
قضایا و احکام او راضی باشند مناسب است که بر صحیفه
فضه نقش کند و در زیر نگین خاتم نهد و بنویسد قدر جمیع

سورة الاعراف

[illegible]

برای صواب وحسن سیرت موفق کردد انشاء الله تعالی قوله
تعالی افمن اهل القری الی قوله الا القوم الخاسرون خاصیت این
ایه در اول ماه محرم در کاغذ نویسد و هر وقت که خواهد با آب
بشوید و در موضعی که مکس بسیار باشد بر دیوار و در
بالای خانه پاشد مکس از آن خانه مندفع کردد قوله تعالی
وما جعله الله الا بشری الی قوله عزیز حکیم خاصیت او آنست
که چون در روز سابع وعشرین شهر رمضان بنویسد وبر کمر
خود یا در تحت نکین خاتم خود نهد همیشه محروس و محسور باشد
وبر دشمنان منصور واز غمها دور بقدرة ملک غفور
سورة التوبة ولو ارادوا الخروج لاعدوا له الی قوله مع القا
عدین هر کرا بنده کریخته باشد یا درزی کریخته باشد
وخواهد که باز کردد وایه رفتنش نباشد این ایت بر پاره
جامه کتان نویسد و در اول ماه در حوالی آن جامه کتان
بنویسد نام آنکس که خواهد فلان بن فلان چنانچه کسی
نبریند

سورة التوبة

بجهت بنده کریخته

نبریند بفضله خوانه خود با از در خانه بیرون رود و در
میان آن میخ آهنین فرو برد و بعد از آن بحال پاک
نشانند سارق وهارب باز کردانند وکرفته شوند
بقدرة الله قوله تعالی فی آخر السورة وان تولوا فقل
حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم خاصیت این ایت شریفه آنست که هر
که کسی را دشمنی باشد وقصد وی ببدی کند
دو رکعت نماز بکذارد ودر هر رکعتی فاتحه یکبار
وده بار لقد جاءکم تا آخر بخواند وبعد از آن سی بار
این ایت مذکوره بخواند ودر آخر بار بکوید بعد از
خواندن ایت حسبی علی فلان ابن فلان بقدرة الله
تعالی دل ایشان از عداوت وکید سرد کردد و بخیر
مبدل شود وبروی عطوف کردند سورة یونس
الر تلک ایات الحکیم الی افلا تذکرون خاصیت این

سورة یونس

ایت هر کس که سدر و کافور و نفاذ امر و قبول کلمه
خود و فرمان برداری مردم ویرا طالب باشد باید
که در ایام بیض از ماه شعبان روزه دارد و نماز شب
بران بقاعده نماز کزاران بکذارد و افطار بخبز شعیر
و سرکه و نمک کند و بعد ازان مستقبل قبله نه نشیند
و بانچه تواند تهلیل و تحمید مشغول شود و ختم
بر صلوات محمد و آل محمد کند بعد ازان این ایت
مذکوره باب مورد و زعفران بر کاغذ نویسد و بزیر
سر خود نهد و بخوابد و چون از برای نماز صبح برخیزد
ان نوشته بردارد و بر خود اویزد و در میان مردم
بیرون اید تا اثار قدرت حق بر قبول و اقبال و طاعت
مردم ویرا مشاهده کند مادام که نوشته با وی
باشد چنان باشد قوله تعم قل من یرزقکم
من السماء الی قوله فلا تتقون خاصیت این ایت
سحر است

سحر است که بر پوست کدو مهر یا خشک نویسد و زنی
که بد شوی نزاید بر بازوی راست وی بندد ولایت
بروی اسان کردد و اکر بر نوره نویسد و باب و بغسل کف
کرفته محو کند و بر اتش عقد کند و پاره ازان بر روغن زیت
حل کند و سه قطره ازان در کوش چکاند درد کوش ابرود
و شفا یابد و اکر بر طومار نویسد و بیاویزد بچوب
کز و ایتها بر وی هفتاد بار بخواند و انکاه بر بازوی
بندد اسباب رزق بر وی اسان کردد قوله تعم یا
موسی ما جئتم به الی قوله عمل المفسدین در ابطال سحر
خاصیتی عظیم دارد هر که مسحور باشد و بهر چه دوا کند
بهتر نکردد وقتی که باران ببارد و یکی بکوهی بر اید که
کسی ورا نه بیند و از اب باران پاره در کوزه بکیرد و بعد از
ان بیاید و از چاهی که معطل که کسی ازان اب نکیرد و قدری
اب بکیرد و روز جمعه پیش از طلوع افتاب هفت برک

از هفت درخت که بار آن درخت کسی نخورده و این هر
دو آب بمساوی باهم بیامیزد و آن درخت و برگ درخت
مذکور و پس آیه مذکور بر کاغذی نویسد و در این
آب اندازد و بشوید و از آن آب برسد و جمیع بدن خود
فرو ریزد و خود را بآن بشوید جمله سحرها باطل گردد
بقدرت حق تعالی قوله تعالی وقال ارکبوا فیها بسم الله مجریها
و مرسیها ان ربی لغفور رحیم حکیم میگوید اگر این آیه را
بر تخته از چوب ساج نقش کند بمیخ در مقدم کشتی
بدوزد آن کشتی از جمیع آفات بحر و از غرق مصون محفوظ
باشد بقدرت الله قوله تعالی انی توکلت علی الله الی قوله
علی کل شیء حفیظ حکیم گوید اگر از شر سباع ترسد
یا از شر شیطان و غضب سلطان خائف بود یا در
دریا از غرق و در بیابان از اشرار ترسان باشد
باید که این آیه بسیار خواند خاصه در پنج مقام در آمدن
خوابگاه

خوابگاه و بیدار شد و برخواستن از خواب و آمدن صبح
و بعد از نماز و در آمدن کشتی و در آمدن پیش سلاطین
و ارباب حکم و سیاست که تا آن بروز کار بخیر برسد
سورهٔ یوسف قوله تعالی ائتونی به استخلصه الی قوله لا
یضیع اجر المحسنین خاصیت او این است که هر کس که از
عمل معزول شده باشد و او را از شروع در کاری منع
کنند و کرده باشد و بی تصرف و معطل مانده باشد
و خواهد که باز عامل و متصرف و معتمد علیه گردد
باید که روز پنجشنبه و جمعه که در اول ماه باشد روزه
دارد و چون شب جمعه باشد سوره یوسف را بخواند
و آنگاه بخفتد و در روز جمعه میان ظهر و عصر این آیات را
بنویسد بر ورق آهو چون افطار کند یکبار دیگر بخواند
و به تکبیر و تهلیل و تحمید و تسبیح مشغول گردد و هر یک
از تسبیحات را صد بار بگوید و آنگاه بخفتد چون بامداد

سورهٔ یوسف

شنبه شود بعد از نماز صبح بلند کند در هیچ احدی
کسی ظلم و تعدی نکند اکاه ان ورق که برو این ایت نوشته
بود بیرون در خانه خویش بیاویزد و هر کس که خود سوره
یوسف نداند ان شرایط را دیکری رعایت کند و سوره را
در زیر بالین بنهد تا عجایب قدرت حق تعالی بیند سوره

سوره الرعد

الرعد المر تلک ایات الکتاب الی قوله لقوم یتفکرون
خاصیت ان برای عمارت بستانها و دکانها و خانها
و بازارهای معطل بغایت نیکوست و انرا بر چهار پاره کاغذ
باید نوشت و در چهار طرف ان موضع دفن میباید کرد
و در زمین پاک و بخاک باید پوشید که خیر و برکت و ثمره
و رغبت خلق و اثار عمارت بدان ظاهر کردد بقدرة الله
تعالی قوله تعالی والذین لم یستجیبوا له الی قوله ولهم سوء
الدار خاصیت این هر کس را که خصمی غالب و یا ظالمی و فتنه
جوئی باشد که مدام از او در زحمت باشند و خواهد

که او را

که او را اهلاک کردانند مخذول و مقهور کردانند و خلق
از شر وی خلاص یابند باید که روز پنجشنبه و هشتم
روز ماه را ... و اکر اتفاق ان روز روز شنبه باشد نیکوتر
و مؤثرتر و افطار بنان جو و نمک سعتر و در نیمه شب باز
برخیزد و بر بام خانه خالی برآید یا بصحرائی رود اکر تواند
و قدری حصا لبان و سندروس در آتش نهد و بوی
کند و هفت بار ایت مذکوره بخواند و در آخر هر بار بکوید
علیک بفلان ابن فلان بیفکن امره و نقل نطره و لا
یثبت قدمه و یحل به ما حل بکل جبار عنید که حال او غریب
بهلاکت رسد و از این عمل عجایبها از قدرت الله

سوره ابراهیم

تعالی دیده اید سوره ابراهیم ع قوله تعالی الر کتاب انزلناه
الی قوله العزیز الحکیم حکیم کوید که این معنی است مر حکام را
در اصلاح رغبت و قبول وی و طاعت و صدار است
معلم را بر فهم متعلم و طریق عمل انست که حاکم از برای

در رغبت و قبول طاعت

طاعت داری رعیت این ایت را چهل بار برابر چاه
خواند و در مجلس حکم خود نقش کند بر دیوارهای
مجلس و منبر لکه اثار ان در درون کار مشاهده کند اما
بعلم این ایه را برابر بخواند و ازان اب سه روز ملازم
خوردن انجو را نداثار فهم و رشد و فصاحت در ایشان
ظهور اید و هر کسی که بر اب باران نیسان چهل بار خواند
بار و بیاشامد شک و شبهه از دل او زایل گردد
و اعتقاد درست پیدا کند و قوت حافظه او بیفزاید
قوله نعم الله الذی خلق السموات والارض الی قوله ان
الانسان لظلوم کفار خاصیت ان عظیم و فایده ان عمیم
است هر کس هر صباح و مساء نزد در امدن بخواب
و برخواستن از خواب برخواندن این ایت مداومت
نماید بر عمر و مال و فرزندان او برکت و خیر زیادت ظاهر
و دایم شود و از افات ان روز و نفس در ضمان خدا محفوظ
و مصون

و مصون باشد انشاء الله قوله نعم سوره الحج قوله
نعم و ذا النون اذ ذهب مغاضبا الی قوله و ننجی
المؤمنین خاصیت این ایت زوال غم و هم و کرب
و کیاست این ایه اسرار بزرگ در خواص دانایان و این
اسرار چنین گفته اند که جمعیان پنج ایت باید کرد تا
اثری عظیم و فرجی عمیم بروی مرتب گردد و کسی که امور
دنیوی بهم بر امده باشد و اسباب ان بروی تنگ
گشته و در حیرت بیرون امدن ذین مانده باشد باید
که اول توبه کند و بخداوند خود باز گردد و استغفار
کند و صد بار صلوات بر سید عالم محمد مصطفی صلعم
بفرستد انگاه طهارت کند و دو رکعت نماز با خضوع
و خشوع بگذارد انچه تواند از قران بخواند و بعد از
فراغ از نماز هفتاد بار دیگر استغفار کند و صلوات
گوید و سر بسجده نهد و هفت بار این ایت بخواند که انه

در سجود بخواند زوال هم وغم وتعجیل فتوح واسباب
ان بدعا از حضرت حق تعم بخواهد ایه اول وذا النون
اذ ذهب مغاضبا الی ننجی المؤمنین ایه دوم الذین
اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله الی قوله هم مهتدون
وت ایه سیم قالوا لهم الناس ان الناس قد جمعوا
الی قوله ذو الفضل عظیم ایه چهارم وایوب اذ نادی
ربه الی قوله ذکری للعالمین ایه پنجم وافوض امری
الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات ما
مکروا سورة الحج قوله تعم وتری الارض هامدة الی
قوله من فی القبور اکر درختی خواهند نشانند
در زمین وخواهند بگیرد وثمر دهد وبا برکت باشد
این ایات شریفه را در طشت نو نویسید که هنوز
استعمال نکرده باشند یا بر سفال نو اب ندیده بنویسد
بزعفران حل کرده در اب صافی یا در اب طیب یا در اب

امرود

امرود وبهمان که زشته بشوید وپر اب کنند از اب باران
اکر نیابد والا در اب چشمه ودر بیخ هر درختی مقدار
رطلی ازان اب بریزند ودر هر چهار ارکان موضع بقیه ان
اب که بماند بپاشد اثار خیر وبرکت ونمو وثمره بزودی
ظاهر کردد قوله تعم یا ایها الناس ضرب مثل الی قوله
رسلا خاصیت ایه از برای ظالم وزوال حکم وی این
ایات را در روز شنبه وقت طلوع افتاب بر کاسه از چوب
خرنوب تراشیده باشند بنویسید وبابی که از چاه
معطل وبی خداوند بر کرفته باشند بشوید ودر مجلس
ودر منزل که ان ظالم باشد بپاشند مقصود حاصل اید
سورة المؤمن قوله تعم لقد خلقنا الانسان الی قوله
احسن الخالقین در این ایه دو خاصیت بزرک است
یکی انکه اکر خواهد که زنی حامله کردد این ایه را بر هفت
ورق ریحان اترنجی نویسد وزن را بفرماید که بکان

پیکان را جای نده فرو برد و در پی هر یکی قدری شیر
گاو بر دبیاشامد چنانکه هفت بار فرو برد و این
عمل سه روز پیاپی کند بقدرة حق تعالی حامله کردد
و یکی دیگر آنکه مردی خواهد که در نظر مردم مزین و مقبول
باشد بستاند پارچه کرباس پاک و این آیات را بر آن
نویسد باب ترب و اگر مرد باشد در زیر کلاه یا
عمامه و اگر زن باشد در شیب عصابه بندد عجایب
بیند بقدرة الله تعالی قوله تعالی فی سورة النور الله
نور السموات والارض مثل نوره الی قوله بغیر حساب
خاصیتش برای داران برای قبول و آبروی و حصول
رزق و رشاد و خیرات و رغبت بمذاهب و بی شبهت
و تهمت باید که روزه شنبه و جمعه روزه باشد و هر
روز غسل کند و اوقات بیشتر بطاعات و خیرات کذراند
و در روز جمعه در همان موضع که نماز میکذارد مستقبل

فتله بر

سورة النور

فتیله بر نشیند و پیش از وقت عصر سوره یس بخواند
و این ابیرا از دوات صاحب دولتی بر ورق آهو بنویسد
و بر پیچد و چون نماز عصر بگذارد آن نوشته را بگشاید
و بر کنار راست خود بنهد و سورة الکهف بخواند
و باز بر پیچد و در موم کیرد و با خود دارد صاحب حظی
عظیم کردد و در دنیا و آخرت رستکار شود ببرکت
این آیت والله اعلم سورة الفرقان والذین یقولون
ربنا هب لنا الی قوله مقاما خاصیت این آیه در ترز
و یج بید اکردد یعنی اگر مردی یا زنی او را شوهر
یا او را زن میسر نشود و در خانه غریب مانده باشد
سه روز روزه دارد و هر شب وقت خواب پیشت
و یکبار این آیت بخواند و حاجت خود را از حضرت
عزه بخواهد و در ماهی سه روز این عمل کند تا
آنگاه که تاثیر او ظاهر شود و آثار اجابت بروی میسر

سوره الشعراء

شود سوره الشعراء قوله طسم تلك ايات الى قوله
لها خاضعون خاصيت اين ايه از براى خذلان و نكون
كف
سارى دشمن كنند و اين چنان بايد كه اين ايت بر
قبضه خاك خواند كه از زمينى باشد كه افتاب بران
نباشد كه بتابد و بران رسد و بر پرده دشمن پاشد
عجايب بيند قوله كتنزيل من رب العالمين الى قوله
علماء بنى اسرائيل خاصيت اين ايه يافتن دفين و جاى
مال است چون اين عمل خواهد كرد بيارد خروس سفيد
افرق يا ابرق و اين ايت را بر طومار نويسد و در كردن
بندد و در روز يكشنبه وقت زوال و از ان موضع
كه كمان دفينه ميرود رها كند بقدرة خداى تعالى
ان خروس بر همه اينجا بايستد كه دفينه باشد و بپاى
يا منقار خويش زمين را ميكاود و نشان اينست
كه گفته شد و هم چنين اگر در جائى سحر كرده باشند
و پنهان كرده

و پنهان كرده باشند همين عمل بايد كرد ظاهر شود
قوله تعالى قل الحمد لله و سلام على عباده الى قوله صادقين
خاصيت اين ايه عظيم البركات است و كلمات كثير الخير
است در وقتى كه به بلائى يا وبائى و يا قحطى و عذابى
روى بقطرى از اقطار و بلده از بلدات اورده و مردم
با فات مرعات ان مبتلا كردند بايد كه سه روز روزه
دارد و نقاش را بفرمايد كه در روز نقش كردن
روزه باشد و بفرمايد تا لوحى از زر بسازند و اين ايت
بران لوح نقش كنند و بر هر سطرى كه بر لوح نقش كرده
باشد سه بار اين ايه بخوانند پس ان لوح را در پاره جامه
كسى كه معتكف باشد بپيچد و در بلندترين جائى از ان
موضع انرا بياويزد حق جل جلاله ان بلا و قهر را از ان
قطر و از ان شهر بگرداند بلطف خويش قوله تعالى فخرج
منها خائفا الى قوله سواء السبيل خاصيت اين اسم

برای زن خواستن

انست که اگر کسی از برای زن خواستن بجائی میرود و خواهد
که سخن وی قبول و ملتمس وی مبذول دارند در ساعت ششم
روز جمعه پانزده بار این ایه را بخواند و متوجه ان شود
مراد حاصل اید قوله تعالی سبحان الله عما یشرکون الی قوله
والیه ترجعون خاصیت این ایه انست که چون کسیرا

دفع ظلم سلطان و قاضی

از سلطان ظالم و قاضی و میر و بجهت دعوای یا بر غرض
یا فضل و قصدی میخواهند که گواهان بدروغ تربیت کرده باشند
و حاکم میل خصم وی دارد در وقت در امدن بایشان این ایه را
هفت بار بخواند و انگاه قدم دران جای نهد و سه بار بگوید
والله غالب علی امره بر دشمنانند که تعدی کند و مرادش
حاصل کردد قوله تعالی فسبحان الله حین تمسون و حین تصبحون

دفع ریح و اندوه

الی قوله تنصرون خاصیت هر کسی را تعوذ بالله ریح و اندوه
که انرا ریح بادیک گویند باشد و هیچ دوا بهتر نگردد
و با عتقاد تمام بشاند حصار لبان و سه روز و سه شب

متوالی

متوالی در هر روز دهوشیی این ایت را هفتاد و سه بار
بخواند و صد و سی چهارم بخورد ان خانه بیرون برد بوقت
سحر در بخوابانند و ان بخور بر اتش نهد در چهار مجمره که اتش
ان از چوب تاک رز باشد یک مجمره بر سر وی و یکی بر پای
و یکی بر یمین و یکی بر یسار تا بر فت استغاثه او را بمراد
و منزل خود برد بقدرت اسم تعالی صحت یابد و اگر بجهت مسحوری
همین ایت را تا انجا که قوله تعالی وَکَذٰلِکَ تُخْرَجُونَ بر دیوار
بخواند حق تعالی او را فرج دهد سورة لقمان یا بُنَیَّ اِنَّهَا اِنْ تَکُ
الی قوله لطیف خبیر چون خواهی که احوال فرزند و عیال
خود که از وی پوشیده باشد بداند این ایت را بنویسد
و در شب اول جمعه از ماه شعبان بعد از نماز فریضه
ورا فلم در زیر سر خود نهد و بخوابد و در وقت خفتن
این تسبیح بخواند سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفٰی عَلَیْهِ خَافِیَةٌ سُبْحَانَ
الذی القلوب بیده والامر باره قوله ما فی الارض

من شجرة اقلام والبحر يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت
كلمات الله ان الله عزيز حكيم تا حكيم گويد كه هر كسی كه
خواهد كه حفظ او بيفزايد و ذهن او تيز باشد و بفهم
علوم در ميان مردم فصيح و بليغ گردد حاليات دكرد اين
ايه هفت بار هر پاره كه نيم مثقال باشد و هفت روز نيم
از ان با عسل يا شكر آميخته باشد بقدرة الله و بركت ايات

سورة السجدة

سورة السجدة قوله تعالی الذی احسن الوجه والسيئة و
الخلق وكل شی خلقه الی قوله قليلا ما تشكرون خاصيت
ترتيب مولود است على احسن الوجوه والسير والخلق
والخلق فی النظر چون كودك هفتاد روزه شود اين ايت را
از بهر وی در جامی ابگينه نويسد بمشك و زعفران
وگلاب و باب باران محو كنند و بوی بخش كنند يك بخش
بر طعامی باز امید هند اند كی بيامیزد و نيم دیگر ه
با مداد يك قطره در حلق و چكاند و پاره در دو ی او

بما الله

بما الله و اين تعظيم و تقطير و تسبيح در چهل روز كنند
و گفته اند كه هفت روز بس باشد از وی چيزها بديد

سورة الاحزاب

ايد كه دلها از وی شاد گردد سورة الاحزاب اذ اخذنا
من النبيين الی قوله عذابا اليما حكيم گويد كه خاصيت
تيز رای در اين ايت می باشد از برای كسی كه بر عهد خود
وفا نكند و نقض عهد كرده باشد يا از ان باز گردد و
باز بر سر عهد ايد و اين عمل ملوك را شايد يا كسی به نسبت
او بود و نقض عهد او خوف عالمی باشد و ان چنان بايد
كه پاره جامه انكس بياورند كه انكس بر بلند بستانند و اين
ايت بر روی نويسد و زعفران حل كرده با آب شبنم و بعد از ان
بنويسد كه عذر فلان بن فلان و نقض عهده و لم نف بما
كان منه لفلان بن فلان والله غالب علی امره اللهم عليك
به و اين لفظ اللهم عليك سه بار بگويد و ان نوشته
در گوشه مسجدی دفن كنند بقدرة الله تعالی انكس بعهد

خود باز کردد وانچه نقض عهد وی بود صادر نشود

قوله نعم یا ایها النبی انا ارسلناک الی قوله وکیلا
حکیم کوید دعوی سنگی عظیم است بجهت مباهات
وابهت وتعظیم در خواطر ونفوس وهر که ازوی سخن
شنود قبول کند وطریق وی انست که هفت روز
هر روز بعد از نماز صبح هفت بار این ایت را بر روغن
زنبق که بمشک اخته باشد بخواند ودر قاروره
کند بوقت حاجت با بروی وعارض خود بمالد وبمیان
مردم رود وبحضرت ملوک از بهر حاجات در اید تا قبول

خود وحسن تلقی ایشان مشاهده کند سوره سبا (سوره سبا)

قوله نعم وحولنا بینهم وبین القری الی قوله امنین
حکیم کوید کسی که در کوهها کردد وبجهت طلب معدن
وکنج ونباتات وادویه غریبه این ایت بر ورق اهو
نویسد ودر پوست شبر دباغت کرده نهد وبر خود
بندد وبان

بندد وبان طلب کردد بمقصود ومطلوب خود
ظفر یابد انشاء الله بقم یس والقران الحکیم الی قوله
فهم لا یبصرون خاصیت این ایت دفع اعدا وخلاص
از کید ایشان که چشم بدی وپوشش ایشان است
وهر کس که این ایت بر سر خویش نویسد ویا بر صحیفه
نحاس نقش کند وبر تیغ وبر قبضه سپر دوزد وان سپر را

روبروی دشمن دارد دشمن مقهور ومنکوب کردد وهر کس
که میان دو خصم که جنگ باشد بخواند هر کدام از ایشان
که ظالم باشد او شکسته ودرمانده ومقهور کردد
وهر کس که دران زمان که بجامه خواب در میاید بخواند
ان شب از دزد ایمن باشد قوله نعم ان کانت الا صیحة
واحدة فاذا هم خامدون حکیم کوید چون دشمن تو در
مقابل تو اید بر روی ان بخواند الله الغالب اسد القهار
مذل کل جبار عنید ناصر للحق حیث کان لا حول ولا قوة

الا بالله وبه الحول والقوة ان كانت الا صيحة واحدة
فاذا هم خامدون بقدرة الله تعم ان دشمن منكوب
ومتحير ومنفير كردد سورة الصافات قوله تعم ولقد نادانا
نوح الى قوله هم الباقين خاصيت ان باتفاق علما علم
خواص وحكا اهل اختصار اينست كه هر كس از ابر سنك
ويا لوح از نحاس يا از فولاد يا از چوبی سخت نقش كند
ونقاش هم صايم وطاهر باشد ومهر چون كه نقش
ميكند نظر بان كوكبی كه در ميان بنات النعش اند
ميباند از بود در مستهل اول ماه كانون الاول باشد
چون نظر ميكند اين كلمه بر زبان مير اند كه قطع
مع السماء وكف شر الحية والعقرب وچون از نقش
فارغ شود سه شب متوالی در اينماه شبان منقوش
را بيرون اورد وبر كف دست راست نهد وبر اسمان
عرضه كند مقابل بنات النعش وبزبان كويد كه عقد
العقرب

العقرب وسمها والحية وضرهما كالعقد الذی
اخذ به الميثاق من كل رطب ويابس بقدرة لا حول التميم
ولا قوة الا بالله بعد از ان ايت مذكوره را واين كلمات
يكبار در روی نخواند وبهر كوكبی كه بنات النعش بدان
متصل است روی اورد ويكبار نخواند وانكاه روی
بر ابر اورد ويكبار ديكر نخواند وباز كردد وباز شب
ديكر همان كند تا سه شب تمام شود انكاه از ان
حرير سفيد بپيچد چون كژدم زده يا مار زده يا زهر
داده يا مكسو العظمى بيا ورند وان لوح را در اب بشويند
وان اب بوی دهند تا بياشامد وبر اعضا بمالند
شفا يابد بقدرة الله تعم سورة الروم ونفخ فی سورة الروم
الصور وصعق الى قوله لا يظلمون حكيم كويد چون
بدشمن رسی در راهی يا در مجلسی وخواهی كه از تو
منفعل كردد وهيچ چيز بر تو غالب نكردد وملكه از تو

ترسد این ایات شریفه را بخواند و بروی دمد تا عجایب
بیند وهمچنین از برای احضار جن باان کلمات که
از پیش گفته شد در باب احضار جن بخواند بزودی
حاضر کردند و مقصود بر اید سوره عافر رفیع
الدرجات ذو العرش الی قوله کل نفس بما کسبت
خاصیت بر ورق اهو نویسد و بر سینه نائم نهد بشرطی
که پاک باشد در خواب هر چیزی که بروی گذشته باشد
از زمان بلوغ الی الیوم در خواب حکایت کند قوله تعالی
الذی جعل لکم الی قوله بیکرون خاصیتش از برای حفظ
و برکت در شتر و گوسفند و سایر مواشی در ظرف پاک
نویسند و باب بشویند و بر ایشان بخورانند و بعضی
بر ایشان بپاشند از افات سلامت بمانند و دران خیر
و برکت بدید اید سوره حم سجده سنریهم ایاتنا
فی الافاق الی قوله علی کل شیء شهید حکیم گو بدان برای
دفع ظالمی

دفع ظالمی که شر او عام باشد این ایت بنویسند که
کذلک نزدل الله ۱۲ فه بجولاسه وقل دسه وقوته القاهر
وهم بدست دختر نابالغ در استانه بالایین در خانه
که او دران میباشد پنهان کند شر او از مردم دفع گردد
سوره حم عسق قوله تعالی له مقالید السموات والارض خاصیت
دی اخراج دفین و کنوز و اظهار خبایات و اینچنان باید
که در جائی کامیر در حاضر گردد و خروسی ازرق باخود
حاضر کرد اند و این را بنویسد بر پوست بزغاله سفید
که از شکم مادر بیرون اورده باشند و دباغت
کرده و شسته و باب هندبا بنویسند و باب دمند
بیابد که پاره صبر سقوطری و زعفران حل کرده باشند
و از ابریشم در پاره صوف سرخ بدوزند و در گردن ان
خروس بیاویزد و این عمل را در روز سه شنبه در اول ساعت
از روز کند و او را رها کند او بهر جا که دفین

باشد و بایستد و بپای و منقار چند بار زمین برا
میکاود و تو انجا برو و بیرون اور سورة الزخرف قوله
تعالی ولئن سالتهم من خلق السموات الی قوله لمنقلبون
خاصیت وی بس عجایب است در کم کرده و یافتن هرچه از
باشد خاصه از بهر یافتن دواب و اینچنان باید که این
ایات بر پاره حریر سفید نویسد و در کلاهی پنهان
کند هر کس که این کلاه بر سر نهد و بطلب ان کم کرده رود
باز اید و اگر در میان خانه قومی جنگ و خصومت بسیار
افتد این ایات را بچهار ورق نویسد و در چهار رکن
خانه دفن کند صلح کنند دیگر شر و خصومت میان ایشان
نماند سورة الدخان حم والکتاب الی قوله بدخان
مبین خاصیت بزرگ دارد هر کس که در اول ماه
شعبان بعد از نماز خفتن این سوره هر شب ۲۵ بیست و پنج
بار بخواند تا شب چهاردهم ۱۴ ماه هر شب بدان مداومت
نماید

سورة الزخرف

سورة الدخان

نماید در شب چهاردهم سی بار بخواند و انگاه بر روح
مطهر محمد صلعم چند بار صلوات فرستد و از ارواح پاک
وی طلب مدد نماید و او را بحضرت شفیع برد هر حاجت
که در دل دارد بخواهد از حضرت بیشک مستجاب گردد
قوله تعالی ان المتقین فی امام مبین الی اخر السوره
خاصیت ان این است که هر کس که در وقت خصومت
انرا بخواند و بر روی خصم دمد خصمش مقهور و مغلوب
گردد سورة الجاثیه ویل لکل افاک الی قوله بعذاب
الیم و قوله تعالی ولقد فتنا قبلهم قوم فرعون وجاءهم
رسول مبین خاصیت این دو ایة انست که از برای
خراب شدن دیار و بر هم زدن کار و بار و بر امدن دمار
از دود کار ظالم و عدو و ستم هفت پاره سفال بپخته
خشک کرده بستاند و بر هر یکی از این ایات را از دو جا
بنویسد و هر بار یک پاره از ان سفال بر میدارد

سورة الجاثیه

وانرا باز از روی بر روی میکرداند وانکاه بر روی مینویسید
وان نوشتن بعد از ثلث اول شب باید که باشد چون
تمام نوشت هفت بار بکوید الله اکبر الله اکبر الله
اکبر لا اله الا الله الله اکبر الله اکبر ولله الحمد بعد از ان این کلمات را
بکوید ولا جمع ولا رجع ولا فوت ولا بد وبطن ولا
ظهر ولا استظهار لفلان ابن فلان عندامر الذی غیر و
المتولی علینا القوة لله جمیعا وبعد از ان در هاون اندازد
وانرا خورد کند وبساید وبر سقف مکانی که ان ظلم و ملا
زمان منزل ساخته باشند بپاشد بقدرة الله تعم ایشان
متفرق ومستهلك واز عمل معزول کردند وبر ایشان
عجایب احوال پیدا شود وحکیم کوید که اکر این ایت مذکوره
یعنی ویل لکل تا قوله ولهم عذاب عظیم از برای تسخیر جن
واحضار ایشان واسر ایشان خواهد که مسخر کردند
ومدد کنند لیکن بشب باید خواندن در جای خالی

واکر در

واکر در صحرا باشد بهتر واکر کسیرا حاجتی خواهد این ایترا
برکف دست راست خود بنویسید سه بار وکف خود را
فرو کیرد وبر روی انکس بکشاید وحاجت خود را
عرض نماید بزودی روا کردد بقدرة الله تعم
سورة الاحقاف واذکر اخا عاد الی قوله للقوم المجرمین
خاصیت اول دخراب دیار ظلمه وکفار وفسقه وفجار
بدید اید وچنان است که از اب هفت چاه معطل
بیاورد وهفت روز این ایتر بروی بخواند وابتدا
در روز شنبه در کاست ماه هر روز نزد بر امدن
افتاب هفت بار بخواند واخر این خواندن روز جمعه
باشد یا شنبه دیکر در اید که هشتم روز باشد انرا
بچهار بسه کند وبچهار کوزه تا رسید دهد تا در
چهار رکن انخانه وان موضع که خراب میخواهد بریزد
که عجایب قدرة حق مشاهده کند سورة محمد صلی

لله علیه واله والذین قتلوا فی سبیل الله الی قوله عرفها
لهم مع قوله تعم یا ایها الذین امنوا ینصرکم الله
وینصرکم ویثبت اقدامکم مع قوله تعم فلا تهنوا وتدعوا
الی السلم وانتم الاعلون والله معکم ولن یترکم اعمالکم
حکیم گوید خاصیت این سه ایه ببکد بکر که بر ترس سپر
نقش کند و بر روی عدو دارد و در صف قتال از حق
تعم نصرت یابد مظفر و منصور گردد سورة الفتح قوله
تعم انا فتحنا لک فتحا مبینا الی قوله علیما حکیما خاصیت
وی عظیم است یکی انکه عدد را بر سنگ ساید تا از وی
لعابی حاصل اید و این را بان لعاب بر ورق اهو نویسد
و در کلاه خود پنهان کند وقتی که طاهر باشد بپوشد
در میان خلق صاحب قبول و جاه و صاحب حفظ گردد
و اگر وقتی که قمر در ثور باشد و روز سه شنبه باشد
در ساعت اول یا ساعت هشتم این ایه را بر دایره از
کاس

کاس اصفر نقش کند و بمیخ در میان درقچیشبه دوز
مر انرا بر دارد و بر روی بعد دارد و در وقت معرکه و حاجت
البته حق تعم او را نصرت دهد سورة الحجرات قوله تعم (سورة الحجرات)
یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن الی
قوله تواب رحیم حکیم گوید در شب عید فطر یا اضحی
در نیمه شب این ایه را بزعفران حل کرده در اب باران
بظرف پاک نویسد و هم باب باران بشوید و انرا ناشتا
پیش از بیرون امدن بنماز عید بیاشامد تفرقی
که در دل وی باشد از کسان و وسوسه که در سینه
پیدا شده باشد جمله زایل گردد بقدرة الله تعالی (سورة ق)
سورة ق قوله تعم ونزلنا من السماء مبارکا الی
قوله کذلک الخروج حکیم گوید که این ایه اشجار را از
افات و طاعون است درختان را از عاهتها نگه میدارد
وانرا بر هفت دفعه باید نوشت بزعفران و بجای ورد

وباب باران ربیعی باید نوشت تا بر امدن صبح معّاو نزد
ششش هر قعه یکبار این ایت بباید خواند انگاه ازان
وبرکت
اب بر درختان بپاشد باید هیچ افتی بان درختان نرسد
که زرع
در میوهای وی پیدا کردد واکر تخم هر چیزی که خواهد
کند درین اب اندازد وانجا بر میدارد ودر زمین میاندا
زد زود بروید وخوش طعم وبابرکت وبی افت باشد سوره
وَالذاریات قوله تعم والذاریات ذروا الی قوله تعالی
یستعجلون حکیم کوید درین ایت سرّ عجیب وحکمت غریب
است در دمار بوار وتفرقه خراب دیار اعداء ووصیت
بدان کرده اند که بغیر مستحق کردن ان دوا نداهند وازحق
تعم بترسد اما رخصت از شرع بیابند چنانچه باید کرد
که بشهر قدیم خراب باید هفت ویران در کند وازمکان خراب
روز
شده چهل پاره سفال جمع کند ودر مدت هشت
روز
ابتدا از روز شنبه در ساعت زحل تا شنبه دیکر هر

سه پاره

سه پاره ازان هم در ساعت زحل این ایات نویسد ودر
هشت روز دیکر هر روز در ساعت مریخ هر روز
سه پاره ازان در هاون خورد وبکوبد وچون این شانزده
شد
روز تمام کند وترتیب رعایت ساعت حمل تمام کرده با
پاره خاک از کورستان قدیم بستانند بوزن برابر وان
هشت
سفالها را کوفته وباهم بیامیزد ودر حالت امیختن
دشمن
بار ایات بخواند وانگاه ان خاک بردارد ودر جایگاه
بپاشد اکر تواند وان پاشیدن هم در ساعت زحل ومریخ
باشد اولی بود تا به بینند بر جان ومال وی انچه بینند
سوره الطور
والله قادر علی کل شی قدیر سوره الطور قوله والطور
وکتاب مسطور الی قوله بما کنتم تعملون خاصیت این
همانست که در والذاریات کفته شد وزیاده وان
اینست که ان شخص بجان امان نیابد وجان ومال
او خراب کردد اما عمل ان شخص اینست که بر لوحی از چوب

خروت نقش کند در اخر شب آن ماه و بمیخ بر سقف آن
خانه باید دوخت تا عجایب و قدره به بیند سورة والنجم
اذا هوی الی قوله الکبری خاصیت وی است که چون بمشک
و زعفران بملء و ردی جامی از ذر نویسد و با بزم و به بشوید
و هفت روز متوالی بعد از نماز بامداد یک شربت از
آن آب بیاشامد حفظ زیادت و ذکا بیفزاید و نسیان
ببرد و اکر آب زمزم نباشد آب باران شاید سورة القمر
قوله تعالی اقتربت الساعة الی قوله علی امر قد قدر حکیم کوید
که اکر کسی را خصمی باشد که قصد وی کند یا ظالمی باشد
که قصد خون و مال مردم کند و از آن توبه نمیکند و خواهد
که او را بجزای بد برسد که از وی خون دوان شود و در این
مرض کذاشته کردد بنشاند پاره شمع موم که از عسل کرفته
باشد که اثر آتش بدان نرسیده باشد یعنی عسل از وی
پالوده باشد و شدید باشد بهم اسم آن شخص که خواهد صورتی
مانند شخص

مانند شخص وی از آن بسازند در روز چهار شنبه
در ساعت مریخ در شکم وی بسوزن بنویسند اترق
ترفا ولا تجف حتی تری کالسارد والعیون والفواد
لا تنشف ابد الآ باللیل ولا بالنهار العجل و انحاه
ایات مذکوره در پارچه جامه همان شخص بنویسد در آن صورة اترا
در آن بپیچد و در سرا شیب حمام که در کار کردان باشد دفن
کند یا در مجری آب حمام و اکر نا کاه حق تعالی ورا توبه بخشد و
خواهی که در آن مرض بمیرد آن صورة و نوشته را بیرون آورد و باب
روان بشوید آن صورة شمع را بکذارد آن مرض از وی زایل کردد
زنهار این عمل را جز از برای ظالمی چنین که کفته شد کند تا زیان
کار نشود سورة الرحمن قوله تعالی الرحمن علم القرآن الی قوله الریحان
فبای الاء ربکما تکذبان حکیم کوید که این ذخیرها علما ست که بهر
کس نیاموزند از برای زیادت حفظ و ذکا بنشاند انکور سیاه
و بیفشارد عصیر وی بکیرد آن مقدار که خواهد و مثله شکر

سورة الرحمن

زیادت حفظ

ومثل نیمه عسل صاف ومثل نصفه سفرجل ومثل نصفه التفاح و یکدرم
زعفران ویکدرم دارچینی ویکدرم زرنباد ویکدرم کبابه از چینی
ویکدرم جوز ویکدرم قرنفل اگر چنانچه مجموع آنکه گفتیم یکمن
شرعی باشد واگر زیادت باشد بقدر آن عقاقیر زیادت کند
پس عصیر انگور وماء سفرجل وماء التفاح بر یکدیگر بریزد ودر
دیگچه سنگین کند وبجوشاند تا بسی درم با نیمه باز آید وانگاه
عسل ومشک در آن ریزد وبجوشاند تا بقوام آید بعد از آن آیت
مذکوره بر جام آبگینه بزعفران وگلاب بنویسد وبشوید وگلاب
بر آن عقاقیر کوفته وبیخته بریزد ودر دیگچه بریزد وحالی فرو گیرد
وسر آن بپوشد ونگاه دارد تا آفتاب نبیند تا سرد نگردد وهر شب
در وقت خواب مثقالی از آن تناول کند اثر آن در خود بزودی مشاهده
کند چنانچه در تعجب بماند سورة الواقعه من اولها الی آخرها
هر کس که هر بامداد وشب با طهارت بخواند از گرسنگی و تشنگی
ایمن گردد واگر چند روز نان واب نیابد ونقر وفاقه وخوف
درماند

درماند وبوی راه نبرد بفرمان عز وجل سورة الحدید
قوله تعالی سبح لله ما فی السموات وما فی الارض الی قوله
بذات الصدور وقوله تعالی هو الذی لا اله الا هو
عالم الغیب والشهادة الی آخر السورة بجهت برآمدن
حاجات باید که وضو سازد وآن روز با وضو باشد وآن روز
روزه دارد چون از نماز خفتن بگذارد مستقبل قبله
بنشیند وصلوات بر پیغمبر فرستد صد بار واستغفار کند
صد بار وبعد از آن برخیزد ودو رکعت نماز بگذارد
ودر رکعت اول فاتحه واول سورة حدید تا آنجا که گفته
شد ودر ثانیه فاتحه وهو الله الذی لا اله الا هو
تا آخر بخواند وچون سلام دهد سر بسجده نهد وده
بار صلوات وباز استغفار کند وبعد از آن بگوید
که یا من هو هکذا الا هکذا یا من بیده مفاتیح الامور
وهو علی کل شیء قدیر یا من بامره تیسر کل عسیر والیه

المصیر و حاجت بخواهد مقصودش بزودی حاصل گردد
و خواندن این آیات مذکوره را خاصیت تیسیر عسیر
و تسهیل صعب است سورة المجادله الی آخرها خاصیت
عجیب دارد اگر ترا حقی پیش کسی باشد و منکر میشود
و بظلم خواهد که آنرا ببرد و تو میخواهی که آنرا سوگند دهی
خود وضو سازد و او را نیز وضو بگیرد و در مابین الصلوا
تین از روز جمعه چنانچه بعصر نزدیک باشد مصحف
بگشای و سوره قد سمع الله بخوی و او را بگو تا انگشت
مسبحه میان این دو ورق سوره بنهد و آنگاه او را بگو که
بگوید بحق آن خداوندی که این سوره و کتاب مبین
خود بمحمد رسول الله فرستاده است که مرا این حق بتو
دادنی نیستم و در گردن من نیست اگر وی آن سوگند
بدروغ خورد در آن روز یا در آن شب بعقوبت سخت
گرفتار گردد دیگر آنکه توبه کند و بیان گردد سورة الحشر
لو انزلنا

لو انزلنا هذا القرآن تا آخر سوره بر هر دردی و وجعی
که بخوانند بصدق ساکن گردد سورة الممتحنه قوله
ربنا علیک توکلنا الی قوله العزیز الحکیم هر کس
که بر ورق غزال بنویسد و در زیر نگین انگشتری نهد
بطهارت از همه آفات در امان باشد سورة الصف قوله
یریدون لیطفئوا نور الله الی قوله و بشر المومنین بر حریر
سفید بمشک و زعفران نبشته حل کرده باب باران و در
زیر جامهای خود بدارد هر چه چیزی در آن باشد و برا در خواب
یا بیداری ممثل نموده گردد سورة الجمعه قوله ذلک
فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم هر کس
در روز جمعه آنرا بر صندوق که مال و خزینه در آن میدارد
نقش کند از آفات محفوظ گردد سورة المنافقین قوله
و اذا رأیتهم الی قوله یؤفکون هر که بر خاک پاک که قدم
کسی بر آن نرسیده باشد بخواند و بروی دشمن پاشد

چنانچه خداوند اندازوی ایمن گردد و شر او باو لاحق نشود
سورة التغابن قوله تعم زعم الذين كفروا ان لن يبعثو
الى اخره هر كه چیزی جائی نهاده و دفن کرده باشد و راه
بان نبرد و نیابد دران جایگاه و خانه باید که حصا لبان
بر اتش نهد و این ایت بر طاس مسین نویسد و اب دران
زیزد و بشوید و بچهار دیوار ان خانه بپاشد و بعد ازان
دران خانه را ببندد و یکروز و یکشب و روز دیگر در
در اید و بجوید البته بیابد یا در خواب کسی باو بگوید که محل
او چه گونه باشد سورة الطلاق قوله تعم و من قدر
علیه رزقه الی قوله بعد عسر یسرا هر کس که شب جمعه نیمه
شب برخیزد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی
یکبار الحمد و ده بار این ایت بخواند و چون سلام باز دهد
صد بار استغفار کند و صد بار صلوات فرستد انگاه
این ایت بگلاب و زعفران بر حریر سفید نویسد و یا

بر ورق غزال

بر ورق غزال وانرا بر کف دست نهد و سر بسجده نهد
و بگوید یا الله یا اکبر یا من لا یخلف وعده سهل علی کل
صعب و یسر علی عسیر والخروج من کل شیء قدیر حق تعم
در اینروی در هر هم و غم فرجی و مخرجی دهد و ابواب
رزق بروی بگشاید از اجاکر او خداوند سورة التحریم
قوله تعم یا ایها الذین امنوا توبوا الی کل شیء قدیر چون
بر انای چینی سفید بمشک و زعفران و گلاب نویسد
و باب باران بشوید و در اب شکر اندازد و چهل روز متوالی
روزه دارد و بان افطار کند و اگر غیر صائم باشد بناشتا
ازان شربتی خورد حجاب از بصیرت وی که چشم اوست
برخیزد و بحقایق امور مشرف و مطلع گردد و وقت باشد
که از مغیبات خبر دهد سورة التبارك تبارك الذی
بیده الملك الى قوله خاسئا و هو حسیر خاصیت او این
است که از برای چشم درد رسید است که سه روز هر روز

سه بار بخواند و بروی دمد و هر روز سه بار بگلاب
بر حوالی چشم بنویسد صحت یابد سورة ن والقلم وما
یسطرون الی قوله فاصبحت کالصریم خاصیت دفع
ظلمه است و آن چنان بود که از زیر درخت خرنوب پاره
گل برگیرد و از آن هفت پاره مانند سفال پاره بسازد
و در آفتاب خشک کند و این آیات بر هر یک بنویسد
و بدست خویش بکوبد و بدست خویش بپاشد در خانه
آن ظالم که عجایب ببیند سورة الحاقة الی آخرها بر روغن
زیت بخواند و بر اعضای اطفال چنانچه عادت مالیدن
روغن بلبسان باشد بمالد نفع عظیم دارد اطفال را سورة
المعارج تا آخر بر ظرفی و کوزهٔ که از آن آب میآشامند
بخوانند هفت بار و در وقت خفتن جرعهٔ از آن آب بخورد
خوابهای پریشان که آنرا اضغاث احلام گویند نه بیند
سورة النوح بر نیت عقد اللسان ظالم بخوانند و بطرف
سوره بگویند

سوره بگوید یا عقود عقد لسانه زبانش بقدرة الله تع
بر بدی گفتن بسته گردد سورة مهموم و مغموم هر یک
به نیت خالص بخوانند از غم و خوف و حبس خلاص یابند سورة
المزمل هر که اول جمعه از ماه رمضان غسل کند و بعد از نماز
خفتن دوازده رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از
حمد سوره مزمل بخواند و سلام دهد و هزار بار صلوات
بر محمد م بفرستد رسول خدا را در خواب ببیند و بجمال مبارک
او مشرف گردد و همین خاصیت دارد سورة المدثر در شب
جمعه بعد از نماز خفتن دوازده رکعت چنانکه گفته شد
سوره القیامه هر کس که در صبح برخیزد و بخواند از مظلمه و مرده
و شیاطین در امان ماند و در دل وی خشوع پدید آید
سورة الانسان بر پوست کبش بنویسد که مانند ورق
آهو ساخته باشند و بر اطفال ببندد و بیر خوزی باشد
ایشان از همه بلاها سورة المرسلات هر کس بنویسد

دبر خود اویزد از دملها صحت یابد سورة النبأ هر که
بر ورق غزال بنویسد بزعفران دمباء ورد بر خود ببندد
وام او گزارده شود و در سفر حرزی باشد سورة النا
زعات هر کس که در مقابل ملکی قاهر و دشمن قاهر
ظاهر بخواند از وی و شروی در امان باشد سورة عبس
هر که بر ورق آهو بنویسد بزعفران و گلاب و در بازو بندد
از مکر ماکرون و کید کایدون در امان باشد سورة انفطرت
هر که بر پوست کبش بنویسد که از اسه صباح باشد و بر
پاره جامه زنی که ازرق چشم باشد بدم الاخوین یعنی خون
سیاوشان حل کرده بنام انکس که میخواهی و مادرش
بر هر دو بنویسد از عقب سوره بخون کبش و نوشته را در زیر
استانه در خانه وی دفن کند و پاره جامه در زیر سر وی
و بالش پنهان کند که عجایب خو مشاهده کند سورة
المطففین هر که انرا بنویسد جدادی که با فتاب نساخته
باشد و افتاب

باشد و افتاب ندیده باشد در ظرف سفالین و ابرب
کند و سه هفته بپاید در هر هفته روز سه شنبه بامداد
از ان اب بر در دکان و خانه و دیوارها بپاشد و ان دکان
و خانه از دست و چشم دزد و ظالم و حسود و کاید در امان
باشد سورة انشقت چون پاره پوست کبش که دباغت
کرده باشد و رق ساخته باشند بنویسد و ابریشم
بر ران راست زنی بندد که بار خواهد نهاد وضع باسانی
نهد سورة البروج در وقت سفر که بیرون میرود بر در منزل
خود ابستد و بخواند و بر در منزل دمد تا باز گشتن وی
همه در امان باشد سورة الطارق ان برای دفع ملخ و مور
و پشه خوانند چهار بار بر چهار رکن ان موضع بر سر چهار
چوب بپاویزد و اگر جائی بود که درخت باشد بر درخت
اویزد بقدرت الله تعالی دفع گردد و اشجار و زرع را افت
نرسد سورة الاعلی هر کس که روز جمعه بعد از نماز جمعه بر ورق

وضع حمل باسانی

دفع ملخ و مور

اهو یا حریر سفید نویسد و بر خود اویزد نموده باشد
و برای جمیع عاهات و آفات و حفظ زیادت کوید سورة
الغاشیه بر لوح از چوب کز که روغن داده باشند یعنی
رنک کرده بنویسد بعد از انکه سه روز روزه داشته در
روز چهارم بر خود اویزد از افت شک و وسوسه بکلی
زایل شود بقدرت الله سورة الفجر با ب مورد و زعفران
بظرف ابکینه بنویسد و بعسل و باب باران امیخته بشوید
و بعصیر پاره انکور بیامیزد و یک هفته متوالی هر بامداد
و هر شب از ان شربتی اشامد بلادت و نسیان ببرد
و ذکا و حفظ اورد سورة البلد روغن زیت یک بخش
و ازجیل هم یک بخش و عسل صاف و حصا البان ربع بخشی
در یکدیگر ریزد و باتش نرم کند و این سوره بر وی خواند
و نکاه دارد و اکر کسی را عضوی شکسته کردد این روغن
بمالد صحت یابد باذن الله سورة الشمس بر حریر زرد
بمشک و زعفران

بمشک و زعفران نویسد در ساعت شمس بخور کند
بعود خالص و به پیچد و در زیر نکین انکشتری نهد
در نزد مردم مقبول و محبوب باشد و اکر در آب بخورد این
سوره را بر ظرف پاکی نویسد و بران کند و انرا نهد بعد از انکه
سوره ها چهل بار بر لب چاه خوانده باشد ان ابرا بر دابته
بپاشد از علت از وی زایل شود سورة اللیل هر که در
روز جمعه که در اول ماه باشد اول یا مدام بر صحیفه نقره نقش
کند و نکین انکشتری سازد و در دست کند هر چند که
در کوها پیاده روانده نشود سورة الضحی از برای کسی
که کم شده باشد در بیابانی یابند که گریخته باشد یا چیزی
کم کرده باشد در روز جمعه نماز ضحی بکذارد شصت رکعت
و در هر رکعتی بعد از فاتحه و الضحی بخواند انکاه این دعا را
بخواند یا صانع العجایب یا جامع الشتات یا من مقالید
الامور بیده اجمع علی ضالتی و رد علی عقدی فلان ابن فلان بر

لاجامع الا انت بقدرة حق تعالی کم شده باز اید سورة الم
نشرح بعسل وماء ورد بر جام ابگینه نویسد وبشوید و
بیاشامد ضیق صدر ووهم وغم ووسوسه زایل کند و هر
کس که بر خواندن مداومت نماید حق تعالی کارهای اسان بر وی
کرداند ورزق بر وی فراخ کردد و برساند از جائی که نداند
سورة التین هر که در از هر ماه بر ظرفی سفید نویسد وباب
باران بشوید و بر زرع افشاند و بر درخت بپاشد زرع
نیکو شود و درخت را ثمر نیکو کردد سورة العلق خاصیت
عجب است در حفظ اشیاء چون بفرماید که قدحی از چوب
کر بسازند و نقاش طهارت کند و بقلم اهن از اول تا قوله
وما لم یعلم در اندرون کاسه نقش کند و هر کاه که اب اشامند
شربتی بیاشامند از ان اب بیاشامند که قوت حافظه چنان
کردد که هر چه بشنود یاد کیرد و فراموش نکند بقدرت حق تعالی
احضار جن
سورة انا انزلناه را خاصیتی تمام است در احضار ملوک
جن که هر که

جن که هر که خواهد احضار کند حصا لبان وسندروس
ومصطکی وورق عنبر وبرک اترنج همه خشک کند
وبساید این جمله را کوفته وبیخته بدهن یاسمین یا قدری
ام غیلان وصمغ خمیر کند واز وی حباب بمقدار نخودی
ساخته در روز سه شنبه در ساعت چهارم در خانه
خالی میخواند بشرطی که در وقت کوفتن وحب ساختن
دارو را هفتاد بار خوانده باشد البته حاضر کردند وجواب
وسوال کویند وبشنوند ومقصود برایند انشاء الله تعالی
سورة لم یکن بنویسد وبا خود دارد وهم بر دیوار قبله خانه
چسبانند را وخاصیت نفس ومال واهل خانه در حفظ
امان حق تعالی باشد سورة اذا زلزلت را در او خاصیت
بزرک است یکی انکه از پاره جامه کهنه با مردی که خواهد
بنویسد در پوست هدهد در پیچد چون او در خواب رود
در سینه وی بنهد از جمیع احوال خود در خواب خبر دهد و یکی

دیگر انکه برابنی جلا داده بزعفران نبویسد و کسیر القوه باشد
درخانه تاریک چند بار بان اینه نگاه کند القوه زایل کردد اگر
هفت خوش یا چینی بود بهتر باشد سورة العادیات هر کس را
که تب لرز باشد یا تب ربع این سوره را بر ظرف نویسید
و باب باران بشوید یا باب چاه و بشکر شیرین کرداند و سه روز
بوقت تب بیاشامد صحت یابد سورة القارعه را خاصیتی
است یکی انکه چون در خانه کزنده یا حیوان موزی باشد انرا
نویسد و باب چاه بشوید و بپاشد از شر انها ایمن کردد و دیگر
انکه چون در نماز شام مداومت نماید در رزق بر وی بکشاید
و اگر از کارها و تفرقها مانده باشد او را کار و عمل پیدا شود
سورة التکاثر در حالتی که چیزی در زمین دفن کند چند بار
بخواند ان چیز را افات نرسد و از افات ایمن کردد سورة العصر
بر اب چاه بخواند و سرمه را بدان بساید و در چشم کشد زنجی
که در چشم باشد ببرد سورة الویل و سورة الفیل اذا قربت
بین عسکر

بین عسکرین که در جنکی باشند بدمدان یکی که بر حق نباشد
مخذول و مقهور کردد و اگر بر دشمن خود خواند و بر وی دمد
نصرت یابد سورة الایلاف چون بر جام ابکینه نویسید
بزعفران و بشوید بکلاب و ازان بیاشامد هر کس که زهر
بروی اثر کرده باشد یا خفقان قلب دارد ازان بیاشامد
هر کس که زهر بروی اثر کرده باشد خلاص یابد سورة الما
عون هر روز بر کار فرمانهای خانه خود خواند و بر ایشان دمد
از شکستن و تلف شدن ایمن شود سورة الکوثر هر که هزار [1000]
بار بخواند و هزار بار صلوات بر پیغمبر فرستد خاصه در شب جمعه
جمال محمد را در خواب ببیند هر کس که نبویسد و خود را باو
محافظت نماید و او را حرزی باشد عظیم و از شر جمیع اعدا ایمن
کردد سورة الکافرون هر که بر قرائت ان مداومت نماید
از شک و شرک در امان باشد اعتقادش درست کردد
سورة النصر اکر بر الات حرب نقش کند و بان سوی بر [illegible] دشمن

اورد برد شمن ظفر یابد مظفر و منصور باشد سورهٔ تبت
اگر کسی بر دردی والمی خواند ساکن شود و اگر نزد سلاطین
در اید از غضب ایشان ایمن گردد سورهٔ الاخلاص مداومت
بر قرائت ان نماید رفع هموم و غموم و ذنوب ان بشود و فرج
یابد و همه حاجات او برآورده شود سورهٔ المعوذتین هر کس
بخواند و بر خود دمد از شر شیطان و جور سلطان و کید دشمنان
و سحر ساحران در امان باشد و بهترین حرزیست تعویذی
که بجهت بازوی خود سازد محفوظ باشد تمت الکتاب فی جهار
شنبه ۲۲ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۲

بازبین شد
۱۳۷۱ ش

از برای کم تجربه یا گمشده آوردن نماینش یا اشرفه کر این مثلث
نوشته اسم طالب و مطلوب در طرف مثلث در خانه
[illegible] نوشته و این اسما را در
[illegible] مثلث دور نوشته

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

[illegible] علی اللهٔ اطراف زیر نوشته
[illegible] یا [illegible] لعم نوشته
فریاد که از [illegible] بستند
[illegible] بکن
اسم [illegible] ابرده در خانه [illegible] کویه
در [illegible] کوند به تخته در مکان [illegible]
[illegible] آوران نماید تجربه شده

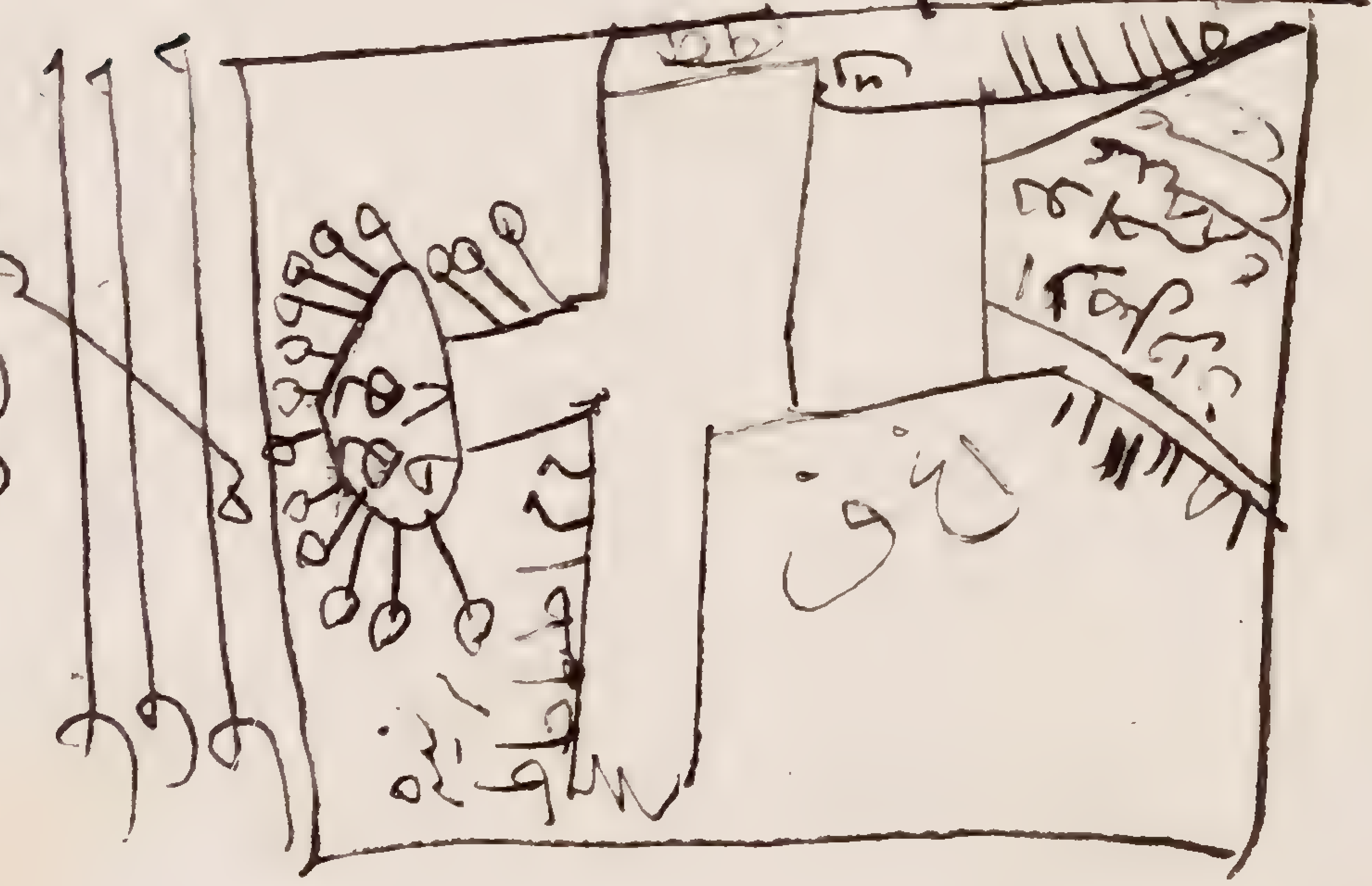

[illegible]

٥١

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه
محمد وآله اجمعین اما بعد چنین گوید سلطان المشایخ
والمجتهدین وافتخار العلماء المحققین الشیخ عبد الصمد
الواسطی رحمة الله علیه در باب بعضی آیات قرآن
بنقل درست صحیح که از خاصیتهای قرآن جمع کرده و در
عمل آورده مناجات کاینات وخلاصه موجودات محمد مصطفی
صلعم وصیت کرد حضرة امیر المؤمنین علی علیه السلام را
که بعد از من میباید که این نسخه را پوشیده و پنهان
داری وهم چنان پوشیده و پنهان داشتند تا زمانی
که دولت بهارون الرشید رسید باو گفتند که کتاب
خانه حضرة

خانه حضرت امیر المؤمنین علی ع در کوفه است در پیش قفل
است باید رفت و از آن کتب خانه نسخه چند بیرون
باید آورد هارون الرشید کسی را فرستاد تا در آن خانه
بگشایند چون گشادند دیدند که صندوقی بعمارت و شیری
بر گرد آن خانه حلقه زده حال با هارون بگفتند
هارون گفت که اراده بدین خانه باشد گفتند که در آن
زمان هیچ کس بهتر از حکیم یمنی نیست حکیم یمنی را طلب
کردند که او از علما برابر بود برخواست وبیامد او را با محمد
جعفر و یاسر بود شبی بدر کتابخانه حضرت امیر المؤمنین
علی ع فرستادند و حکیم یمنی چهل شبانه روز خلوه گزید
و یک چله بر آورد و اسم اعظم میخواند تا اجازه حاصل
شود در خواب امیر المؤمنین علی ع در خواب دید و اجازت
حاصل کرد تا آن شیر و مار دور شدند آنگاه محمد جعفر
با حکیم یمنی باندرون رفتند و یاسر بدر بایستاد صندوقی

دیدند در میان کتابخانه نهاده و مهر کرده چون سر صندوق
باز کردند این کتاب خواص قران یافتند حکیم یمنی عابد الهد
نخواسته که این خاصیتها بهارون رسد در همان شب
از خواص این کتاب چیزی چند در نقل او بر زد و عمل کرد در
همان شب جنین بیامدند و او را در حظر با این نسخه
بر یمن رسانیدند و این نسخه را پنهان میداشت تا آن
وقت که وفات یافت هارون و در زمان دولت مامون
بود مامون را معلوم شد که حکیم یمنی وفات یافته است
و شنوده بود که نسخهٔ لطیف در خواص قران پیش او ست
شریف لشکر کرد تا برود و یمن را بگیرد و مقصود آن بجز
بدست اوردن این نسخه بود چون یمن تعلق بمصر داشت
و پادشاه مصر منصور بن عباس بود برخواست و بیمن
رفت پادشاه یمن باستقبال منصور امد منصور گفت
امده ام تا آن یادگار حکیم یمنی کنم چون زیارت کرد بجا آمد
او امد

او امد و این نسخه را طلب کرد دعوی کتابخانه او بیافت
فرستاد و از کتابخانه یمن را طلب کرد و خواستگاری این نسخه
نمود کسی نشان نتوانست داد حکیم یمنی را دختری بود
گفتند او دانسته باشد پادشاه مصر منصور بن عباس
دختر را طلب کرد و گفت ای دختر بعزة الله تعالی که اگر
تو این نسخه را نشان دهی من ترا قبول کنم بجلال و فر
مان روائی خودش دهم دختر گفت و الله که در وقت
که پدرم از عالم رحلت میکرد گفت برو فلان نسخه را
بیاور من برفتم و آن نسخه را که او نشان داده بود اوردم
و آن کتاب را بر سینه خود نهاده و وصیت کرد که این کتاب را
بر سینه من نهید و مرا دفن کنید بوصیت او عمل کردیم
تا بدست کسی نیافتد اگر این نسخه است همانست
و در گور پدرم است ملک مصر چون بشنید سر گور
حکیم رفت و بفرمود تا گور حکیم را کشودند و نسخه

بیرون آورد و بدست منصور بن عباس افتاد
و بسبب این نسخه چند نوبت مامون خلیفه لشکر کشید
و بر سر منصور رفت و ظفر نیافت منصور این نسخه را
نگاه میداشت و بدان عملها میکرد و جهان را مسخر
میکرد ببرکت این نسخه و هم چنین است که این نسخه
در خزانه او بود تا بفرزندان او رسید تا در سنه اربع
وستین وسبعمائه که سلطان المشایخ والعارفین
صدر الملة والدین اردبیلی رحمة الله علیه بحج کعبه
رفته بود پادشاه مصر این نسخه را برسم هدیه بسلطان
اعظم سعید سلطان ادیس داد و تمام کتاب بعربی بود
چون این کتابرا بیاورد سلطان معظم را بماند بخاطر ایلکاجی
درخواست کرده که نسخه را بپارسی کنند از علمای تبریز
مولانا شرف الدین نخجیری که بغایت فاضل و محقق بود
او را طلب کرد و این نسخه را بدو داد و ترجمه شرح این
کتابرا

کتابرا بفارسی کرد و اصل این کتاب بعربی بود و هنوز
در خزانه پادشاه است و چون این نسخه را از عربی بفارسی
کردمانند بدست حضرت شیخ الاسلام افتاد و این فقیر
یک نسخه از آن نسخه نقل کردم تا بر هر کسی آسان باشد
خواندن و نوشتن باید که این کتابرا بغایت عزیز و محترم
دارند و بهر کسی ننمایند و بصدق و اعتقاد در عمل آورند
بطریق آزمایش تا به مقصود و مراد برسند انشاء الله تعالی
خواص سورة فاتحة الکتاب بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین تا آخر سوره بجهت شفای امراض
و خلاصی همه رنجهاست اگر بر بیمار خوانند بصدق
تمام شفا یابد و اگر بر کوزه نو نویسند و بشویند و آن آب
بر جمیع اعضا بریزند خاصه بر عضوی که درد مند باشد
چون سه نوبت بریزند واین دعا را بخوانند اللهم
اشفنی انت الشافی اللهم عافنی انت المعافی بجوده

شفا یابد باذن الله تعالی دیگر چون فاتحه را بر کوزه
نو نویسند وبشویند وصاحب خفقان بخورد شفا یابد دیگر
بگلاب
چون فاتحه را بمشک وزعفران بر آبگینه نویسند و
بشویند وکسی که چیزی از فهم نشود اند که از ان گلاب بیاشا
مد ذیرک ودانا شود ودیگر چون بمشک وزعفران
بر جام آبگینه نویسند بآب باران بشویند وسه
اصفهانی بان بیامیزند وبسایند که گران بر وی سبک
کردد وقرض بآسان ادا کردد وظلم ظالمان از او دفع شود
وقبض او را بسط کردد وبمقصود ومراد برسد ان شاء الله
وهر کس که بر خواندن فاتحه مواظبت نماید در هنگام صبح
خواب ووقت خفتن در شب هنگام ودر روز نخیانت
وکاهلی وحسد موصوف نشود ودیگر اگر فاتحة الکتاب
بر کوزه نو نویسند وبر روغن گل بشویند وان روغن را
در گوش دردمند ریزند شفا یابد باذن الله تعالی
خواص الآیات

خواص الآیات من سورة البقرة اگر بر ورق آهو نویسند
روز اربعه چهاردهم تیر ماه بعد از نماز خفتن بمشک
وزعفران وگلاب بنویسند این است اول سوره
که نوشته میشود بسم الله الرحمن الرحیم الم ذلک الکتاب
لا ریب فیه هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب
ویقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون والذین یؤ
منون بما انزل الیک وما انزل من قبلک وبالآخرة
هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم
المفلحون الم الله لا اله الا هو الحی القیوم المص
الر المر کهیعص طسم طس طه یس ص حم عسق حم
تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم ن والقلم وما
یسطرون پس انرا در نی فارسی بندد وسوراخهای
نی را بموم سخت بگیرد هر که ان نی را ببیند ودوست
دار کردد ودشمنان او مسخر شوند وپیش خلایق

مقبول کردد واکر درویش باشد توانکر شود واکر قرض
دار باشد قرض او کذارده شود واکر ترسنده باشد ایمن
کردد واکر در سفر بود بسلامت بوطن اید واکر بر خاری
کرده باشد فرج یابد وهر حاجتی که دارد واز خدای تعالی
طلب نماید روا کردد واکر این نیز از زکات دل ویرند
او بستا کردد واکر از کودن اطفال در او بریند از هرچه بترسند
ایمن کردند واکر سعد و نحس شنبه بر کوزه پاک نو بنویسند
بمشک و زعفران و باب چاه بشویند و هر روز از ان اب
بیاشامند حفظ او فزاید انشاء الله تعالی از برای دفع دشمن
و هلاک شدن او قال الله تعالی اولئک الذین اشتروا
الضلالة بالهدی فما ربحت تجارتهم وما کانوا
مهتدین مثلهم کمثل الذی استوقد نارا فلما اضاءت
ما حوله ذهب الله بنورهم وترکهم فی ظلمات لا یبصرون
صم بکم عمی فهم لا یرجعون او کصیب من السماء فیه
ظلمات

ظلمات ورعد وبرق یجعلون اصابعهم فی اذانهم من
الصواعق حذر الموت والله محیط بالکافرین چون
خواهد که دفع دشمن بکند بنویسد روز شنبه بر
دکوئی بنام دشمن و مادرش هفت نوبت و دایره کردا
کرد ان بکشند و بر بالای ان دایره این ایتها را بنویسید
وهم چنان بنام او و مادرش بیست نوبت بخوانند و بنویسید
تا سه نوبت و ان را کوبرا در بچه و در کوزه سفالین
نو نهند و در خوانه دشمن بکند چنانچه او نه بیند و اصد شد
دشمنان بدان باشد که عجایبها بینند والسلم بجهت
دفع افت درختان قال الله تعالی یا ایها الناس اعبدوا
ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون
الذی جعل لکم الارض فراشا والسماء بناء وانزل من
السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم فلا تجعلوا لله
اندادا وانتم تعلمون این دوایت دفع بلاها و افتها

از میوه و کشتها و درختها و باغها میکنند چون
خواهد که دفع بلا از ملکی بکند یا شهری باید که وضو
سازد و جامهای پاک بپوشد روز پنج شنبه بروزه
باشد و روز ادینه در چهار رکن ان ملک یا ان شهر
در هر رکنی دو رکعت نماز بکذارد و در رکعت اول فاتحه
وایتی از قران و در رکعت دویم فاتحه و سورة الفیل
ولایلاف قریش بخواند و در میان باغ یا در میان شهر
بستان شش رکعت نماز بکذارد و بدین نماز هیچ
کاری دیکر نکند و بعد از ان قلمی از چوب زیتون بتراشد
و بزعفران و کلاب این دو ایت قران را بر برک سبز بنویسد
و بعود بخور کند و در ده کذار اب دفن کند و بر برک
دیکر بنویسد و در چاه اب ان موضع اندازد و بر برک
دیکر بنویسد و از سر درختی در اویزد که ان نهال بلا کردد
بامر حق سبحانه وتعالی بجهت درختی کربار نکیرد قال

الله تعالی

الله تعالی و بشر الذین امنوا و عملوا الصالحات ان لهم
جنات تجری من تحتها الانهار کلما رزقوا منها من ثمرة
رزقا قالوا هذا الذی رزقنا من قبل واتوا به متشابها
ولهم فیها ازواج مطهرة وهم فیها خالدون و اکر درختی
بار نکیرد روز پنج شنبه روزه دارد و افطار بچیزی حلال
کند و نماز شام بکذارد و این ایت را بر کاغذ بنویسد
و با هیچ افریده سخن نکوید و در میان باغ ان درختی در اویزد
و اکر بر ان درخت میوه باشد از ان میوه بخورد و اکر میوه
نداشته باشد برکی از ان درخت بخورد و شربتی
اب از پس ان بیاشامد و باز کرد حق تعالی ان درخت و ان
باغ را برکت دهد و الله علی کل شی قدیر قال الله تعالی
یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم واوفوا بعهدی
اوف بعهدکم وایای فارهبون وامنوا بما انزلت مصدقا
لما معکم ولا تکونوا اول کافر به ولا تشتروا بایاتی ثمنا

قلیلا وایای فاتقون ولا تلبسوا الحق بالباطل وتکتموا
الحق وانتم تعلمون هر که این ایت را بر جامه حریر که طفل
باشد نویسد در شب دوشنبه بعد از ساعت پنجم و انرا
بر سینه زن خفته نهد هر چه کرده باشد تقریر کند دیگر
هر کس که تشنگی بروی غالب باشد بر کوزه پاره از سفال
یا ابگینه یا بر سنگ پاره نویسد و باب باران بهاری بشوید
و در ظرفی کند و سه روز نگاه دارد بعد از ان ان ابرا در اتش
جلاب بریزد و اندکی شیر گوسفند سرخ بان بیامیزد و با
ان امعفود کرده اند و در بامداد بقدر دو درم از ان میخورد
تشنگی بکلی از او زایل شود باذن الله تعالی دیگر اگر چیزی
میخورد هر چیز که باشد اول این دعا را بخواند یا مختار
یا محیّر رمین الخیر بعبده یا خیر دلیل یا دلیل الخیر یا مرشد
یا هادی و در وقت خوردن این ایت بخواند قال الله تعالی
ان البقر تشابه علینا وانا ان شاء الله لمهتدون ان ابراهیم دوای
درها

درها قال الله تعالی فقلنا اضربوه ببعضها کذالک
یحیی الله الموتی ویریکم ایاته لعلکم تعقلون هر که این ایت
سه روز ادینه وقت طلوع افتاب چهل بار بر نی خواند و ان نی را
بر موضع وجع دل بنهد و بعد هفت نوبت این را بخواند و بدمد
بر محلی که درد دارد شفا یابد باذن الله تعالی دیگر چون
اب پا هو یا چشمه کم کرده این ایت را بر شاخ علف گیاه از
زمین پاک رسته باشد بنویسد و در زمان در ان
چشمه اندازد که اب پیدا کرده و ایت این است قال
الله تعالی ثم قست قلوبکم من بعد ذلک فهی کالحجارة
او اشد قسوة وان من الحجارة لما یتفجر منه الانهار
وان منها لما یشقق فیخرج منه الماء وان منها لما یهبط
من خشیة الله وما الله بغافل عما تعملون دیگر چون
سخت دل گردد بر دیگری و یا تنگ دل گردد و یک
شاخ علف نو که از زمین پا رخاص نیکوی غیر مستعمل

دستر باشد بگیرد وقلمی از چوب اس بتراشد ونام ان
کس که میخواهد که دل او نرم شود وخلق او بر کوددیغسل
ظام که انش ندیده باشد بران شاخ علف نویسد واین
ایت قران کودکی دنام مینویسد ومیخواند وان ایه اینست
قوله نعم فزادهم ایمانا وقالوا حسبنا الله ونعم الوکیل
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء
واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل عظیم هر که این ابدا
بر انگشتری نقش و باطهارة ان انگشتری در انگشت
کند وبصحبت سلطان رود از شر او ایمن باشد ومقبول
القول گردد وازبرای ثبات وقوة ایمان وطاعت قال
الله تعالی ولله ملک السموات والارض والله علی کل شیء
قدیر ان فی خلق فی خلق السموات والارض واختلاف
اللیل والنهار لایات لاولی الالباب الذین یذکرون
الله قیاما وقعودا وعلی جنوبهم ویتفکرون

فی خلق

ازبرای ثبات وقوت ایمان

فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا
باطلا سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من
تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار
ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان امنوا
بربکم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا
وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا علی رسلک
ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد هر که این
ایه مواظبت نماید ایمانش ثابت گردد ودل او از غل
وشرک پاک تدری ما الکتاب ولا الایمان ولکن جعلناه
نورا نهدی به من نشاء من عبادنا وانک لتهدی الی صراط
مستقیم صراط الله الذی له ما فی السموات وما فی
الارض الا الی الله تصیر الامور خاصیت این ایه
اینست که بر جام نقره پاکیزه جلاب وزعفران وعسل
بنویسد وبعد از نماز صبح [illegible] بخورد

حفظ او علم او زیاده شود و زود دریابد از برای دفع
تنگی عیش و ملامت و صلاح حال قال الله تعالی یا عباد
لا خوف علیکم الیوم ولا انتم تحزنون الذین امنوا بایا
تنا وکانوا مسلمین ادخلوا الجنة انتم وازواجکم تحبرون
یطاف علیهم بصحاف من ذهب واکواب وفیها ما
تشتهیه الانفس وتلذ الاعین وانتم فیها خالدون
وتلک الجنة التی اورثتموها بما کنتم تعملون لکم فیها فا
کهة کثیرة ومنها تاکلون اگر کسی در زندان سخت بود
یا روزی بدشواری میگذراند باید که در اول ماه سه
شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه روزه دارد و شب جمعه
جامه پاک بپوشد و تجدید وضو کند و انگه افطار کند
و نماز خفتن بگذارد و از حق تعالی صلاح خود بخواهد و صد بار
صلوة بر رسول فرستد و دعا کند که تبدیل حال او از بدی
به نیکی شود و این ایه را چهل بار بخواند و نیت را خالص

دارد

دارد و صاف کند بنوعی که در دل او هیچ شکی نماند
حالش نیکو گردد و دعا و تضرع بسیار کند و صلوه بر رسول ع
فرستد و در اول و اخر ماه این عمل میکند تا مراد حاصل
اید و چند برکت یابد و زحمت و تنگی و بستگی از او زایل
گردد انه برای اجابت دعا و حاجتها بسم الله الرحمن الرحیم
حم والکتاب المبین انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا کنا
منذرین فیها یفرق کل امر حکیم امرا من عندنا انا مرسلین
رحمة من ربک انه هو السمیع العلیم رب السموات والارض
وما بینهما ان کنتم موقنین لا اله الا هو یحیی ویمیت
ربکم ورب اباکم الاولین هر کس این ایات در اول ماه
شعبان تا شب چهاردهم سی نوبت بخواند و چون
در شب پانزدهم ذکر حق تعالی بکند و این ایتها بخواند
و صلوة بر رسول ص بفرستد تا صبح بخدای تعالی
بخواهد مستجاب گرداند برای خرابی خانه ظالمان و فروست

با فتن بر ایشان بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب
من الله العزیز الحکیم ان فی السموات والارض لایات للمؤ
منین وفی خلقکم وما یبث من دابة ایات لقوم یو قنون
واختلاف اللیل والنهار وما انزل الله من السماء
من رزق فاحیا به الارض من بعد موتها وتصریف الریاح
لقوم یعقلون اگر این ایت را بر کاسه از چوبی که نو باشد
بنویسند در حالت وانرا پر کنند از اب وان نوشته را
فرو شویند وان اب را در خانه ودکان وباغ افشانند برکت
وخیر وزیادتی میوه وفراخی عیش وسلامتی از افات
روزی شود ان شاء الله از برای خرابی ظالم وخانه او قال
الله تعالی واذکر اخا عاد اذ انذر قومه بالاحقاف
وقد خلت النذر من بین یدیه ومن خلفه الا تعبدوا
الا الله انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم قالوا اجئتنا
لتافکنا عن الهتنا فاتنا بما تعدنا ان کنت من الصادقین
قال انما

قال انما العلم عند الله وابلغکم ما ارسلت به ولکنی
اریکم قوما تجهلون فلما راوه عارضا مستقبل اودیتهم
قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ریح فیها
عذاب الیم تدمر کل شیء بامر ربها فاصبحوا لا یری الا مسا
کنهم کذالک نجزی القوم المجرمین اگر این عمل خواهی بکنی ابتدا از القعو ٢
هفت جا معطل بر کیرد وبران این ایتها میخوان از جمعه
تا جمعه دیگر در وقتی که ماه در نقصان باشد پیش از
طلوع افتاب هفت نوبت ودر وقت غروب هفت نوبت
ودر روز دوشنبه این ایتها در چهار کوزه کند وهر کوزه
بطفلی نابالغ دهد تا ان ابرا در یک رکن خانه یا باغ یا خانه
یا شهر ان ظالم بریزند که بزودی خراب کردد باذن الله
از برای نصرة وظفر بر دشمنان قال الله تعالی والذین قتلوا
فی سبیل الله فلن یضل اعمالهم سیهدیهم ویصلح بالهم ویدخ
لهم الجنة عرفها لهم یا ایها الذین امنوا ان تنصروا الله

ینصرکم ویثبت اقدامکم والذین کفروا فتعسا لهم
واضل اعمالهم اگر قبضه خاک از میان معرکه در وقت
که جنگ در هم افتند برپا رهند واین دو آیت بر او خوانند
وان سر و روی دشمن خود اندازند حق تعالی ایشان را مظفر و
مخذول کرداند فی الحال بگریزند از برای فتح و نصرت
قال الله سبحانه وتعالی بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک
فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک وما تاخر
ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما وینصرک
الله نصرا عزیزا هو الذی انزل السکینة فی قلوب المؤ
منین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم ولله جنود السموات
والارض وکان الله علیما حکیما لیدخل المؤمنین والمومنات
جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ویکفر
عنهم سیئاتهم وکان ذلک عند الله عظیما اگر خواهند
این آیتها بر ورق آهو بمشک وزعفران بنویسند وان را
در کلاه

در کلاه نهند وهر وقت طهارة بر سر نهند که او را
قبول خلایق روزی کرده واگر فتح ونصرت خواهند در روز
پنجشنبه در ساعت اول وهشتم و زمانی که طلوع در ثور
باشد صد دایره از مس نقش کنند وان دایره در میان سپر
میخ محکم کنند ودر مصاف آن سپر بردارد بر دشمن غالب
شود و ترسی از او در دلها اثر کند از برای دفع وسوسه
قال الله تعالی یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن
ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا
ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه واتقوا الله
ان الله تواب رحیم این آیت بر کوزه نو باران نو بنویسد و آب
باران فرو شوید و بناشتا بعد از آنکه مصلی رود آن ابرا
بیاشامد همه وسوسها وفکرها از وی زایل کرده و دل
او را سکونی پیدا شود باذن الله تعالی از برای درد چشم
قال الله تعالی وجاءت کل نفس معها سائق وشهید

لقد كنت فی غفلة من هذا فکشفنا عنك غطاءك

فبصرك الیوم حدید چون این آیت را بر چشم درد مند

کند آن یکی کند هفت روز مکرر این آیت بخواند و سوره

فاتحه شفا یابد باذن الله تعالی و از برای هلاك و خرابی

دشمن قال الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم والذاریات

ذروا فالحاملات وقرا فالجاریات یسرا فالمقسمات

امرا انما توعدون لصادق و السماء ذات الحبك انکم لفی

قول مختلف یوفك عنه من افك قتل الخراصون الذین هم

فی غمرة ساهون یسئلون ایان یوم الدین یوم هم علی

النار یفتنون ذوقوا فتنتکم هذا الذی کنتم به تستعجلون

خاصیت این آیت هلاك و خرابی و بلا کندی دشمن

است و خرابی خانه و باغ او هر که این عمل کند باید که

چهل شاخ از شهری و بلندی بالا از دیوار حاصل کند

و در هشت روز این آیات را بر آن نویسد در هر روزی

سه شاخ

سه شاخ و ابتدا از روز شنبه کند و لکن هم به شنبه

در ساعت زحل نویسد و در روز شنبه در ساعت اول

و در یکشنبه در ساعت پنجم و در دو شنبه دوم و در سه

شنبه و در چهار شنبه در ساعت سیم و در پنج شنبه

هفتم و در آدینه چهارم چون تمام نوشته باشد از هم

در هشت روز بگوید در ساعت مریخ و ابتدا بساعت

اول سه شنبه کند و در چهار شنبه دوم و در پنج شنبه

سیم و در آدینه ششم و در شنبه سیم و در یکشنبه هفتم

و در دو شنبه چهارم و در سه شنبه اول چون کوفته

باشد مثل آن خاك از گورستانها آنکه کهنه بر گیرد و بسته در هم

بیامیزد و در خانه او یا در باغچه او دشمن بریزد و عجایبها

ببیند از برای دفع بسیار خوب و کاهلی قال الله تعالی

فاصبر لحکم ربك فانك باعیننا و سبح بحمد ربك حین

تقوم و من اللیل فسبحه و ادبار النجوم هر کس که این آیت را

بنویسد بر جام ابگینه باب سیب و زعفران و گلاب و آنرا
بگلاب فرو شوید و جلاب قندی بان بیامیزد و شب
وقت خواب هر شب یک مثقال بیاشامد که کاهلی و خواب
زیاده دفع شود از برای زیاد شدن حافظه و یادگرفتن
چیزها بسم الله الرحمن الرحیم والنجم اذا هوی ما
ضل صاحبکم وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی
علمه شدید القوی ذو مرة فاستوی وهو بالافق الا
علی ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی فاوحی الی عبده
ما اوحی ما کذب الفواد ما رای افتمارونه علی ما یری ولقد
راه نزلة اخری عند سدرة المنتهی عندها جنة الماوی
اذ یغشی السدرة ما یغشی ما زاغ البصر وما طغی لقد
رای خاصیت این ایه بجهت تیزی ذهن است و دفع وسوسه و
فراموشی است و تقویت دل و ذهن مینماید برای
یادگرفتن قران و علوم حکمیها ابسیا خوب است اگر
این ایت بر جام

این ایت بر جام زرد بمشک و زعفران و گلاب بنویسد
و انرا باب زمزم فرو شوید و هفت روز بیاشامد بعد از
نماز صبح جمعه بجمعه بیاشامد بمقصود برسد ببرکت قران
مجید عزیز از برای زن فاجره بدکار که خون از او روان
گردد تا آن زمان که توبه کند و الا در آن رنج و علت
بمیرد قال الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم اقتربت الساعة
وانشق القمر وان یروا ایة یعرضوا ویقولوا سحر مستمر
وکذبوا واتبعوا اهواءهم وکل امر مستقر ولقد جاءهم
من الانباء ما فیه مزدجر حکمة بالغة فما تغن النذر فتول
عنهم یوم یدع الداع الی شی نکر خشعا ابصارهم یخرجون
من الاجداث کانهم جراد منتشر مهطعین الی الداع
یقول الکافرون هذا یوم عسر کذبت قبلهم قوم نوح
فکذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر فدعا ربه انی
مغلوب فانتصر ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا

الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر اكر كسى بكيرد موم
عسل كه انش نديده باشد بنام ان شخص در ساعت
دويم كه روز چهار شنبه كه ان مريخ است در شكم ان
صورت كه از ان موم ساخته باشد بنويسد اين

كه انزف نزفا ولا تخف حتى يراك كالبيارح كالعيون

الفوارة ولا تنشف له مدادا مدا اناء الليل واطراف النهار العجل
العجل بعد از ان اينها را بر پاره ركوه بنويسد از جامه
الكس وان صورت را در ان بپيچد وانرا بر سر چشمه اب روان
يا در مجرى اب يا كنار رود خانه روان دفن كند تلخون
از ان شخص روان كردد تا بحدى كه بهلاكت رسد
واكر توبه كند ان صورت كه در كوى دفن كرده دا بيرون
اورد وبشويد وموم را بكدازد كه خلاص شود از براى
علم وطاعت وحفظ وفطانت وشاة ان ذا الله تعم

بسم الله الرحمن الرحيم الرحمن علم القران خلق الانسان علمه
البيان

البيان الشمس والقمر بحسبان والنجم والشجر يسجدان
والسماء رفعها ووضع الميزان الا تطغوا في الميزان و
الوزن بالقسط ولا تخسروا الميزان واكر اين عمل كني بكير
شيره انكور سياه ويكى اب سيب نيمن واب به نيمن وعسل
نيمن وزعفران ودارچينى وانيسون وكل سرخ وفلفل وهل
وزنجبيل وكبابه چينى وجوز بويا وقرنفل از هر يك سه درم
هشك مكند مى وان انها را با اب انكور بجوشانند تا نيمه ايد
ايد وشكر وعسل در ان اندازد وبقوام اورد وبيامبزد
واين ادويها را بكوبد واندك اندك بران شربت ميريزد
ومعقود كند ودر سايه بر هفته بنهد وهر شب در
وقت خواب يك ملعقه از ان بخورد كه معتبر بود ودر حفظا
وذيركى وفصاحت بى نظير كردد خواص سورة الواقعه
شبانكاه وبامداد هر كس كه با طهارت اين سورة بخواند
كرسنه وتشنه نشود ودرويش نكردد وايمن بود از عذر

ومکر و هر کس در حق او بدی کند با نکس باز کردد و در سوره
فواید بسیار هست و برکت تمام از برای انکه کسی عادت بسخنان
بد کفتن با مردم کرده باشد یا ایها الذین امنوا اذا ناجیتم
الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقات فاذ لم تفعلوا
وتاب الله علیکم فاقیموا الصلوة واتوا الزکوة واطیعوا الله
ورسوله والله خبیر بما تعملون هر که عادت کرده باشد که سخنهای
بد کوید و سعادت کند و خواهد که از ان توبه کند باید که هفت
روز بروزه باشد و افطار بران اب کند که بان عادت دارد
بدی از او زایل کردد و از برای تسکین دردها و رنجها قال
الله تعالی لو انزلنا هذا القران علی جبل لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم
یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة
هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس
السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله
عما یشرکون

عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء
الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز
الحکیم هر کس این ایت را بر ورق اهو بنویسد و انرا در
زیر انکشتری نهد و ان انکشتری را با طهارت و اخلاص
تمام در انکشت کند اعتقاد او کامل کردد و از فتنها
ایمن کردد انشاء الله تعالی از برای قبول و نصرت یریدون
لیطفؤا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره
الکافرون هو الذی ارسل رسوله بالهدی ودین
الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون نصر من
الله وفتح قریب وبشر المؤمنین هر کس این ایت را
بمشک و زعفران بنویسد و بر پیراهن خود دوزد
و با طهارت در زیر جامه بپوشد هر که او را ببیند
بترسد و سخن او روان باشد و بر دشمنان مظفر و منصور
باشد از برای حفظ مال و خزاین و دفع ملال قال الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم یسبح لله ما فی السموات وما فی
الارض الملک القدوس العزیز الحکیم هو الذی بعث فی
الامیین رسولا منهم یتلو علیهم ایاته ویزکیهم و
یعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال
مبین واخرین منهم لما یلحقوا بهم وهو العزیز الحکیم
ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم
هر کس که این ایات مذکوره را بر پاره صدف در روز شنبه
نقش کند و حیوانی نخورد و بحمام رود و جامه در پوشد
وانرا باب باران تازه فرو شوید و سه جرعه از ان بخورد
و ساعتی صبر کند و سه جرعه دیگر بخورد تا پانزده جرعه را
هر بار سه جرعه بخورد و بخوابد و بامداد جلاب قندی بخورد
و این ایتها را ده بار بخواند از ملالت و اندوه خلاص
یابد انشاء الله تعالی نوع اخر برای دفع تنگی معیشت قال الله
تعالی ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما اتیه الله لا یکلف
الله نفسا

الله نفسا الا ما اتیها سیجعل الله بعد عسر یسرا هر کس
که بر خواندن این ایه مداومت نماید هرگز معیشت بروی
تنگ نشود و چون خواهد که این عمل کند باید که توبه کند و خیر
و صلاح پیش گیرد و در سه شب ادینه برخیزد و وضو
بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و صد نوبت استغفار
کند و صد نوبت صلوات بر رسول فرستد و صد نوبت
این ایه بخواند و بخسبد درهای روزی بروی گشوده
گردد و از فقر خلاص یابد قال الله تعالی یا ایها الذین
امنوا توبوا الی الله توبة نصوحا عسی ربکم ان یکفر
عنکم سیاتکم ویدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار
یوم لا یخزی الله النبی والذین امنوا معه نورهم یسعی
بین ایدیهم وبایمانهم یقولون ربنا اتمم لنا نورنا
واغفر لنا انک علی کل شیء قدیر خواص این ایه کشف
حجابست اندرون و طهور حقیقت از چیزها هر کس را

که ناموس و اعتبار نباشد و بانچه ممکن است از عمل وی
قیام نماید این ایت را بر ظرفی چینی بنویسد بمشک
و گلاب بزعفران و بگلاب فرو شوید و پاره شکر در ان
گلاب اندازد و چهل روز روزه دارد و بان افطار کند در
حقیقت چیزها مطلع کرده و از غیب الهام حق تعالی بدو
اید و از ان کر باید که ذکر و با خلاص باین عمل دهد که در
اینجا فکرها و سرها است از برای درد چشم قال الله
تعالی بسم الله الرحمن الرحیم تبارک الذی بیده الملک
و هو علی کل شیء قدیر الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم
ایکم احسن عملا و هو العزیز الغفور الذی خلق سبع
سموات طباقا ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع
البصر هل تری من فطور و اگر این ایت را سه روز بر درد
چشم خوانند هر روز سه نوبت بخواند چشم خوب شود
و اگر خواهد که بر دفینه مطلع گردد باید که هفت روز
روزه دارد

روزه دارد و هر شب چهل و دو نوبت بعد از نماز خفتن
گزارده این ایات بخوانند چهار رکعت نماز بگذارد و در هر
رکعتی فاتحه و تبارک بخواند و بطلب مشغول گردد که بیابد
از برای خرابی خانه ظالمان قال الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم
ن والقلم و ما یسطرون الی قوله اساطیر الاولین بعد از ان
گل درخت خرنوب بگیرد و از ان هفت لوح بسازد و با وفتاب
خشک کنند و این ایت را بر یک یک بنویسد و انرا زم
بکوبند و در خانه و باغ ظالم اندازند که عجایب ببیند هر کس
که این ایتها بر درد خوانند شفا یابد و هر کس که این ایتها
بر طشتی خواند که کودکان در انجا نشسته باشند و انرا
فرو شوید و باب گرم و طفل را بان اب گرم فرو شوید
بغایت سودمند بود برای کسی که خواب بد بیند قال
الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم سئل سائل الی قوله
و نریه قریبا و اگر بر ظرفی بنویسد که از ان اب میخورد

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)

وهفت بار بخواند وبار دیگر ان اب دمد ودر وقت خفتن
سه بار جهر بیاشامد وهفت روز مواظبت نماید
نافع بود وخوابهای شوریده نه بیند خواص سوره
نوح برای هلاک دشمن هفت هزار بار بخواند وبعد از ان
این دعا بخواند اللهم یا رب السماء ویا مجری الریاح
ویا عالم الفقراء اللهم من کادنی بسوء فکده ومن اراد
نی سوءً فادفعه یا مفجر الماء من تخوم الارض
اللهم امطر علیهم ماءً غدقًا ودرقًا لا تبق منهم
دیارا ولا تجعل لهم من الدنیا الا خسارا اللهم
انت الذی لا شریک فی جبروتک وانت علی کل شیء
قدیر یا قادر یا قاهر کم عاهة دفعت وهم من مطاع
قهرت وکم من مظلوم نصرت اللهم اکفنی شر هذا
الظلوم الجهول العنید یا الله یا الله یا الله از
برای خلاص شدن از زندان چون این سوره بخواند
فرج یابد

۶۸

فرج یابد واگر درویش خواند توانگر گردد واگر بر ظالم
خواند از شر او ایمن گردد خواص سورة المزمل برای
دیدن رسول خدا در خواب باید شب جمعه اول ماه غسل
کند ودوازده رکعت نماز بگذارد وبعد از نماز
خفتن در هر رکعتی فاتحه بخواند وسورة المزمل چون
فارغ شود هزار بار بر رسول صلوات فرستد
وبخسبد که رسول خدا را در خواب بیند وهر سوال
که خواهد بعربی بشنود سورة المدثر برای حاجتها
هر که یک شب ادینه برخیزد ونماز تهجد بگذارد چهار
رکعت ودر هر رکعتی یکبار فاتحه وسوره المدثر تمام
سه بار بخواند وسلام دهد وبعد از نماز صد نوبت
بر رسول ص صلوات دهد وهر حاجتی که از خدا تعالی خواهد
مستجاب گردد سورة القیامه جهت اسانی حساب
که در قیامت بر وسهل واسان باشد هر شب ادینه

سه بار بخواند خواص سورة الدهر بجهت ثواب صدیقان
هفتاد و پنج بار بخواند که حق تعالی اورا ثواب صدیقان
دهد سورة المرسلات بجهت ثواب و زیادی درجات
صد بار بخواند و از برای و از برای دروغ و گناه فایده
بسیار دارد سورة عم از برای روشنائی چشم هر روز
بعد از نماز دیگر همه روزه یکبار بخواند سورة النا
زعات جهت سلامتی ایمان بیست و یکبار بخواند
سورة عبس بجهت بینائی قیامت و جواز بر صراط هفت
بار بخواند سورة الکوثر دفع بلاء بوقت درماندگی
و هلاکت بیست و یکبار بخواند سورة المطففین
دفع کژ بینی اطفال هفت بار بخواند سورة البروج
دفع بدگویان و غازان سه بار بخواند سورة الطارق
دفع دیو و پری و جنیان سه بار بخواند سورة الغاشیه
دفع بادها و ریحها که در اندام باشد خاصه سرخ باد
بیست و یکبار

بیست و یکبار بخواند سوره الفجر سلامتی ایمان بیست و یکبار
بخواند سورة البلد بجهت بینائی قیامت و جواز بر صراط
بوقت طلوع آفتاب سه بار بخواند سورة و الضحی بنیت
غلام و کنیزک که غایب شده باشد دو هزار بار بخواند
سورة و التین بنیت غایب که بسلامت باز آید هفت
هزار بار بخواند سورة العلق بوقت رفتن بنزدیک ملوک
و سلاطین سه بار بخواند سورة القدر بجهت روشنائی
چشم بیست و یکبار بخواند سورة البینه بنیت دفع
خصم چهل هزار بار بخواند سورة اذا زلزلت دفع چشم زخم
سه بار بخواند سوره القارعه دفع علتهای شکم و
خرسندی ده بار بخواند سورة التکاثر بجهت دفع
بدگوئی بیست و یکبار بخواند سورة العصر بجهت هلاک
و دفع دشمن میان شام و خفتن هزار و دویست
و پنجاه مرتبه بخواند سورة القریش جهت دفع بهتان و دروغ

وازبهر انکه حق تعالی فرزندان او را از احتیاج نکه دارد هر روز

چهل و یکبار بخوانند هر انکس که بخواند سقاه الله من کل بحر

امن الجنة ویکتب له عشر حسنات بعدد کل قوبا ینذا لعباد

فی یوم الحشر ویقرءونه سورة الکافرون جهت نکاه داشتن

ایمان وسلامتی هر روز هفت بار بخوانند سورة الفتح

بجهت نصرت و دفع بلاها هر روز هفت بار بخوانند

سورة الاخلاص بجهت خلاص از حبس و سلامتی دنیا

واخرت و برامدن حاجات و مراد دنیا واخرت هر روز

هزار مرتبه بخوانند سورة الفلق و والناس بجهت بلاها

و چشم زخم و سحر و جادوئی و دفع جنیان و شیاطین

و همه بلاها هر روز سه بار بخوانند انشاء الله تعالی با اجابت

مقرون است تمت الکتاب بعون الملک الوهاب

فی محرم الحرام سنه ١٢٩٢ باب این رساله ایست

که امام اصفهانی بنا نهاده و مشتمل بر چهل باب

و خاتمه

و خاتمه هر بابی چهار نصیحت دارد باب اول در انکه

چهار چیز پادشاهی را بکار اید اول رعایت و محافظت

دین دویم وزیر امین با تمکین سیم نکاه داشتن

حرم چهارم نکاه داشتن عزم باب دویم چهار چیز نتوان

کرد الا بچهار چیز اول پادشاهی نتوان کرد الا بعدل

دویم دشمن نتوان کرد الا بدوستی سیم محبت نتوان

افزود الا بتواضع چهارم بمراد نتوان رسید الا بصبر

باب در انکه چهار چیز را از چهار چیز چاره نیست اول

پادشاه را از رعیت دویم وزیر را از امانت سیم لشکر را

از تربیت چهارم رعیت را از رعایت باب در انکه

چهار چیز با چهار چیز حاجتست اول سلاطین را بوزیر

باصلاح دویم دلیر از اصلاح سیم اسب را بتازیانه

چهارم تیغ را بر غمیزه باب در انکه چهار چیز را نکاه

باید داشت اول دوست را بدست اوردن دویم

با همه کس نیکوئی کردن سیم در ابادانی کوشیدن
چهارم بر خلق خدا بخشیدن باب در انکه چهار چیز
نمی باید کرد اول رجوع کارها با ناسزایان دویم نیکوئی
با ناکسان سیم در کارها تعجیل کردن چهارم در فسق
و فجور و عصیان نغوذ باشد باب در انکه چهار چیز
بر همه خلق نیکوست اول عدالت دویم عقل و حلم و خرد
سیم صبر و سکون و خرد و تحمل چهارم تکبر نیستن باب
در باب انکه درویشی اورد حکما گفته اند که سی چیز درو
یشی اورد اول مادر و پدر را بنام خود خواندن دویم
برهنه بول کردن سیم نان خورده پا خار داشتن چها
رم بشب خانه رفتن پنجم پوست سیر و پیاز سوختن
ششم در پیش بزرگتر خود راه رفتن هفتم بگاه دیوار
سر کردن هشتم دست به سبوس شستن نهم نزود
سر از سجده برداشتن دهم برجای بود وضو ساختن

وراستی ودادم

یازدهم

یازدهم دیگ و کاسه ناشسته نهادن دوازدهم
اب خانه سر کشاده نهادن سیزدهم سوگند بسیار خوردن
چهاردهم خانه عنکبوت پاک کردن پانزدهم نان از کدان خریدن
و خوردن شانزدهم بر مردمان لعنت کردن هفدهم
دروغ گفتن هجدهم جامه بر تن دوختن نوزدهم
چراغ بدم کشتن بیستم بدستار جامه اندام خشک کردن
بیست یکم نان کناره خورد بیست دویم در وضو اب دهان
انداختن بیست سیم بر پا ایستاده بول کردن بیست چهارم
بدندان ناخن بریدن بیست پنجم در نماز کاهلی کردن بیست
ششم بگاه ببازار رفتن بیست هفتم بگاه از بازار امدن
بیست هشتم دستار و زیر جامه و غیره در زیر سر گذاردن
بیست نهم نشسته دستار پیچیدن سی ام ایستاده
زیر جامه در پا کردن فصل حکما گفته اند که ده چیز است
که عمر را دراز کند و روزی زیاد کرداند و مزید جاه و رفعت

بود اول تعظیم امر خدای تعالی دویم شفقت بر خلق خدای
تعم سیم شب زنده داشتن چهارم سحرگاه بطاعت
مشغول بودن پنجم خواندن قران ششم بمجلس علما رفتن
هفتم با دوستان صحبت داشتن هشتم پیوسته با وضو
بودن نهم جامهای پاک و غذاهای لطیف بکار داشتن
١٠ دهم تواضع و خوش خلقی نمودن باب در انکه چهار چیز
پادشاهی را خلل دارد اول ظلم و قهر دویم غیبت وزیر
١١ سیم خیانت چهارم جور بر اسیر و ستم بر حقیر باب در انکه
چهار چیز را بقائی نباشد اول ظلم دویم بی حرمتی
١٢ سیم مال حرام چهارم گردش ایام باب در انکه چهار
چیز عاقبت چهار چیز است اول عاقبت بجاه رسوائیست
دویم عاقبت خشم پشیمانیست سیم عاقبت بدگوئی
١٣ دشمنی است چهارم عاقبت کاهلی خواریست باب
در انکه چهار چیز بر چهار چیز تمام میشود اول دانش
بعقل و خرد

بعقل و خرد دویم طاعت بزهد و ورع سیم عمل بصدق
١٤ و نیت چهارم نعمت بشکر باب در انکه چهار چیز چهار
چیز اورد اول خارش راحت اورد دویم فضولی ملالت
اورد سیم سخاوت مهتری اورد چهارم شکر افزونی
١٥ اورد باب در انکه چهار چیز شخص را ضعیف کند اول
دشمن دویم قرض بسیار سیم وبال بسیار چهارم الام
١٦ و کثرت عیال و فضیحت الرجال باب در انکه چهار چیز بر
چهار چیز میخندد اول تقدیر بر تدبیر که العبد یدبر
والله یقدر دویم اجل بر امل سیم قدر بر حیله چهارم
روزی بر حرص باب در انکه چهار چیز چهار چیز ببرد اول
ناشناسی نعمت را دویم بیداری قوت را ببرد سیم
١٧ کسالت دولت را ببرد چهارم تکبر مروت را ببرد باب
در انکه چهار چیز رفته باز نتوان اورد اول سخن گفته
دویم قضاء رفته سیم تیر انداخته چهارم عمر گذشته

باب درانکه چهار کار کردن چهار چیز بیاورد اول ١٩
سوال کردن خواری یافتن دویم عاقبت ننکرستن
پشیمانی دیدن سیم مزاح و فضولی کردن سبکباری
یافتن چهارم با سلاطین دلیری کردن هلاک شدن
مرده
باب درانکه چهار چیز دلیل نادانی باشد اول با نا از ٢٠
کستاخی کردن دویم از زنان چشم وفا داشتن سیم
از ابلهان ایمن بودن و اعتماد برایشان کردن چهارم
نقصان
باکودکان صحبت داشتن باب درانکه چهار چیز ٢١
عمر باشد و بیم مرک اول بسیار مجامعت کردن دویم
بسیاری حمام رفتن سیم غبار میوه و قدید خام خوردن
چهارم با زنان صحبت داشتن باب درانکه چهار کس را ٢٢
چهار چیز نباشد اول دروغ کوی را مروت نباشد
دویم حسود را راحت نباشد سیم بخیل را سعادت
نباشد چهارم بدخوی را مروت نباشد باب انکه ٢٣

چهار چیز اهل سعادت است اول فرمان برداری
خدا و رسول دویم خشنود بودن پدر و مادر سیم
خدمت علما و حکما کردن چهارم شفقت بر خلق نمودن
حق تعالی توفیق رفیق کند بحق محمد واله الامجاد شعر
وفا ز عمر و بقا از حیوت بهره زمان ؛ حضور وقت
ز ایام و فرصت از مه و سال ؛ چه این خیال تصور کنم
فلک کوید ؛ زهی تصور باطل زهی خیال محال ؛
باب درانکه ذهن را روشن کند حکما کفته اند که ده ٢٤
چیز است که حفظ را بیفزاید اول حلاوة خوردن
دویم کوشت خوردن سیم درس خواندن چهارم نان
بودن
سرد خوردن پنجم ایة الکرسی خواندن ششم با وضو
هفتم متوجه قبله شدن هشتم فرمان پدر و مادر
بردن نهم روی علما دیدن دهم شب بیدار
بودن و بطاعت مشغول شدن باب درانکه ٢٥

[illegible]

والاکرام

سبحان الدائم القائم سبحان القائم
الدائم سبحان الله وبحمده سبحان الملک
القدوس سبحان رب الملائکة والروح
سبحان العلی الاعلی سبحانه وتعالی

صیغهٔ [illegible]

[illegible]

[illegible]

هفتم متوجه قبله شدن هشتم فرمان پدر و مادر
بردن نهم روی علما دیدن دهم شب بیدار
بودن و بطاعت مشغول شدن باب در انکه ۲۵

باب در انکه چهار کار کردن چهار چیز بیاورد اول ۱۹
سوال کردن خواری یافتن دویم عاقبت ننگرستن
پشیمانی دیدن سیم مزاح و فضولی کردن سبکباری
یافتن چهارم با سلاطین دلیری کردن هلاک شدن
باب در انکه چهار چیز دلیل نادانی باشد اول با نا از مرده
گستاخی کردن دویم از زنان چشم وفا داشتن سیم
از ابلهان ایمن بودن و اعتماد بر ایشان کردن چهارم
با کودکان صحبت داشتن باب در انکه چهار چیز نقصان ۲۱
عمر باشد و بیم مرگ اول بسیار مجامعت کردن دویم
بسیار حمام رفتن سیم غبار میوه و قدیر خام خوردن
چهارم با زنان صحبت داشتن باب در انکه چهار کس را ۲۲
چهار چیز نباشد اول دروغ گوی را مروت نباشد
دویم حسود را راحت نباشد سیم بخیل را سعادت
نباشد چهارم بدخوی را مروت نباشد باب انکه ۲۳

چهار

باب درانکه چهار کار کردن چهار چیز بیاورد اول ۲۲

نفسی المدة المعینة وبالمبلغ المعلوم
مرد بفاسله بکوید قبلت [illegible]
جانب مرد و زن باشد [illegible]
مبلغ وکیل زن متعت نفس موکلتی
من موکلک بالمدة المعینة وبالمبلغ
المعلوم وکیل مرد کوید قبلت لموکلی
[illegible] وکیل تعین [illegible]
[illegible] وکیل زن بکوید متعت نفس موکلتی
بالمدة المعینة وبالمبلغ المعلوم [illegible]
[illegible]

چهار چیز نباشد اول دروغ کوی را مروت نباشد
دویم حسود را راحت نباشد سیم بخیل را سعادت
نباشد چهارم بدخوی را مروت نباشد باب انکه ۲۳

چهار

چهار چیز اهل سعادت است اول فرمان برداری
خدا و رسول دویم خشنود بودن پدر و مادر سیم
خدمت علما و حکما کردن چهارم شفقت بر خلق نمودن
حق تعالی توفیق رفیق کند بحق محمد واله الامجاد شعر
وفا ز عمر و بقا از حیوة بهره زمان :: حضور وقت
ز ایام و فرصت از مه و سال :: چه این خیال تصور کنم
فلک کوید :: زهی تصور باطل زهی خیال محال ::

باب در انکه ذهن را روشن کند حکما کفته اند که ده ۲۴
چیز است که حفظ را بیفزاید اول حلاوة خوردن
دویم کوشت خوردن سیم درس خواندن چهارم نان
سرد خوردن پنجم ایة الکرسی خواندن ششم با وضو بودن
هفتم متوجه قبله شدن هشتم فرمان پدر و مادر
بردن نهم روی علما دیدن دهم شب بیدار
بودن و بطاعت مشغول شدن باب در انکه ۲۵

نشاط افزاید حکما گفته اند که ده چیز موجب فرح است
اول سوره یس خواندن دویم وضو ساختن سیم
مسواک کردن چهارم غسل کردن پنجم بر اسب
نشستن ششم با دوستان صحبت داشتن هفتم
سر تراشیدن هشتم موی اعضا بر گرفتن نهم
ناخن چیدن دهم نماز بجماعت گذاردن فصل
در باب پیری حکما گفته اند که ده چیز است که زود
پیری اثر کند اول مجامعت بسیار کردن دویم
سر بجلاب نشستن سیم شب آب خوردن چهارم
با ستین جامه روی خشک کردن پنجم ایستاده
آب خوردن ششم در جبر توقف کردن هفتم
در متوضا سخن گفتن هشتم دعوة خود بگو
با دیگر نگاه کردن نهم بروی خفتن دهم غم
بسیار خوردن باب در زیادتی عمر حکما گفته اند که
ده چیز

ده چیز است که عمر را بیفزاید اول صدقات بسیار دادن
دویم بسیار دعا کردن سیم فرمان پدر و مادر بردن چهارم
نماز شب گذاردن پنجم استغفار کردن پیش از صبح
ششم نماز سنت گذاردن هفتم نماز بجماعت نمودن
دائما هشتم قرآن بسیار خواندن و معنی آن دانستن
نهم یاد خدا نعم کردن دهم صلوات بر رسول صلعم فرستادن
باب در آنکه غم میآورد ده چیز است اول ایستاده
زیر جامه در پای کردن دویم میان زنان و گوسفندان
گذشتن سیم محاسن بدندان بریدن چهارم
بر آستانه نشستن پنجم بر دست چپ طعام خوردن
ششم روی بدامن پاک کردن هفتم بر پوست سیر
و پیاز و تخم مرغ گذشتن هشتم با ذکر بازی کردن
نهم بدست راست استنجا کردن دهم در گورستان
خندیدن باب در آنکه جاه و حشمت افزاید ده

چیز است اول طاعت و عبادت بسیار دوم تواضع
بخلق بیشمار سیم وفا و کرم بیشمار چهارم بیدار بودن
در اسحار پنجم سخاوت دائما بالعشی والابکار ششم
جد و جهد نمودن در همه کار هفتم ملازمت نمودن صحبت
ابرار هشتم متحیر بودن از دیدن اسرار نهم بسیار
گفتن استغفار دهم نگاه داشتن از صغار و کبار

باب در آنکه روشنائی چشم افزاید ده چیز است اول
در قرآن نگاه کردن دوم بروی علما نگاه کردن سیم
بروی مادر و پدر دیدن چهارم بروی دوستان
دیدن پنجم در آسمان نگاه کردن ششم در سبزه و آب
روان نگاه کردن هفتم مباشرت کم کردن هشتم در
جواهر نگاه کردن نهم بعد باب سر شستن دهم
استنشاق هوای صاف کردن باب در قوت و صحت
بدن ده چیز است اول کم خوردن دوم کم گفتن سیم
کم خفتن

کم خفتن چهارم کم مباشرت کردن با اعتدال پنجم
بوی خوش بکار داشتن ششم زر با خود داشتن هفتم
رفتن هر دو روز یکبار بحمام هشتم استنشاق هوای
صاف کردن نهم ثلث آخر شب بیدار بودن دهم پیوسته
با وضو بودن باب در آنکه فراموشی آورد حکما گفته اند
که سی چیز است اول مزاح کردن و خندیدن بسیار
دوم در حمام قرآن خواندن سیم بنامحرم نگریستن چهارم
با زنان مستحاضه مباشرت کردن پنجم حمام ازار خود باز کردن
ششم ترشی بسیار خوردن هفتم در میان شتران گذشتن
هشتم بر سر تراشه قلم نشستن نهم زیر درخت میوه دار
بول کردن دهم ازار ایستاده بستن یازدهم موی بشانه
دیگران شانه کردن دوازدهم از دیگ طعام خوردن سیزدهم
در مسجد ضیق انداختن چهاردهم حجامت از قفا کردن
پانزدهم نیم خورده موش خوردن شانزدهم سیب ترش خوردن

هفدهم کشنیز خوردن هیجدهم در آب ایستاده بول کردن نوزدهم
در جبانات طعام خوردن بیستم بیارئی بار از خود رها
کردن بیست یکم تخته گورستان خواندن بیست دویم
طعام بی‌نام خدای تعالی خوردن بیست سیم میان دو زن
گذشتن باب حضرت امیرالمؤمنین علی ع میفرمایند که
یک صاع طعام که برادران مؤمن با هم خورند دوستتر
دارم که بنده آزاد کنند یک روز آنحضرت را دیدند که میگریست
گفتند که یا امیر چه حالتست که میگریی فرمودند که یک هفته
است که هیچ مهمان بخانه من نیامده است دیگر باید که
جوانمرد آنست که دروغ نگوید و زیان مردم نخواهد چنین
گویند که مردی از مردم نزد جوانمردان و عیاران قهـ
دهان رفت و گفت من رسول عیارانم و نزد شما آمده
ام تا مسئله بپرسم اگر جواب گوئید فبها و اگر جواب نگوئید
شما بمهتری ما اقرار دهید گفتند بگو گفت جوانمردی

چلست

76

چیست و میان جوانمردی و ناجوانمردی فرق چیست
و اگر عیاری بسر راهی نشسته باشد و مردی بروی بگذرد
پس از زمانی مردی دیگر با شمشیر بقصد کشتن آن مرد
برسد و سوال کند که این مرد گذشت یا نه جواب چه گوید
که این مرد را خلاصی بود و او دروغ نگفته باشد عیاران
از جواب فرو ماندند مرد همدانی در میان ایشان بود
گفت که من او را جواب دهم گفتند بگو گفت اصل جوان
مردی آنست که هر چه بگوید بکند و فرق میان جوانمردی
و ناجوانمردی چیز است و جواب عیاران آن بود که از
آنجا که نشسته است یک قدم پیشتر بنشیند و بگوید
تا من اینجا نشسته‌ام کسی را ندیدم بگذرد تا راست گفته
باشد و زیان کس نباشد و هر کس که این سخن فهم کند
داند که مایه جوانمردی چیست و تا تواند خاموشی پیرایه
خود سازد و جز سخنی که در آن صلاح دین و دنیا باشد

بگوید و شنوده دگویند هر آنچه بو سود بود و نظر در کسی
و در هیچ جائی نکند الا بقدر ضرورت و آورده اند که شبی جوان
مردی در نیشابور بخانه جوانمردی اینجا شد جوانمرد
طعام بیاورد و میخوردند تا فارغ شدند کنیزکی بر خوا
ست و آب بدست ایشان میریخت جوانمرد غریب دست
باز کشید و گفت روا نیست که زنی آب بدست مردان
ریزد از میان آنجوانمردان جوانمردی که حاضر بود گفت که من
دو سالست در اینجا میباشم و هر شب او آب بدست من
میریزد و من ندانم که او مرد بود یا زن و گفته اند که جوان
مردی آنست که هر چیزی که از برای خود آنرا میخواهد از برای
دیگری بخواهد و دریغ ندارد اگر چه جان باشد و آورده
که دو جوانمرد را بزندان بردند و حاکم دو رقعه بایشان
فرستاده در یکی قتل آن بود و در دیگری رها کردن یکی
رقعه قتل گرفت و گفت اگر مرا مادر نبودی از قتل باک
نداشتم

نداشتم آن دیگر گفت که مرا مادر نیست بمن ده تو آن
دیگر برگیر پس وی برگرفت و برفت تا وی را بکشند
و این از غایت جوانمردیست : هر که فریادرس مردم
مصیبت خواهد : گو در ایام سلامت بجوانمردی کوش
و در خبر است که از پیغمبر صلعم پرسیدند که روز قیامت
از خلایق کدام قوم بخدای نزدیکتر باشند فرمود
که الانبیاء ثم الشهداء ثم اهل التصوف رسول صلعم فرمود
که روز قیامت سه کس شفاعت مردم کنند چون پیغمبران
یکی عالم دوم خادم سیم فقیر صالح صابر و شیخ سهیل رحمة الله
در آن حالت که حلاج را بر دار میکردند گفت یا حسین تصوف
چیست گفت اولش اینست و آخرش پس از سه روز دیگر
بر بینی که نه خبر و نه اثر و رسول فرمود که التصوف ترک الدعاوی
و کتمان المعانی یعنی تصوف دعاوی را فرو پوشیدن
و شیخ نصرآبادی رحمة الله گفت که اهل تصوف لازم گرفتن

کتاب و سنت است و ترک هوا و بدعت و تعظیم حرمت
مشایخ و ترک پیوستن عند خلایق و اوراد نگاه داشتن
و از خصومت و تاویلات دست بداشتن و مشایخ با
تفاق گفته اند که هر که طعام خورد فرق نتوان کرد میان
الهام و وسوسه و الهام از فرشته بود و با سر راه بود و
وسوسه از دیو بود و اخلاص از شرع بود و گفته اند که نفس
هرگز راست نگوید و دل هرگز دروغ نگوید و مشایخ گفته
که هر صوفی که پس از پنج روز گرسنگی بنالد او را باز بازار
فرستند تا کسب کند که کلید دنیا سیری است و کلید آخرت
گرسنگی نقلست که شخصی در بیابان منزلی ساخت که هیچ جائی
نبود که مرکب در آن ببندد نیت خدای را چوبی بتراشید و در
زمین فرو برد که اگر مسلمانی آنجا رسد مرکب خود را ببندد
بعد از مدتی شخصی آنجا رسید و آنرا بر کند مبادا اذیتی بمسلمانی
رسد بحکم این حدیث که ایمان هفتاد و چند جزو است
اول آن

اول آن و افضل تر آن کلمه لا اله الا الله است و آخر ترین
آن سنگی یا خاشاکی از سر راه مسلمان برداشتن است
تا اذیتی بمسلمانی نرسد حق جل جلاله ببرکت نیت خیر
بر هر دو رحمت فرو فرستد دیگر آنکه کسی روز جمعه جامه
نیکو بپوشد و بوی خوش بکار دارد و او را چند نیت بود
اول سنت رسول خدا بجا آورده باشد دویم تعظیم
خانه خدای تعالی کرده باشد سیم راحتی بمسلمانی که در
نماز همسایه او باشد رساینده باشد چهارم آنکه
بوی ناخوش از خود زایل کرده باشد تا اذیتی از وی
بدیگری نرسد پنجم آنکه تقویت دماغ بجهت ذکر تلا
وة قرآن همه فواید است و بهر نیتی از این ثوابی در آخرت
بیابد یکی ده یا بغیر حساب و اگر بر خلاف اینها نیت کند
از برای تفاخر و توانگری یا ریای خلق یا آنکه در نظر بیگانه
خوش نماید تا در فسادی افتد فکری بکن که این نیت تا آن

نیت چند فرقه اند بسوی هر دو یک عمل است یکی را بهشت
و یکی را دوزخ دیگر حضرت رسالت صلعم فرمود که شخصی
چیزی بخورد به نیت آنکه وی را قوت طاعت بود حق تعالی
آنرا بصدقه از وی قبول فرماید یا از بهر اهل و عیال
خرج میکند و نیت او آنست که حق جل جلاله نفقه ایشان
بر من فرض کرده پس ادای حکم خدای تعالی میکنم آنرا بصدقه
در دیوان وی بنویسید یا آنکه ضیافت از برای علما و زهاد
و عباد و فقرا کند و از نیت خالص از برای خدای تعالی
کند جل جلاله آنرا بصدقه از وی قبول کنند و ثواب آن
در آخرت بوی رسانند و اگر آن ضیافت به نیت آن کند که
او را قضیه دست دهد او استفاعتی و مددی کنند
از هیچ ثوابی نباشد بلکه امید بغیر خدای تعالی بسته
باشد و آن محض خسران باشد و دیگر اگر کسی طره دستار
فرو گذارد و نیت سنت باشد ثواب یابد و از علما
چنین نقل

چنین نقل بما رسیده است که دو رکعت نماز با طره
افضل تر از هفتاد رکعت بی طره است و علما حد آنرا
بیان کرده اند و کمتر آن یک قبضه است و غایت آن
چند است که چون نشسته باشد تا کنار او بود و این نیت
کند که موافقت حضرت رسالت صلعم میکنم و آورده
اند که از روز که موسی علیه السلام آمد تا معارضه کند با سحره
فرعون استاد و مهتر آن ساحران گفت که این مرد چه
وضع دارد گفتند نمدی پوشیده و کلاهی از نمد
بر سر دارد گفت شما نیز همه هم وضع او شوید تا بادی
بر آئید پس چندین هزار ساحر کافر هر یکی نمدی در پو
شیدند و کلاهی از نمد بر سر نهادند و بصورت هم
رنگ او شدند حق تعالی نظری بایشان کرد و هر کس
که موافقت درست میکنند و هم رنگ او شود ما او را
ضایع نگذاریم پس هدایت قرین ایشان شد و چون

معجزهٔ موسی را مشاهده کردند بیکبار گفتند آمنّا
برب العالمین رب موسی و هرون و جمله مسلمان
شدند و در شب معراج حضرت رسالت پناه چون
به بهشت رسید غلغله از بهشت شنید از جبرئیل
علیه السلام سوال فرمود که این چه زمزمه است که از
بهشت میشنوم گفت این آواز سحرهای فرعون است
که این ذکر میکنند که آمنّا برب العالمین رب موسی
و هرون دیدی که چندین سال جمعی در کفر و فسق
و سحر بسر برده بودند بیک موافقت موسی که بکردند
بچه دولت رسیدند حجاب برداشتن و بدرجات عا
لیات رسیدن اگر مرد مؤمن عارف موافقت کند حضرت
رسالت را چه دولتها بیابد مرد عاقل آن بود که شخصی
موافقت احوال و اقوال حضرت رسالت پناه کند و بدان قیام
نماید و سلوک طریق او کند و بر بعضی از سنت او وفا
کند تا مدعو

تا در هر دو جهان رستگار گردد و دیگر جمعی از جهالت
باشند که اوقات ایشان بمناهی و ملاهی رود و از بهر
دعوت نفس آن طرهها را فرو گذارند مثل حکام و سپاهیان
و جمعی شادان و متکبران که نه سنت دانند و نه فریضه
که اگر از ایشان سوال کنند که این طره چیست هر یکی چیزی
در جواب بگویند که خلاف یکدیگر باشد اگر چه صورتش
همان عمل است اما چون نه نیت سنت نیست وبال
آخرت گردد و دیگر نظر است شخصی میتواند که بنظر
که بچیزی کند در آن فکری کند که استدلال کند بر وحدانیت
حق جل جلاله و از انجا او را معرفتی حاصل شود مثلا صاحب
جمال ببیند پس چشم دل بگشاید و آن قدرت مشاهده
کند که از چند قطره آب منی که اگر یک قطره از آن بر جامه
میچکد تا نشوید از آن کراهت فارغ نشود و کراهتی دارد
در آن رحم شد و تا دیگ بکمال قدرت صورتی بدین لطافت

بنگارد که روح تو از در چه چشم چون آنرا مشاهده کند
این آیه بخواند صوّرکم فاحسن صورکم فتبارک الله
احسن الخالقین پس از این رو کند سرّی از اظهار شود
و متوجه صانع شود پس درهای معارف بر او گشاده گردد
و فتوحات غیبی رو نماید تا بمقامی رسد که خود را فرا
موش کند جمیع وجود او همه نور حق تعالی گیرد و غرقه بحر
لا اله الا الله گردد و دیگر شخصی باشد که با این نظر نفس
او بحرکت آید و شیطان وسوسه کند و او را در فسق اندازد
و چون زهو الود شیطان در دل وی جاگیر شود نعوذ بالله
و بعمل قوم لوط مشغول شود که اگر بی توبه از این عالم برود
آن وعدها که در شان قوم لوط علیهم آمده همه اینه مستحق
آن شود و بدان عذابها گرفتار آید لاجرم نص قرآن مجید شرفه الله
از آن خبر داده که فلما جاء امرنا جعلنا عالیها و امطرنا علیهم
حجارة من سجیل یعنی آن همه شهر قوم لوطهم ما الرکی دیم
تا زیر و زبر

تا زیر و زبر کردند و سنگ دوزخ بدان بباریدیم و جای
دیگر فرموده و امطرنا علیهم مطرا فانظر کیف کان
عاقبة المجرمین این تهدید و وعید که فرموده عقوبت
دنیاست و اینه از آن سخت تر عقوبت آخرت خواهد بود
نقلست که علما آورده اند که شخصی در آن زمین مگذشت
و سنگی از آن که بر قوم لوط باریده بود با خود بیاورد و در خانه
نهاد و در آن خانه نامردی بود که بدین عمل مشغول شدی مادری
داشت و او را نصیحت کردی که توبه کن و از این کار برگرد
که من می بینم که آن وقت که تو بدین عمل مشغول میشوی
این سنگ حرکتی میکند هر چند که مادر او با او گفت نمیشنود
تا روزی بدین عمل مشغول بود که آن سنگ حرکتی کرد و بر سر
آن نامرد آمد و هلاک شد تا بدانی که در این معصیت
دلیری نباید کرد و از خشم و غضب حق تعالی جل شانه و از
شر مسلوبی نزد آنحضرت اندیشه باید کرد و رجوع بحضرت عزت

باید کو و علما محققین اورده اند که پنج چیز است که دران
هیچ شکی نیست و همه به تعیین ان امیدانیم و هر یک از این
لازم دارد اول مرگ را یقین میدانیم که هست و بما خواهد
رسید و دران هیچ شک نیست دویم بشارت باشد
به بهشت یا ندای لا بشری و این را هیچ کس ندانست پس
جای خوفست سیم گورست و دران شک نیست و انکس
که داناست گوی بترین همه عالم است صلی الله علیه واله وسلم
فرمود گور یا روضه باشد از روضهای بهشت یا از گوهای
دوزخ سیم قیامت و دران هیچ شک نیست و حق جل
علا فرموده که جلانیوت ابر انکیز انم بعضیرا باروی سفید
و بعضی باروی سیاه و هیچ کسرا معلوم نیست که از کدام
طایفه است پس جای خوف باشد چهارم گذشتن از
صراط و دران هیچ شک نیست که همه را بدان باید گذشتن
جمعی بسلامت بگذرند و به بهشت روند و بعضی در

دوزخ

٨٣

دوزخ افتند این نیز معلوم نیست که چون خواهد بود
پنجم انکه قرارگاه همه دو جا بجاه خواهد بود یا بهشت
است یا دوزخ که فریق فی الجنة وفریق فی السعیر
و کسیرا معلوم نیست که جای او کدامست پس جای انست
که ما از این اندیشه خالی نباشیم و از گناهان دور جوییم
و زود بدر توبه و انابت ایند و از کردها پشیمان
شوند که هم چنانکه رضای حق تعالی جل جلاله طاعت
بنهایت است خشم و غضب او نعوذ بالله منه در معصیت
پنهانست و محققان بر انند که شرمساری حضرت
عزت جل و علا هزار بار از اتش دوزخ عظیم تر است
که اتش دوزخ بر نسبت اتش حسرت سهل است
از بهر انکه اتش صوری جسد را سوزاند و اتش معنوی
جان را سوزاند الهی بحرمت معصومانی که طرفة
العین در معصیت نبوده اند که بر عاصیان امت محمد

صلی الله علیه وآله وسلم رحمت فرمای برحمتک یا
ارحم الراحمین دیگر جماعتی بوده اند از خاصان
حضرة عزة جل جلاله که بمجرد نظری که کرده اند ببلای
عظیم گرفتار گشته اند واز ایشان این مقدار بسنده
اند نقل است که امام ابو علی که از کابر علماء قرآست
روزی خواجه از بصره پیش وی امد و پسری صاحب جمال
بادی بود تا قران بادشاه ابو علی رحمه الله بخواند وان
پسر چند روز میامد وقران میخواند ابو علی قطعا
نظر بان پسر نمیکرد روزی بی اختیار چشمش بر جمال
ان پسر افتاد از عالم بشریت نیز در وی نگریست
چون نظر با خود کرفت قران بکلی از یادش رفته چنانچه
هر چند خواست تا یک حرف باز یادش اید نیامد بر
خواست و پیش شیخ حسن بصری رحمة الله علیه رفت
گریان و نالان پس حال خود با شیخ بگفت شیخ گفت
بعد از تامل

بعد از تامل که این ابو علی کار تو از ان میرود که با قافله بیرون
رفت بحج و توبه کن که حسنات الابرار سیئات المقربین
پس چون از اعمال حج فارغ شوی بسیار بعد که ایام التشریق
به مسجد خیف روی پیری بر بینی در محراب نشسته
ومردمان بزیارت وی میایند صبر کنی تا خالی شود پیش
روی تا برای تو دعائی کند حق تعالی جل جلاله باز قران بر وی
تو کرداند ابو علی کار ساز کرد و با قافله چون مناسک حج
بجای اورد ان روز که شیخ فرموده بود بمسجد خیف در امد
وان پیر بدید زمانی در گوشه نشسته و خلایق بزیارت
وی میامدند تا که شخصی در امد برقعی بسته پیر چون
اورا بدید برخاست و استقبال کرد اورا و یکدیگر را در کنار
گرفتند و زمانی با هم بودند پس ان شخص برفت و خالی
شد ابو علی پیش او رفت و حال خود را بر وی عرضه کرد پس
پیر دعائی کرد که در حال همه قران باز یادش امد و اعوذ و

بالله من الشیطان الرجیم بکهف و عشری از قرآن بر خواند
پیر را ذوقی پدید آمد و گفت که نشان من بشود اد گفت حسن
بصری گفت چون حسن بصری پرده ما بدرید ما نیز حال
وی آشکارا کنیم بدان ای ابو علی که آنکس که در رقع بسته بود حسن
بصری بود که نماز پیشین در بصره گذارد و آمد و عمره بجای
آورد و مرا دید و برفت که نماز پسین در بصره گذارد شما
او را نمیشناسید جائی که او باشد من کیستم تا دعا کنم
اما از حق رجوع کارهای چنین بدیگران کنند تا کسی بر حال
ایشان اطلاع نیابند چرا که نیت ایشان از ریا و سمعه
اکنون ازین اخبار را معلوم شود که عمل به نیت میگردد
و در یک نفس حالات چنین واقع میشود پس اصل همه
اعمال نیت است که اِنَّمَا الامرء مانوی اینست سر المخلصون
علی خطر عظیم پس توبه باید کرد و از صحبت بدان پر
هیز باید نمود فصل سیم در بیان نیتی که تعلق بنماز
درروزه

درروزه و حج و زکوة و سایر اعمال عبادات دارد و همچنان
از طاعات و نیات اصحاب پیغمبر صلی الله علیه واله
وسلم و نیت جمعی از اولیاء الله و نیتی بعضی از پادشا
هان عادل و اثبات آن که نیت عمل دلست و اصل همه
معاملات است که آن ایمانست که عبارة از تصدیق تنها نیست
که اگر چه قول زبان و عمل ارکان بعضی اوست اما همه منا
فقان بر زبان کلمه شهادت میگفتند و نماز و آنچه عمل
ارکانی بود بجای می آوردند اما آنچه اصل ایمان بود
و در دل ایشان نبود لاجرم حق عز و علا در کتاب مبین
چندین آیات در شان ایشان فرو فرستاد و همه را
رسوا کرد و طبقات آخرین دوزخ جای ایشان است
چنانچه فرمود اِنَّ الْمُنَافِقِیْنَ فِی الدَّرْكِ الْاَسْفَلِ مِنَ
النَّارِ پس معلوم شد که اصل ایمان باور داشتن بدل
است واما بخاری رحمة الله در اول صحیح بخاری در باب

ایمان بیانی کرده وعلما در شرح آن بحثها کرده اند
وحاصل معنی باین ایراد آورده اند که ایمان مثل درخت
خبیثست که بیخ آن در زمین دل بنده باشد وقول
زبان چون شاخهای اوست وعمل ارکان چون میوه
وثمره است وحق تعالی میفرماید که اَصلُها ثابِتٌ وفَر
عُها فی السَّماءِ واما بخاری رحمت الله فرموده که این خود
یکی است یعنی قول لسان وتصدیق دل وعمل جوارح اشکال
ایمانست اما اصل باور داشتن دلست وباقی متمم آن
است بلکه به هفتاد شعبه میرسد وهمه را ایمان
میکویند اما آنچه حق جل علا در کلام مجید ایمان رجوع بآن
فرموده است دلست چنانچه فرموده اولئک کَتَبَ فی
فی قُلُوبِهِم ایمان یعنی ما نوشتیم بر دلهای شما ایمان را
وجای دیکر فرموده هُوَ الَّذِی اَنزَلَ السَّکِینَةَ فی قُلُوبِ
المُؤمِنِینَ لِیَزدادُوا ایماناً مَعَ ایمانِهِم ما فرستادیم سکینه
وارام بردلها

وارام بر دلهای مؤمنان در حالت ایمان بعد از ایمان یعنی
ایمان چنان در دلهای ایشان زیادت میکردانیم که کو یا
از عقب همه در میاید پس معلوم شد که محل نور ایمان
دلست ودر جای دیکر صفت جمعی میفرماید که کافر
میشوند بعد از انکه ایمان اورده اند وبعضی دیکر هستند
که کفر را اکراهیت میدارند ودل ایشان پر است از ایمان
وچنان در آن آرمیده اند که اکر همه تیغ عالم بر ایشان ببارند
سر موئی دل ایشان بباد از ایمان میل نکند ونکردد اینست
که میفرماید مَن کَفَرَ بِاللهِ مِن بَعدِ ایمانِهِ اِلّا مَن اُکرِهَ وقَلبُهُ
مُطمَئِنٌ بِالایمان پس دانستی که محل ومقر ایمان دلست
وبعد عمل دلست وقول وزبان که کفتن لا اِلهَ اِلّا اللهُ
مُحمّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلیٌ وَلیُّ اللهِ است بعد از آن عمل بارکان
است وبزرکترین عمل ارکان نماز است واصل نماز نیت

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)

است زینت عمل دلست و نیت قصد و عزیمت و ارادت
است که در دل آید پس نیت موافقت بر خیزد پس زبان
از عبارت او پس اگر هزار نوبت بزبان کوید که نیت
کردم که نماز میکذارم و دل از آن غافل بود نماز درست
نباشد و اگر بدل نیت کند و بزبان نکوید نماز درست باشد
بهمه مذاهب و نزد اکثر علما مستحبست بزبان نیز کفتن
تا در دل مقرر شود و نیت نماز سه شرط دارد که نماز بان
درست باشد و این سه شرطست که نماز و فرضیت و
وقت تعیین کند و در دل نکاه دارد و الله اکبر بزبان بکوید
چنانکه بر الله اکبر کفتن این سه معنی در دل بکذرانند و اینرا
مقارنه کویند و علم این دانستنی است که نماز بی مقارنه
درست نیست پیش اکثر علما چنانکه بزرکان بوده اند
که چون این معنی دانسته اند هر نمازی که بی مقارنه بوده
است ازا

است از قضا کرده اند و این مقارنه پیش بعضی بغایت
مشکل مینماید اما اگر نیک تامل کنید بغایت آسانست
و علما اکرمهم الله بنعم فی درجات الجنات در این مسئله
بیانها کرده اند از آنجمله امام غزالی رحمة الله در باب جمعه
اینرا شرحی کفته اند که معنی مقارنه بغایت آسان باشد
و هر کس که از او در نمی آید در علم یا در عقل او البته خللی باشد
و اگر کسی را این دست دهد از دلیل بنا ساخت و معنی مقارنه
آنست که نماز و وقت و فرضیت هر سه برابر باشد از
لفظ الله تا راء اکبر چون الله اکبر کوید این هر سه در دل
او بود که نماز فرض پیشین ادا میکنم و با کفتن الله اکبر کفتن
برابر بود این مقارنه بود و اگر امام بود یا مأموم آن نیز
بعینه بود و اگر بعد از آن در خاطر او بود درست بود و هیچ
وسوسه بخود راه ندهد که شیطان در هیچ وقت این
ملازمت نمیکند که در این محل چرا که اگر در آن وقت

دست یافت در همه نماز وسوسه نتواند کرد و اگر آن وقت
دل تو حاضر دارد و این معانیها را در دل جمع کند جمله نماز
در حضور دل بود و نماز درست بود که حضور دل ضرورت
است که فرموده لا صلوة الا بحضور القلب و در احیاء علوم
این مثال گفته که نیت نماز چون نیت کارهای دیگر است
یعنی چه غرض بود که ترا بر پای داشت و روی بقبله آورد
نه نماز فرض آن وقت بود که این نیت باید که همان در دل تو
بود تا الله اکبر بگوئی چنانچه عالمی پیش تو آید و تو از برای
حرمت او پیش او بر خیزی کسی با تو گوید که پیش این عالم جهت
علم او بر خاستی گوئی بلی نیت نماز چون نیت بر خاستن
است از برای عالم و بلی گفتن بر جای الله اکبر گفتن معنی در الله
دل تو بود اینست معنی مقارنه اگر فهم نکردی مثال
ازین روشن تر و عامیانه بگویم که فهم کنی و باید که زمانی
خود را بدان دهی و فکر بکنی تا در یابی و بدانی که علما چه
سعی کرده

سعی کرده اند و خون جگر خورده اند تا تحقیق مسایل
کرده اند و مثالهای روشن گفته اند تا تو آسان در یابی
و نیک بدانی و بالله التوفیق مثال دیگر که اگر کسی را گویند
دو رکعت نماز بی نیت بکن هرگز نتواند چرا که بی قصد
و عزیمت نتواند کرد و تو فکری بکن که چون کند پس سعی
کن که بر خود آسان گیری و وسوسه نجوری راه ندهی که در
زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم علمائی
که دل ایشان از تفرقه دنیا خالی بوده و چون قامت نماز
شنیدند بغیر از نماز فرض آن وقت در دل ایشان نبوده
و در همه اعمال باید که نیت بود که اگر کسی نیمه مال خود را
بی نیت بدهد زکوة نداده باشد و اگر به نیت
بر دو دو بیست درم پنج درم و از بیست دینار نیم دینار
و از دیگر حبوبات عشر ان البته نیت بباید کردن
و حاجت بزبان گفتن نیست و در روزه ماه رمضان

پیش از صبح باید که نیت کند که اگر از اول شب تا صبح
باید که نیت کند که اگر از اول شب تا صبح صادق
در دل نیاورد روزه باشد و امساک باید کرد و قضا
باید کرد و نیت روزه باین مقدار حاصل شود که از اول
شب تا وقت صبح در دل این کس در آید که ماه رمضان
است و روزه میباید بود یا با اهل و عیال گوید
سحرگاه چه خواهید خوردن نیت روزه حاصل آید چرا
که در هیچ ماه دیگر تان سحر نمیخورند مراد از این آنست
که نیت قصد دل است در همه اعمال اما نیت روزه
سنت تا وقت زوال درست باشد و اگر کسی نیت
حج کند و اگر او را دوزی شد رکنی از ارکان مسلمانی
بجای آورد و اگر در راه وفات کند جهت نیت او را
ثواب بود بلکه گفته اند هر سال حجی در دیوان ثواب
بنویسند جهت حرمان وی نقلست که شخصی عزیمت

حج کرد

حج کرد و از قافله باز ماند عاقبت آنکه بر سید که
حجاج از عرفات باز میگشتند آن مرد از غایت حسرة
و درد تا یافته آهی بر آورد و ناله بکرد و در صحرا در پای
دیوار سر بر زانو نهاد و چندان بگریست آنجا بیفتاد
و بخود و غریب و بی کسی روی بر خاک نهاده و مینالید
شب یکی از اولیا که نام وی شیخ علی ابن الموفق بود
در خواب دید که دو ملک باهم میگفتند که امسال
حج شیصد هزار آدمی درگاه ایزد کرده اند که هر بخورد
در پای این دیوار افتاده شیخ از خواب در آمد بر خواست
و پیش این دیوار رفت جوانی دید در میان خاک خفته
و چشمش در مغاک افتاده شیخ سلام کرد و در بالین
آن غریب دلشکسته نشست و دست شفقت بر سر
وی نهاد او چشم باز کرد و شیخ را دید شیخ از وی سوال
کرد مرا میشناسی گفت خیر گفت من علی ابن الموفقم

در حال در قدم شیخ افتاد گفت که باشم که چون توئی
قدم بر بالین من نهی گفت ای جوان میدانم که ملتزم حج
ترا چنین رنجور کرده است گفت بلی یا شیخ فرمود
که من چندین بار حج کرده ام و امید دارم که قبول کرده
شود همه را بتو میبخشم تو این درد و حسرت که در دل داری
بمن بخش ان مرد بغایت خرم شد چنانچه هیچ رنجی در خود
نیافت پرسید که این چه معامله است که چندین حج
چون تو بر یک آرزوی بدل میکنی گفت بشارت باد ترا که
حج همه خلایق بتو بخشیده اند و چند آنکه همه درجه ایشان
نسبت ترا به تنها مثل است پس انمرد خرم شد و وداع
خلق بکرد و در مکه مجاور شد و حق تعالی وی را بدرجه
ولایت رسانیده و هم موافق این و شیخ حکایت نقلی
هست که زنی از خراسان عزم حجاز کرد و چهار پسر
بادی بود و در راه بهر شهری و منزلی یکی وفات
کرد

کرد و او صبر کرد و تسلیم و رضا شعار خود ساخت تا قدم
در بادیه بغداد و در اثنای بیابان نیز از قافله باز ماند
و در گوشه نهان مشغول شد عربی شتر سوار بر وی
ظاهر شد بر وی سلام کرد و او را بر شتر نشاند و بقافله
رسانید چون بحرم مکه رسید او را عذر زنان پیدا شد
بغایت شکسته خاطر در پای کوهی سر بزانوی اندوه نهاد
خلایق باعمال حج مشغول شدند و او در کنج حزن ناله میکرد
و میگفت بار خدایا مرا دعوت بخانه خود کردی و فرزندانم
بستدی و این زمان از آنچه مقصود است مرا محروم کردی
اگر بدین بیچارگی من خشنودی من رضای تست یکی
از اولیا در خواب دید که ملکی بادی میگفت امسال حج
هیچ کس قبول نیست الا از ان فلانه زن و بطفیل او
حج دیگران قبول کردند ان بزرگ بامداد بگردید و او را طلب
کرد و بشارت داد گفت من هفتاد حج پیاده کرده ام بدل

میکنم به بلائی که پیش تو امده زن گفت برو ایشیخ که ما
هرچه نیت ان از بهر خدای کردیم بهیچ چیز بدل نکنیم تا بدانی
که نیت خیر چه اثرها دارد و میباید بنده چنان حاضروقت
بود که هر امری که ویرا روی نماید احتیاط کند که چند طرف
طرفی نفسانی بود و طرفی خلق را بود و طرفی خدای را بود
زمانی فکری کند پس میل بدان طرف کند تا کارش بر اید
حکایت علما در کتب معتبره اورده اند که شخصی در میان روز
جمعه ویرا سه کار واقع شد اول خرواری گندم در اسیا داشت
رفت تا بیارد چون بر اسیا رسید استر از دست وی بگریخت
در روی بیابان نهاد ولا البته از عقب وی میبایست رفت
دویم وقت نماز جمعه بود و نماز جمعه میبایست گذارد سیم
ساعتی دارم و هم در این وقت نوبت اب ان بود که زراعت
کنم این سه کار مهم او را واقع شد پس در بین میانه متحیر
شد که اول بکدام یکی از این سه قیام نماید چنانکه از پی

هر یکی

هر یکی که میرفت ان یکی فوت میشد در این اندیشه بود
که اواز اذان جمعه بر امد چیرهٔ او زیاد شد فکری باخود
کرد و گفت این هر دو تعلق بدنیا دارد و نماز جمعه
کار اخرت است پس نیت خود جزم کرد که اول بنماز جمعه
روم و باقی را بخدا باز گذارم و این کلمه بر زبان او گذشت
که حسبی الله و روی بمسجد نهاده و نماز جمعه بگذارد
و چون بخانه رفت استر را دید در جایگاه ایستاده و
ارد در انبار خانه نهاده از زن پرسید که این ارد را
که اورد گفت اسیابان اورد گفت که مرا شغلی بود
و شوهرهٔ دیر امد من باخود اوردم پرسید که این
استر را که اورد گفت چون خلایق بنماز جمعه رفتند
و راهها خالی شد گرگی در پی وی افتاده بود و او
روی بخانه میامد من بر بام خانه وضو میکردم در گشودم
در جایگاه رفت و گرگ باز گردید ان مرد شکر خدای تعا

بگذارد وبیل برگرفت ورفت تا آن زرع آب دهد
هر مقداری که پیشتر شد چون برفت دید که آن زرع تمام
آب داده شده بود از همسایه پرسید که این کشت را که آب
داده است گفت آب در دست ما بود چون بانگ نماز جمعه
برآمد آب خود میل بدان طرف کرده هر چند خواستم که بازش
آبرا بربندم نتوانستم تا آن تمام شد بعد از آن نتوانستم
بستم پس باید که هر کسی که پیش چیز بود و کار آخرة بر کار
دنیا مقدم دارد خدای تعالی کار دنیا و آخرة او را بسازد
حکایت علما آورده اند که منصور عمار رحمه الله در کوچه
از شهر بصره میگذشت خانه عالی دید که آواز چنگ
و چغانه برکشیده بودند از غایت غیرة در دین بایستاد و با
خود گفت که در اینخانه گشاده است و از کسی خوفی ندارد
بنیت خدایرا نهی منکر کنم پرسید که اینخانه از آن کیست
گفتند از پسر امیر بصره است که در عشرتست و در غایت

منکراست

منکر است منصور با خود گفت که بنیت من از بهر خدا است
و از هیچکس نمی ترسم بجز خدای تعالی قدم در خانه نهاد و
رفت در خانه جوانی دید در غایت جاه و تکبر و اسباب
مناهی باقصی الغایات کوشنده چنانچه مراد نفس شیطان
است شیخ سلام کرد جوان برخواست واحترام شیخ را بجا
آورد و بفرمود تا آلات مناهی را بیرون بردند و با ادب
در برابر شیخ بنشست شیخ بنیاد نصیحت کرد و سخنان
شافی بدان دردمند عاصی فرو خواند چون زن آن جوان
خبر یافت که شیخ آمده و نصیحت شوهر او میکند تعجب کرد
و در پس حجاب بنشست و استماع نصیحت شیخ میکرد ناگاه
عنایت حق در رسید آن جوان بدست شیخ توبه کرد و
زنش نیز توبه کرد شیخ بیرون شد آن جوان همه اسباب
دنیا که داشت در راه خدای تعالی صرف کرد و خود ترک تجارت
کرد بعد از چهار سال دیگر منصور عمار رحمة الله علیه

عزم حجاز کرد چون در طواف بود شخصی سلام کرد بر شیخ
چون از طواف فارغ شد نظر کرد آن جوان را دید احوال
وی باز پرسید گفت شیخنا الحمد لله زنم در پس کوه صفا
نشسته و انتظار شما میکشد با وی برفت دید که زن در
گوشه کوه صفا نشسته بعبادت مشغول است جوان گفت
یا شیخ مدتیست در انتظار میباشم شما زمانی حاضر وقت
ما باش آن جوان غسلی کرد و دو رکعت نماز بگذارد ناگاه آوازی
از آسمان بشنید جوان گفت لبیک و در حال جان بداد زن
نیز آواز بشنید و او نیز لبیک بداد و جان بحق تسلیم کرد
پس مشایخ حرم پیش شیخ جمع شدند و ایشانرا ازانجا ببردند
این است نیت نیکوی با اخلاص و ثمره آن نقل است که یکی
از علما مدتی در خواب بود و در خواب ماند که اذان گفتند
و او را خبر نبود چون وقت نماز برسید ابلیس بیامد و وی را
بیدار کرد آن شخص او را نشناخت گفت تو چه کار با ما داری

گفت برخیز

گفت برخیز که از جماعت حضرت رسالت پناه باز مانی آن
عزیز برخواست و وضو ساخت و در مسجد رفت دید که
یاران صفها راست کرده اند بغایت خرم شد پس در
دلش آمد اگر فضل خدای تعالی برخود بدان که آنکس که مردم را
گمراه میکند ترا بجماعت حضرت رسالت پناه رساند پس
نماز بگذارد چون پیش حضرت رسالت پناه رفت فرمود که میدانی
که آنکس که ترا بیدار کرد از دشمنی خالی نبود گفت چه گونه
یا رسول الله فرمود که او میدانست که هرچه در خواب بر آمو شی
از بنده فوت شده از او مواخذه نبود اما اگر این جماعت
از تو در گذشتی البته غمی بر تو دست دادی و چندین روز را
آن حزن در دل تو بودی چندان ثواب ترا حاصل شدی که
خدای تعالی داند میخواست تا ترا از آن همه محروم گرداند
او دشمن است هرچه کند از دشمنی خالی نبود و عادت او اینست
که چون شخصی را بمعصیت نتواند انداخت از راه طاعت

میزند بهر طریق که میتواند بکند میکند پس بدان که اصل همه عبادات و شرط همه منهیات تعلق بدل دارد در حدیث صحیح بخاری آورده اند که حضرت رسالت پناه فرمود که در بنی اسرائیل شخصی بود که نود و نه خون ناحق کرده بود ناگاه پشیمان شد و نیت توبه کرد پس طالب کسی بود که بدست وی توبه کند او را نشان دادند که در فلان قریه عابدی هست آن شخص برفت و حال خود بآن عابد بگفت عابد بغایت خشمناک شد گفت برخیز و از من دور شو که هرگز توبه تو قبول نشد آن مرد فکری کرد که چون توبه من قبول نیست اولی آنست که این عابد را نیز بکشم تا عدد صد تمام شود ضربتی بزد و آن عابد را بکشت بعد از زمانی نادم و پشیمان شد می‌پرسید پیش که روم و توبه کنم نشان کردند فلان ده مردی هست بغایت عالم و زاهد آن مرد عزم وی کرد و نیت بر عزم توبه جزم کرد و در میانه راه اجلش برسید

و بمرد در حال

و بمرد در حال ملائکه رحمت و عذاب بر بالین وی جمع شدند و هر یک میخواستند که روح وی را بردارند ملک رحمت میگفت که او نیت توبه داشت پس مستحق رحمت بود ملک عذاب میگفت که او گناه کار است و مستحق عذابست حق جل و علا فرمود که ای ملائکه این زمین را بپیمائید تا بکدام ده نزدیکتر است پس بپیمودند بقدر یک وجب بآن ده نزدیکتر بود که میرفت توبه کند حق تعالی فرمود که تا ملائکه رحمت روح او را به بهشت برند در این حکایت فضیلت نیت بدانستی و این نشان بشارتی است که بیان شد و این حدیث در صحیح بخاری در کتاب بدء خلق و ذکر انبیاء آورده است و در حدیث دیگر فرموده که اگر بنده در روزی هفتاد گناه بکند و توبه کند حق سبحانه و تعالی توبه آن بنده را قبول کند بشرط آنکه نیت جزم دارد که باز بر سر

کناه نزود پس چنین دولتهای بزرک تابع نیت خالص
است و عمل با اخلاص بغایت مشکل و دقیق است قدری در باب
اخلاص تمامی بیان کنیم ان شاء الله نقل است که حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام در میدان با کافری جنک
میکرد و بروی غالب شد ان کافر را بر زمین زد و بر سینه
وی نشست و خواست علی سر او را ببرد ان کافر اب دهن بر روی
مبارک امیر المؤمنین علی انداخت امیر المؤمنین علی علیه السلام
ذو الفقار در غلاف کرد و از سینه وی برخواست ان کافر
با امیر المؤمنین علی میکوید که مدتیست تا با شما کینه دارم
و بسیاری از مسلمانان را کشته ام امروز مرا بدین سختی اسیر کردی
و باز رها کردی سبب چه بود حضرت فرمودند که من تیغ را
از برای رضای خدای تعالی کشیده ام که ترا بکشم و نیت من رضای
خدای تعالی بود چون تو اب دهن بر روی انداختی نفس من
حرکت کرده چون با خشم در خود بیافتم کفتم اکر ترا بکشم به نیت

خالص از

خالص از برای رضای خدای تعالی کشته باشم و از برای
نفسانی نباشد از این سبب ترا نکشتم تا بار دیگران مرد
چون این سخن بشنید با خود کفت که دین اینست پس مسلمان
شد و در راه خدای تعالی غزا میکرد تا شهید شد ائمه معصومین
فرموده اند که مردان خدای تعالی هیچ عمل بی نیت نکنند نقلست
که در زمان سابق پادشاهی یکی از ملازمان خود را
بحکومت به شهری از شهرهای مغرب فرستاد پس مدتی
ان مملکت را بعدل امید است جمعی پیش ان پادشاه امدند
و از وی شکایت کردند که این مرد با وجود عدل و صلاح خصلتی
چند دارد که ما بسیار از ان به تنک امده ایم چنین کویند
که او برخواست و عزم دیار ان ولایت کرد یکی از بزرکان
باستقبال او امد چون ملاقات شد او کفت جماعتی از تو
شکایت اورده اند پس ایشان را حاضر کرد فرمودند پادشاه
که هر چه از دست او شکایت دارید در حضور بیان کنید

ایشان گفتند که او چهار عیب دارد و کار مملکت بدان
نقصان پذیر است اول آنکه بشب کسی را راه پیش خود نمیدهد
و چند مصلحت است که در شب باخر میرسد که بروز در عرض
نمیتوان رسانید دویم آنکه تا چاشتگاه از خانه بیرون نمیاید خود را
و کار مردم در توقف میباشد سیم آنکه هر ماهی یک روز
هیچ کس نمینماید چهارم آنکه در اثنای حکومت ناگاه بیخود
میشود چون کسی که رنج صرع داشته باشد قضیها تعویق
میافتد ما از این چهار خصلت رنجش باقی همه اوصاف
او آراسته است از شیروان از او پرسید که چرا چنین میکنی
تا مسلمانان از تو شکایت میکنند گفت یا ابن شیروان
در این سه چیز میان من و خود نفع اما چون ایشان شکایت
میکنند شما عتاب میفرمائید بر من واجب شد بیان کردن
آن اما اول چون روز را صرف صحبت و حکومت خلق میکنم در
شب بعبادت حق جل جلاله و عم نواله میپردازم تا جزا آن حاصل
شود وخدای

شود و خدای تعالی بنیت ما امید است اما دویم آنکه مرا غلامی
و کنیزی و خدمتکاری نیست و عیالی چند دارم تا چاشتگاه
بکار سازی ایشان مشغولم یا آرد خمیر میکنم یا نان میپزم
یا مهمی دیگر اندک توقف که هست بسبب آن میباشد
اما سیم آنکه هر ماهی یک روز با وقت خویش میافتم و جامه
و بدن خود را از چرک خلاص میدهم و میشویم و خود را از دست
کزندگان خلاص میدهم اما چهارم آنکه در زمان جاهلیت
که در مکه بودم روزی کفار چند تن از صحابه پیغمبر را بگرفتند
و میکشتند یکی از آن خبیب بود و او را بر دار کرده بودند
و کافران گرد وی بر آمده و من در میان ایشان بودم یکی
از کافران با خبیب گفت چون راضی هستی که محمد بر جای
تو بودی و تو خلاصی یافتی خبیب در جواب گفت والله
که هرگز الم از این سخن بر خود روا دارم و سر خاری
نخواهم که وجود مبارک آنحضرت را صلی الله علیه و آله بیازارم در این

سخن بود کاوی دشنه برتنی گاه دی زند و روح مبارکش
بجانب فردوس بردند اکنون هرگاه که آن قصه بسوز
یاد میاید متحیر میشوم که کاش در آن وقت که آن قوم که این
حرکت میکردند و آن ظلم از ایشان صادر شد و من در
آنجا بودم اگر چه من مباشر انکار نشدم ولکن در میان ایشان
بودم از آن خوف از هوش میروم و حق تعالی و تقدس بر نیت
و ضمیر من مطلع است که من در این اوقات یک لحظه بمراد
نفس نبوده‌ام آن بزرگ بگریست پس همه خلایق بگریه
در آمدند و در قدم او افتادند و توبه کردن و عذر
میخواستند و او میگریست و میگفت اگر چیزی کرده‌ام
مرا حلال کنید که کار من خطرناک است پس اکنون تو با خود
فکری بکن که کسانی که خدای تعالی در قرآن مجید شرفه الله
تعالی این همه مدح ایشان فرموده و حضرت رسالت پناه
ایشان را بشارت بهشت داده و از عذاب قیامت چنین
میترسیدند

میترسیدند این همه ظالمان و یزید و معاویه و عمر ابن
الخطاب و شمر ذی الجوشن و ابن ملجم و حجاج ابن یوسف
لعین که این همه ظلم کردند و کسانی که متابعت ایشان
میکردند در ظلم حال ایشان چون خواهد بود اکنون
دانستی که حق سبحانه تعالی بر نیات همه واقف است
و دانا حکایت آورده‌اند که یکی از اولیا بعزم غزا بیرون
رفت در منزل او یکی از رفیقان توبره میفروخت این
شخص گفت من توبره ضرور نداشتم اما بخریدم با خود
گفتم در منزلی که برادری را ضرورت باشد بدو فروشم
شب در خواب دیدم که دو شخص از آسمان فرود آمده
یکی با یکی میگوید که بنویس نام غازیان پس مینوشتند
که فلان کس برای آمده پس در من نگریست و گفت این
مرد بتجارت آمده من گفتم الله الله در کار من نظری
کنید که من هیچ ندارم بجهت بازرگانی نیت من خالص

واز بهر رضای خدای تعالی یکی از ان دو گفت یا فلان توبره
خریدی که باز فروشی من گفتم این نیت بازرگانی نیست
بلکه نیت من غزاست خالص لله تعالی آن دیگری میگوید بغزا
امده ام اما دیده ام توبره خرید که باز فروشد و سود کنند تا
حق تعالی چه حکم فرماید از این است که حضرت رسالت پناه
فرمود که نیت اند با اخلاص نجات ابد است ولیکن اخلاص
عزیز است و گفته اند که علم بر مثال تخم است و عمل زرع
و آب آن اخلاص است و عمل با اخلاص وسیله دعاست
چنانچه در صحیح بخاری این حدیث آورده که حضرت رسالت
پناه فرمود که در زمان جاهلیت سه تن در صحرائی میر
فتند و بلائی با ایشان در گرفت میل بکوه کردند و در غاری
رفتند ناگاه سنگی بزرگی از کوه فرود آمد و در غار بر ایشان
بگرفت که هیچ جائی سوراخی نبود ایشان متحیر شدند و امید
از زندگانی بر داشتند و با هم گفتند ما را هیچ تدبیر نیست

که از اینجا

که از اینجا خلاص شویم یکی از ایشان گفت بیائید تا
هر یک که عملی با خلاص کرده باشیم شفیع سازیم که حضرت
عزت جل شانه ما را خلاص دهد یکی از ایشان گفت
حال آنکه پدری و مادری پیر بودم و عیالی چند داشتم
و گوسفندی چند میچرانیدم چون شب هنگام میشد
شیر از گوسفندان میدوشیدم و میآوردم اول مادر
و پدرم میاشامیدند و بعد از آن بطفلان و عیال
خود میدادم شبی اتفاق افتاد و گوسفندان دور تر
شدند و شیر آوردن از هنگام بگذشت چون من شیر
بیاوردم مادر و پدرم هر دو خفته بودند در خواب شیر بدست
گرفتم و بالای سر ایشان با ایستادم و طفلان من از گرسنگی
گریه میکردند و من از حرمت مادر و پدر شرم میداشتم
که ایشان را از خواب بیدار کنم و طفلکان در گریه بخواب شدند
و من در آن سرها ایستادم تا بامداد که مادر و پدرم بیدار

شدند و شیر با ایشان خورانیدم خدایا اگر این خالصه
برای رضای تو کردم ما را خلاصی کرامت فرمای ناگاه
ان سنگ جنبشی کرد و قدری فرو شد و روشنی پیدا
شد ان دیگری گفت حال انکه چند مدت بود که مرا با دختر
عم خویش هوای نفسانی بود و او دست بمن نمیداد
قضاء الله قحطی پیدا شد و ان دختر مضطر شد و بمن گفت
که صد دینار طلا بمن ده تا با تو یکی شوم من صد دینار
طلا بوی دادم چون وقت ان امد که با وی نزدیکی کنم او
گفت از خدای بترس اندیشه بکن اندیشه کردم و از ان کار
دست بداشتم و ان صد دینار از وی باز نگرفتم گفت بار
خدایا اگر از ترس عذاب تو ترک کردم ما را ازین جایگه خلاص
فرما سنگ جنبشی کرد و قدری دیگر فرو نشست و سوراخی
پیدا شد اما چنان نبود که از انجا بیرون توانستندی امدن
دیگری گفت که من مزدوری چند گرفتم شب کار اجرت ایشان

میدادم

میدادم یکی از ایشان مضایقه میکرد که تا چیزی زیادت
بوی دهم و من زیادت بوی نمیدادم خشم گرفت و حق خود را
رها کرد و برفت و ان چند من ارزن بود من در ان چند من ارزن
سعی کردم و از بهر وی زرع کردم حق تعالی برکت در ان پیدا
فرمود تا اندازه مزد وی از ان وجه اوی بخریدم ماده گاو و گو
سفندی چند تا زاییدند تا صحرا پر از گاو و گوسفند شد
روزی ان مرد بیامد و گفت من فلان سال پیش تو کار
کردم و حق من بمن ندادی و اکنون محتاجم و امدم که ان
اجرت محقر بستانم گفتم چنین کنم دست وی بگرفتم و بدان
صحرا بردم و ان گاوها و گلهها گوسفند بوی تسلیم کردم
گفت بار خدایا اگر این عمل خالص از بهر رضای تو کردم
ما را خلاص ده ان سنگ حرکتی دیگر بکرد و در غار بر ایشان
گشاده شد و این هر سه بسلامت بیرون امدند و گفتند
الذکه اصحاب الرقیم ایشانند صدق با رسول الله صلعم علیه

والله این همه نتیجه نیت خالص است حکایت آورده اند
که پادشاهی بود که همیشه دلش متعلق بزنان بودی و تفحص
کردی که کجا زن صاحب جمالست و اورا بدست آوردی
کسی پیش وی گفت که فلان امیر زنی صاحب جمال دارد که مثل
وی در جهان نیست پس آن پادشاه شوهر وی را بعملی
فرستاد و در شب بخانه وی رفت و آن زن را میخواست
که بدست فرو گیرد نه دست او در ماند و نه هیچ وجه حاجت
نتوانست کرد در وقت حاجت پادشاه انگشتری در
بود که نام خدای تعالی بران نوشته بود بیرون کرد و در زیر
بالش نهاد زن با خدای تعالی در مناجات بود چون زن
آن حرکت مشاهده کرد نوری در خود بیافت روی بان
پادشاه کرد و گفت الم تعلم بان الله یری آنکس که نامش
بر نگین است بنمایی که میبیند و شرم از حضرت عزت
جل جلاله نداری و از قهر او نمیترسی شاه از این سخن
بگذشت

بگذشت و برود از آنخانه بیرون رفت و از غایت ترس
انگشتری فراموش کرد روز دیگر شوهر زن باز آمد چون
بنشست بالش برداشت انگشتری پادشاه در زیر آن دید
گفت این نشان پادشاه است فی الحال زن را از خانه بیرون فرستاد
و این سخن بسمع پادشاه رسید پدر زن و شوهر زن را پیش
خود خواند و پرسید که به چه سبب زن را از خانه بیرون
کردی مرد گفت ایها الملک خطا کار باشد که در خانه
خود شیر دیدم پادشاه گفت راست میگویی شیر اینجا
آمده و شکار نکرده دل خود فارغ دار و بیت خود با زن
بد مکن که برکت نیت خالص زن تو خدای تعالی توبه
روزی من کرد و بخدای تعالی باز گشتم و بشکرانه آن انگشتری
من حق شما باشد بیاورد هفتصد هزار دینار طلا
بمن بفروش تا بدانی که برکت نیت آن نیک زن پادشاهی
چنان ظالم فاسق توبه نصوح کرد و ایشان غنی و توانگر

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)

شدند ونام ایشان تا قیامت نماند بلی مراد انکه هر که
در راه طریقت قدم نهد باید که کمتر از زنی نباشد
چنانکه یکی از رابعه پرسید که سر رشته این مطلب
کجا بدست اید او بدو بود رابعه گفت که من هفت ساله
و قحطی در بصره دست داد و پدر و مادرم هر دو وفات
کردند و خواهرانم متفرق شدند و مرا رابعه از ان میگفتند
که سه خواهر داشتم و چهارم ایشان من بودم از جهت ان مرا
رابعه نام کردند پس بدست ظالمی افتادم مرا بفروخت بشش
درم و خواجه مرا کار میفرمود روزی بیفتادم و دستم
بشکست روی بر خاک نهادم و گفتم بارخدایا بر من
غریب ضعیف بی مادر و پدر و اسیر گشته رحم
بفرما و از این همه هیچ چیز نمیخواهم الا رضای تو اگر تو
راضی باشی هیچ باک ندارم اوازی شنیدم که غم مخور
ای عاجز که فردا جائی بود ترا که مقربان اسمان تو را نازند
پس بجانه خواجه

پس بجانه خواجه باز امدم و از درن بر دنه بودم شب بان
گرسنگی که بودم بعبادت مشغول شدم در نیمه شب خواجه
از خواب بیدار شد خبری مشاهده کرد و من با حق تعالی این
مناجات میکردم و میگفتم الهی تو دانائی که هوای دل من
در موافقت فرمان تست و روشنائی چشم من در خدمت
تو و تو بر نیت من مطلعی که اگر کار بدست من بودی
از عبادت تو نیاسودمی ولیکن تو مرا بدست مخلوق
اسیر کرده مگر خواجه این مناجات شنیده بود و انچه دیده
بود چه که قندیلی از نور بی سلسله از بالای سر من او یخته
بود و همه خانه از ان روشن بوده روز دیگر مرا بخواند و نواخت
و ازاد کرد پس دستوری خواستم و از انجا بیرون امدم و در
ویرانه شدم که کسی نداشت و بعبادت مشغول شدم
چنانچه در شبی هزار رکعت نماز کردمی وگاه گاهی به مجلس
حسن بصری رفتمی تا عزم سفر حج کردم و در ان راه که

عظیم ظاهر شد وان در تذکرة الاولیا مسطور است ابتدای
احوال او این بود از زمان که بمقام کشف رسید و مشایخ او
از ما استعاذت میکردند یکی با وی گفت تو عورتی برو و در
گوشه بنشین چه کار بکار مردانت داری گفت قال الله تعالی
لا ینظر الی صورکم الی اخر الحدیث یعنی بدرستی که نظر حق
تعالی بر صورت شما و بر مال شما نیست بلکه نظر من بر دلهای
شماست و بنیتهای شما و فرمود که حشر مردمان بر نیات
ایشان خواهد بود و فرمود که دو ثلث دین از جا بر باد
کبر بود پس این تعلق بصورت ندارد اصل نیت است و بر تو
نور ولایت انجا افتد که قصد عنایت باشد و باید که اعتقاد
بر ولایت اولیا ثابت بود و طالب انوار بود که مقصد طالبان
ابتغاء است و چون این دولت میسر شود باید که اظهار
نکند مگر بوقت ضرورت با کسی که محرم در معاملت احوال او
گرهم چنانکه بر نبی فرضست اظهار نبوت و معجزات هم چنین
فرضست

فرضست بر اولیا که کرامات پنهان دارند اما جماعتی
هستند که اطلاع بر دلها دارند که انرا کشف قلوب گویند
و بسیاری از اولیا ازان بوده و چون حق تعالی خواستی آن
ظاهر شد جهة ارشاد مرید و مریدان صادق بید از دل
انرا در یابند و تا از خود فانی نشوند این معانی در
نیابند چنانکه حسن بصری رابعه گفت رغبت داری
تا نکاح کنیم و عقد بندیم رابعه گفت عقد نکاح بر وجود
فرود اید اینجا وجود بر خواسته است و از خود نیست
شده ام و بد و هست شده فصل در بیان احوال
اولیاء خدای تعالی و حقیقت اثبات ولایت ایشان گو بو
ده اند و تا انقراض عالم باشند و مدار عالم برکات
مقدم ایشان باشد و ایشانرا اوتاد میخوانند یعنی
میخهای زمین و حق تعالی در کلام مجید میفرماید ان
الذین قالوا ربنا الله ولا یتوفی الاخرة یعنی

انکسانی که کفتند پروردکار ما الله سبحانه وتع
است پس استقامت بران نمودند و بثبات ثابت
قدم بجای اوردند در وقت رحلت ازاین عالم فرود
ایند بپای بیانانی ملائکه رحمت و با ایشان بکویند
مترسید و اندوه مبرید و بشارت باد شما را به بهشت
عنبر سرشت که وعده داده اند شما را و دوستان شمائیم
هم در حیات دنیا و هم در ممات اخرت و مثل این ایت
در قران مجید بسیار است پس بدان که محبان خدای
تعم بیش او بغایت محبوب اند و از دوستی باشد که
با اولیای خود دارد قصه که بعد از چند سال واقع
خواهد شد بزبان قران با حبیب خود محمد بیان میفر
ماید که بعد از تو قومی میایند مرتد شوند در دین
پس کسی بیرون اید که ما اورا دوست داریم و او ما را
دوست دارد رحیم دل باشد با مومنان و غالب

و درشت

و درشت خوی باشد با کافران و جهاد کند در راه
ما با کافران و نترسد از ملامت هیچ ملامت کننده
کان و این خبر در شان امیر المومنین علی ابن ابی طالب
علیه السلم نازل شده از ایات قران و احادیث حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه واله وسلم که اکر از چند ایت
و حدیث یکی نویسیم کتابی بود پس خود فکر بکن که منزلت
او نزد خدای تعم جل جلاله و نزد حضرت رسالت پناه
چه قدر باشد غرض ازاینسته که در همه کتب احادیث
چیزی نوشته اند دراین کتاب نیز تیمنا و تبرکا از فضیلت
هر یکی شمه نوشته شد چون دراین فصل بیان کرامات
اولیا بود و اول اظهار کرامت اولیا خواهد بود الی یومنا
اول بدانکه فضلی که خدای تعم براین امت کرامت فرموده
بر هیچ امت کرامت نکرده و تا دامن قیامت دراین اولیای
حق باشد و مدار دین بر وجود ایشان بود و خدای تعم

محافظت دین اسلام میفرماید واین معلوم و محقق
است که موسی عم چهل روز از میان قوم بیرون رفت
تا کتاب توریت از حق تعالی بیاورد و پیغمبری چون هرون
عم در میان قوم خلیفه خود کرد چون باز امد قوم همه گو
ساله پرست شده بودند تو عنایت حق جل جلاله مشا
هده در شان این امت که ببرکت معجزات محمد صلی الله
علیه واله وسلم هفتصد و هشتاد سال گذشته از هجرت
که این کمینه این کتاب را تالیف میکند و دین متین هر روز قوی
تر و هیچ فرق فرقه از این دین برنگشتند و عبادة غیر خدای تعالی
نه کردند و نیز عزیمت بر ایمان ثابت دارند چرا که بر دل این
امت نوشته که اولئک کتب فی قلوبهم الایمان چون او نوشته
کسی از محو نتواند کرد در فضیلت این امت قال الله تبارک
وتعالی کنتم خیر امة اخرجت للناس وقال عز من قائل یعنی
هو سماکم المسلمین من قبل یعنی در همه کتب منزل که پیش از

قران شرفه

قران شرفه الله تعالی امده وفی هذا یعنی قران شرفه الله
وقال عز وجل ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا
من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم
سابق بالخیرات باذن الله در ایت اول فرمود که بهترین
همه امم ایشانند و در ایت دویم فرمود که در همه کتب
اسمانی و قران قدیم شرفه الله تعالی نام این امت مسلمانی
مشهور و معروف است و در ایت سیم فرمود که این امت
سه طایفه اند وایشان بی حساب به بهشت روند و ایشانرا
حساب اسان کنند و ظالمان بر نفس خود اند وایشانرا
چندین بدارند که گناهان خود بشناسند ان زمان
ایشانرا به بهشت برند بفضل ورحمت بی منتهای بس
گویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور
شکور یعنی گویند بسیار بزرگ گناهان بزرگ مارا و قبول
کرد انده مارا و سابقان سابق و صادقان ناجی و ظالمان

مغفور و فضیلت این امت خدای تعالی خاص کرده و
بفضل خود که یکی روز جمعه است چنانچه فرمود یهود را
که روزی اختیار کنید شنبه را اختیار کردند و نصاری
یکشنبه را اختیار کردند و جمعه و شب قدر که بهترین شبها
ست این امت را دادند و توبه این امت استغفار کردن
و توبه بنی اسرائیل بود و از فضیلت این امت گفتن انا
لله و انا الیه راجعون است چو مصیبتی برسد و فضل
دیگر آنکه حق تعالی جل جلاله این امت را عطا داده که اد
عونی استجب لکم اما حضرت رسالت پناه فرمود که از
جبرئیل ع پرسیدم از حال این امت خود نزد مرگ ایشان
پس وحی آورد از الله تعالی که بشارت باد ترا ای حبیب من که
بستانم جان امت ترا اول بشارت دهم ایشان را و زودتر
از مؤمنین ببرند او را و بزرگی باشند بر جمیع امتها
و بدرستی که حرام است بهشت بر همه امم تا اول امت

تا انجا

تا انجا فرود آورده م و فرمود رسول الله که اهل بهشت
صد و بیست صف باشند هشتاد صف از امت من باشند
و چهل صف از همه امم و قتاده میگوید که موسی ع گفت
یا رب در این الواح امتی میبینم که در آخر باشند و در قیامت
سابق باشند ایشان را از امت من گردان خدای تعالی جل جلاله
فرمود که این امت محمد است ص دیگر گفت یا رب امتی میبینم
که بهتر از امتها ست که امر بمعروف و نهی از منکر کنند
ایشان را از امت من گردان حق جل جلاله فرمود که این
امت احمد است ص و مثل این بسیار میگفت و جواب
می آمد که این از امت محمد است لعن گفت بار خدایا مرا
از امت محمد گردان پس شکر این نعمت واجب و لازم بود
الحمد لله حمدا یوافی نعمه و یکافی مزیده اول کرامت بعضی
از اولیاء علیهم السلام اول حضرت امیر المؤمنین علی
ابن ابی طالب ع کرامت خود اظهر من الشمس است

است همچون که آفتاب همه آفاق را منور گردانیده
نور ولایت او دلهای عارفان این است را منور گردانیده
است چنانکه همه اولیا و علما و ائمه عالم اقتدا باو و فرزندان
کرده اند و در ارشاد بر عالمیان گشاده اند و همه بجناب
او منتهی میشود و حکمت خدای تعالی این اقتضا کرده بود
که دعوت رسول الله ص در آخر بود و تا انقراض عالم دعوت او بود
و فرموده ما کان محمد ابا احد من رجالکم الآیة پس او را ختم
اولیا گردانیده تا بعد از وی همه اهل ایمان در بیعت او باشند
و پیشوا امت باشد و از جمله ولایت یکی این بود که در روز خیبر
همه صحابه بنوبت هر روز بجنگ رفتند و آن فتح میسر نمیشد
پس حضرت رسول فرمود که فردا علم را بکسی دهم که خدا و رسول
او را دوست دارند و او خدا و رسول را دوست دارد و این
قلعه را فتح کند بامداد علی را طلب کرد و گفتند او را درد
چشمی عظیم هست پس حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام
حاضر

حاضر شد و حضرت رسالت پناه آب دهان مبارک
در چشم او کرد فی الحال شفا یافت علم را برگرفت و روی علم را ص
بدان حصار نهاد و در اثنای حرب سنگی بر سپر او زدند سپرش
از دست بیفتاد برفت و در قلعه را بر کند و سپر ساخت
تا آن قلعه را بگرفت و یک قول است که سوره انا فتحنا
در حد فتح خیبر فرود آمد و آورده اند که او را در شبی که زخم
زدند نان و قوت آن روز جهت آن بدبخت شوم میفرستاد
یعنی ابن ملجم ملعون چون بدو داد و برفت فرمود که ما
آن کسیم که عطا بر کشنده خود میدهیم بعد از آن این معلوم
کردند نقل است که دو تن از صحابه از پیش حضرت رسالت
پناه بیرون آمدند و شبی بغایت تاریک بود هر یک را
عصائی در دست بود ناگاه نوری از هر دو عصا
ظاهر شد پس بروشنائی میرفتند چون
بدو راه رسیدند و بر هر یک براهی برفتند هر یکرا

نور خود همراه بود تا بخانه رفتند و بدان که کرامات
صحابه پیدا است و اگر بدان مشغول شویم کتاب
مطول گردد و غرض ذکر ایشان بود تا زیادتی فضیلت
این کتاب باشد باز آمدیم بسخنی که تعلق بدین باب
دارد که نیت عمل دست و ارباب دلرا چه حالات بود
حکایت از یکی از علما بزرگوار که استاد ائمه احادیث بود
این نقل بما رسیده که در شهر تبریز خواجه بود و او را
خواجه خواجگان گفتندی و از جمله زاهدان و متقیان
آن عهد بود و حق تعالی در نعمت ظاهر و باطن بروی گشاده
بود چنانچه انواع نعمت داشت حلال و پاک و دایم
بشکران قیام مینمود و از هر نوع زکوة بمستحقان
میرسانید و بغیر از آن درویشان را بنواختی و شب و روز
خانه او از اولیا حق خالی نبودی و همه ساعت عمر خود صرف
طاعت کردی و اهل غیب گاه گاهی بروی ظاهر شدندی
و بصحبت

و بصحبت ایشان مشرف گشتی بعد مدتی درویشی آمد و گفت
در سر هفت تن دیدم و مرا گفتند چون بشهر تبریز رسی خواجه
خواجگانرا بگوی که این بار هفت گانه در سر خاب در فلانه
موضع انتظار تو میکشند بدست خود دیگچه پلاوی
بپزد و خود برگیرد و بیاورد پس خواجه خواجگان بخانه رفت
و بکار سازی آن مشغول شد چنانکه هیچ غلام و کنیزک را
با خود شریک نکرد تا تمام شد آن دیگ را با کاسه و کفچه
و سفره و سبزی در هم بست و بر سر خود نهاد و بدان
مقام برد و ایشانرا دید سلام کرد و بنهاد و بادب
سفره بگشاد و طعام بر کشید و پیش ایشان نهاد ایشان
بسم الله گفتند و چیزی میخوردند و خواجه از دور بادب
ایستاده بود تا که در دل خواجه این معنی بگذشت که خوش
رهبریست که حق تعالی بمن داده تا این خدمت این صاحبان
دوستان میکنم چون این در دل خواجه گذشت ایشان

فی الحال دست باز گرفتند و نظر بنوعی دیگر کردند
پس گفتند برگیر و پیش اسگ بر که ما نمیخواهیم او بترسید
اما خلاف حکم ایشان نمیتوانست خواجه طعام برگرفت
و بغایت طول گشت و منفعل شد هر چند فکر میکردم
که مگر شبهه ندید با خود گفت مگو این از نیت نشست
پس در دل توبه کرد و از آنچه در خاطرش پدید آمد در حال
تبسمی کردند و گفتند این زمان بیا و ما بخوریم چون
خود را در میان افکندی بدانی که ما از آن نخوریم پس
خواجه سر برهنه کرد و در پای ما چان با پیش ایشان اورا
عفو کردند تا بدانی که حق تعالی بنده چند دارد که بعالم
مکاشفات رسیده اند چنانچه بر دلهای مشرف اند
از پیشهای ایشان سید آنکه عالم السر والخفیات است
که سری که هنوز در دل بنده نیامده میدانند و بر شانه
روزی سیصد و شصت نظر بر دل بنده مؤمن میکند
ضرور است

ضرور است نیت و عزیمت خود را از همه کدورات صافی کرداند
تا همه احوال او آراسته و شایسته آن حضرت باشد همین بزرگ
دین فرموده که برسیدم بشهداد در ویل روزی بعزم
زیارت بیرون رفتم و مشایخ اندیار را زیارت میکردم
جائی بدو قبر رسیدم هر دو بهم متصل از ارواح ایشان
فیض عظیم بمن رسید از بزرگان آن شهر سوال کردم از حال
آن شهر و از حال آن دو قبر گفتند این دو تن یکی پیری بود
آهنگر روزی یکی مغفول صحرانشین پیش وی آمد و گفت
آهنی که زمین بدان شخم میکنند میخواهم که از برای من
بسازی پیر گفت کاری دارم بگذار چون بازآئی تمام شده
باشد بستان و برو آمرد برفت و کاری که داشت بگذارد
باز آمد پیر آهنگر از ساخته بود گفت مردان وعده
خلاف نکنند گفت معذورم صبر کن پیر دست در میان
آتش برد و پاره آهن سرخ بیرون آورد و دو سه مشت

بدان نزد وی راست کرد و گفت صبر کن تا سرد شود و تو
نیز گیر پیر معقول مردی بود صاحب کمال در ولایت ازبیر
بزیجیر و دکان وی در کنار رودخانه بود پیر بزبان ترکی
اشارت کرد بدکان آهنگر که برو و دکان با الات و هر که
دران بود روان شد و در میان آب خواست رفت که غرق
شود پیر آهنگر در قدم وی افتاد و بوسه بر پای معقول
میداد که بد کردم و توبه کردم پس رحم کرد و اشارت کرد
و دکان باز بجای خود رفت بعد از ان گفت که یعنی بکن
که هرگز دیگران حرکت نکنی و بدین مقام راضی نشوی ای
بیچاره در راه طریقت این مثال حیض زنانست تو از
در بازآ و میفروشی پیر آهنگر بدست وی توبه کرد و نیت
کرد که دیگر مثل این حرکت نکند پس میان ایشان عقد برادری
به پیوست و گاه گاهی بهم رسیدندی و صحبت داشتند
و پیر آهنگر نیز بمنزل وی رفتی و صحبت از او فرا گرفتی

والتماس کردی

والتماس کردی که میخواهم که ملازم تو باشم پیر معقول گفتی
که تو بکاری مشغول باشی و لقمه حلال کسب میکن تا من
پیش تو آیم روزی پیر معقول بیامد و گفت هر معامله
که با کسی داری آخر کن که نیت سفر دارم تا با هم باشیم
پیر آهنگر هر حسابی که با کسی داشت آخر کرد و با یکدیگر اندرون
امدند و مردم تعجب میکردند پس آمد پیر آهنگر را گفت
من بسفر آخرت میروم او گفت من نیز موافقت با تو میکنم
با تو در این سفر پس معقول کلمه شهادت بگفت و روح تسلیم
کرد پیر آهنگر او نیز بگفت و روح تسلیم کرد و جمعی مشاهده
احوال ایشان میکردند پس مشایخ ان عهد جمع شدند
و هر دو را انجا دفن کردند رحمة الله علیهما این زمان
هر کس که انجا رود بالبشر فیضی از ارواح ایشان بیابد تا ابدا
که هر کس که بجائی رسید به نیت خالص رسیده است و از
عقیده نیت کشادها یافته والله اعلم بالصواب مرد عاقل

میباید که حدیث احسان نصب العین خود سازد و ظاهر
و باطن خود را با رب خود صافی بداند که بیک لحظه از نظر حق
تعالی غایب نداند و اعمال و اقوال او موافق واقع باشد
پس مرد عاقل دایم میباید که باز حلال خود افتد و نیت
خود را خالص کرداند و از شر شیطان لعین رجیم در پناه حق
تعالی رود که هر چند که از بعثت رسول الله صلعم میگذرد وسوسه
شیطان بیشتر میشود نقل است که شیخ ابی عبد الله ابن الخفیف
رحمه الله بیشتر نماز در جامع عتیق گذاردی شبی بگاه عزم مسجد
کرد در راه زنی را دید افتاده و بر پیراهن را استه شیخ چون
او را بدید اندیشه کرد که این زمان مرا واجب شد محافظت
او کردن مبادا از جنهای او را ببندند در گوشه رفت و بنماز
مشغول شد تا که زن از خواب در آمد و از بکنیزان خود
نزد پنداشت که در ... خود است شیخ فرمود که اینجا میبا
راه است برخیز و بخانه رو زن با خود آمد برخواست
و براه خانه

١٠٩

و براه خانه خود رفت و شیخ بمسجد رفت و چهل سال
بر این بگذشت شبی این معنی در خاطر شیخ بگذشت
که چهل سال شد تا من آن زن را دیدم و کس نداست اگر
از وخطا در نفس بستدی همان بودی چون این وسوسه
شیخ باز دید شد فریاد بر آورد و بر سر میزد و گریه بسیار
بگریید و میگفت وای بر ابن خفیف تا چه کرده است
که شیطان چنین فرصت یافته است که بعد از چهل سال
این وسوسه در خاطر من میاید در اینحالت بخواب شد
حضرت رسالت پناه را در خواب دید فرمود که غم مخور و اندوه
مبر که تو از اولیا حضرت عزتی و حق تعالی با تو نظر عنایت دارد
اما این روا است که از بعثت من چهل سال دور شده است
و هر چند از بعثت دورتر شود ابلیس لعنت الله بر مردمان
بیشتر مستولی شود پس حال این مسکینان که ماییم چون
باشد که در آخر الزمان گرفتاریم حق سبحانه و تعالی

توفیق رفیق ما کرداند تا ایمان ما بسلامت باخرت بریم
انشاء الله تعالی حکایت این فصل مشتمل است بر حکایتی
چند که شیخ ابو اللیث رح در کتاب تنبیه الغافلین اورده
و بعضی اخبار هم باب بیان تا اهل ایمان و معرفت در ان تامل
کنند و این قصها حصه بردارند باشد که از این غفلت باز ایند
در تنبیه الغافلین اورده که مردی از مردان راه دین و مبارزی
از مبارزان صاحب یقین بود زن صالحه داشت و چند طفل
خورد سال و سعی کردی و از حلال چیزی بدست اوردی
و رعایت اهل و عیال کردی و یک نفس از یاد حق تعالی و طاعت
او خالی نشدی و کار وی ان بودی که یک دکان سبدی
بر سر نهادی و چیزی در ان بودی و بکوچه ها رفتی و طواف
کردی تا اندک معاشی بدست اوردی چون یک سال از بعد از
ان در خلوت بطاعت پرداختی و نور صلاحیت بر چهره
او تابان بودی روزی در کوچه کنیزکی او را بخانه برد تا

چیزی خرد

چیزی خرد چون خویشتن خانه نقل بروی افتاد شیفته
وی شد و بجمال و حال او عاشق گشت کنیزک گفت تا
کالای وی برابر گرفت و در اندرون برد ان جوان گفت
کالای من باز دهید تا از پی معاش بروم که اهل و عیالم
منتظرند کنیزک گفت چه جای این سخن است بدانکه خا
تون من که سر بپادشاهان فرو نمی آورد بتو نظر ای دارد
و با تو صحبت و خلوت خواهد کرد و چندان مال و نعمت
ترا بدهد که دیگر محتاج این شغل نباشی و همه عمر در مال
و نعمت بسر بری ان جوان بغایت متحیر شد ناگاه جمیع
کنیزان صاحب خانه امدند و او را در حجره بردند نظر کرد
دید تختی در غایت تجمل و زنی بر ان نشسته در غایت
جمال و خانه را چنان معطر ساخته که بیم بود که بیهوش
شود ناگاه کنیزی امد و دستی جامه اورد در غایت تکلف
گفت اینرا در پوش و بر سر ان تخت رو و از بخت خود کامی

بردار آنمرد مردانه در دل با خدای تعالی راز میگفت
و نیت خود بران گماشته بود که اگر او را پاره پاره کنند
دست بران زن نزند از ترس خدای تعالی پس توکل
و توجهی تمام بکرد پس با ایشان گفت من مردی دست
و پای چرک آلوده ام آبی دهید تا الطافتی حاصل کنم بعد از
ان جامه در پوشم خاتون را ازین سخن خوش آمد محبت
او یکی بجد امر شد کنیزی افتابه اب اورد و او برگرفت و راه
بام طلب کرد او را نمودند در راه نردبانی نفس با وی در
سخن امد و گفت توان کرد چون افتاده چاره نیست بهر حال
امشب با او بسر بر بعد ازان توبه کن حق جل جلاله میبیند
که تو گرفتاری و باین راضی نیستی در این اندیشه بود تا ببام
خانه بر امد او از ندای الله اکبر خفتن شنید گریه بر وی دست
داد با نفس خود ای همه ابلیس میدهی تا ناکنم گیرم که توبه
کردم با شرم ساری حضرت الله تعالی چکنم والله که چنان نیت

جزم کرده

جزم کرده ام که ترا هلاک کنم وازین وسوسه توبه هم پس گرد بام
بگشت و از هیچ طرف راه گریز ندید که قصری بود معلق
سر بعیوق کشیده با خود فکری کرد که خود را ازین بام پرتاب
کنم تا کجا افتم و جان بچه رسد به ازانکه معصیت کنم پیش از
هلاک چیزی دیگر نخواهد بود پس نفس خود را نیت قربان
حق تعالی کرد خود را پرتاب کرد خدای تعالی ملکی را فرمود که بنده
خاص مرا دریاب ان ملک بفرمان خدای تعالی او را بگرفت و بر زمین
نشاند چنانچه هیچ المی بوی نرسید انمرد برخواست و بمسجد
میرفت و نماز خفتن بگذارد بجماعت و بخانه رفت اهل
و عیال او همه گرسنه و همه منتظر او بودند گفت طفلان همه
گرسنه اند چیزی با تو نیست گفت چکنم مرا امروز چیزی بدست
نیامده بهر حال ان طفلان را در کن تا حق تعالی دری بگشاید
ان نیک زن رفت و اتش در تنور کرد و طفلان را گفت شما
بخسبید که نان از برای شما خواهم پخت طفلان بخفتند زن

زن نیز بخفت امرد در کوشه بطاعت مشغول شد که از
همسایه زنی امد و اتش طلب کرد زن گفت برو خود بر گیر ان
زن بسر تنور رفت دید همه تنور پر از نان سفید لطیف است
و بر
گفت ای زن این همه نان در تنور کرده و خفته زن برخواست
سر تنور امد نان بسیار دید همه را برگرفت و پیش شوهر اورد
پیش
شوهر سجده شکر بگذارد زن گفت که هیچ شک ندارم که تو
پیش ما
خدای تعالی جل جلاله ابروئی داری دعا کن تا حق تعالی در رزق
بگشاید و از این فقر و نامرادی برهیم مرد گفت که صبر کن زن
وضوی
الحاح کرد مرد گفت برو تا هنگام دعا برسد من دعا کنم پس
تازه کرد و در نماز ایستاده تا ثلث اخر شب که هنگام اجابت
دعاست که در حدیث صحیح امده که حق تعالی جل جلاله هر شب
گونه
در بودن تا اخر شب نزول میفرماید باسمان دنیا چون دیحه
و میفرماید که هل من سائل هل من تائب هل من مستغفر
یعنی هیچ خواهنده هست هیچ توبه کننده هست هیچ امرزش
خواهنده

خواهنده هست پس هر دل زنده که در این ساعت دعائی
کند البته محل اجابت رسد امرد دعا کرد و گفت بار خدایا این
ضعیف دلان را چیزی ده تا انشان از زمان هستی بود مرا
در طاعت حضوری باشد هنوز در دعا بود که دستی از زمین
برامد و پاره لعل چهار سوی شفاف بوی داد که همه خانه نور ان
بگرفت حمد حق سبحانه و تعالی بجای اورد پای بزن زد زن بیدار
شد و گفت چه کردی ای مرد که مرا بیدار کردی من خوابی خوش
میدیدم مرد گفت چه دیدی گفت دیدم که در بهشت مرا میگردا
نیدند و بجائی رسیدم که از انجا خوشتر ندیدم گفتم اینجای
کیست گفتند اینجای تو و شوهر تست و تختی دیدم زده بدر
و جواهر مرصع من در ان حیران بودم که از پیشگاه تخت سوراخی
[illegible] پرسیدم که این تخت را چرا ناقص کرده اند گفتند
همین تخت از ان شماست شوهرت از این جا چیزی طلب
کرد لعل چهار سو از اینجا بر کندیم و بدو دادیم تا در دنیا بخرج

شما کند در این سخن بودیم که تو مرا ببد اکودهی مرد گفت
نظر کن مگو این لعل باشد زن نظر کرد ان لعل را دید گفت
ای زن نعمان امیرد این کلابو همان جای است ما از سر این نعمت فانی
گذشتیم که اگر تو نیز از ان شمه میدیدی هرگز به نعمت این جهان
التفات نمیکردی پس مرد دعا کرد و گفت بار خدایا اینرا باز
بجای خود بر در حال ان لعل از دست وی غایب شد و حق تعالی
معنبر وحی روزی ایشان از حلال میرسانید که چون او در
نیت و اخلاص با حضرت عزت جل جلاله راست بود و از ترس
او از ان تخت ابلیس اجتناب کرد و ترک لذت این جهان کرد حق
سبحانه و تعالی تحفی ایشان کرامت فرمود بیت این جهانی
ترک کن تا چون گذشتی زین جهان این جهانی کو نباشد
ان جهانی باشدت اکنون از این قصه چند چیز معلوم میشود
اوله بنده نیکو که مرد را از بیراه براه راست میاورد دیگر
بکرامت تقوی و پرهیزکاری است که شخص را بسعادت ابدی
میرساند

میرساند دیگر انکه هر چند که در دنیا نعمت بیشتر بود
در اخرت درویش تر بود از این است که انبیاء و اولیا همه فقر
و درویشی و نامرادی در دنیا اختیار کرده اند تا بدان دولتهای
ان جهان رسیده اند دیگر انکه صبر کردن در طاعت و مخالفت
با نفس حق سبحانه و تعالی جل جلاله بجلال کرم بهشت باقی ابدی
کرامت میفرماید بعوض بیت ابدی کتاب تنبیه الغافلین این
حقیر مسطور است که روزی جبرئیل علیه السلام بحضرت رسول
الله امد چون ادای وحی بکرد گفت یا رسول الله مردی از بنی
اسرائیل حق تعالی بر سر کوهی او را جای داده که همه طوفان دریا
بود و پانصد سال عمر بیافت و هیچ افریده فراهم او
نمیشد و همه عمر صرف عبادت و طاعت کرد و چشمه اب و یکدرخت
انار دران کوه افریده بود و هر روز یک انار از ان درخت
قسمت او بوده از ان اب میخورد و غسل و وضو میکرد و مستجاب
الدعوت بود تا عمرش باخر رسید دعا کرد که پیش از مرا جزده

حق تعالی یک روز پیشتر او را خبر کرد ان روز طاعت از سر حدی
تمام بجای آورد پس گفت بار خدایا روح من در سجود قبض کن
و ملک الموت را گفت زمین در من تصرف کند چون اسرافیل در صور
دمد من از سجود برخیزم و در عرصات حاضر شوم خدای تعالی
اجابت فرمود و این زمان هم چنان در سجود است حضرت
رسالت پناه فرمود که برادرم جبرئیل حق تعالی با او چه معامله فرموده
گفت چون روح او در حضرت عزت جل جلاله حاضر کردند حق
سبحانه و تعالی فرمود که برو بفضل ما در بهشت زاهد گفت
پس جزای پانصد ساله طاعت من کجا رفت حق سبحانه و تعالی ملائکه را
گفت حساب کنید عمل بنده را ملائکه حساب کردند
پانصد ساله طاعت او در مقابل آن چشمه آب و درخت
انار نبود او خجالت در پیش افکند حق سبحانه و تعالی
فرمود که ای بنده من این خود نعمت ظاهر است که در حق تو
بود این ارکان و جوارح که عبادت بدان کردی و این عقل
و فهم

و فهم و معرفت که بتو دادم و هدایت شناخت من که
خداوندم و توفیق عبادت تو خود شکر نعمت نکردی
و هر چه از ما خواستی بتو دادیم این طاعت بکدام نعمت
مقابلی میکند پس فرمان آمد که او را جانب دوزخ برید
چون نظرش بر دوزخ افتاد و هول و سختی آن مشاهده
کرد خود را و طاعت خود را بکلی فراموش کرد و در تضرع
آمد حق سبحانه و تعالی فرمود تا ویرا باز گردانید گفت
ای بنده معامله ما با دل است و نظر ما بر نیت بندگان
است در اول امر که هیچ طاعت نکرده بودی نیت و عزیمت
تو بر آن بود که ابد الاباد هرگز از ما بر نگردی و عبادت
غیر ما نکنی ما بهشت ابد نامزد تو کردیم چون نظر
بطاعت خود کردی ما طاعت ترا بتو باز نمودیم این زمان
که نفس تو نیستی دیدیم ترا برحمت خود بخشیدیم در
ازای نیت اول و عجز را در نیت آخر پس دانستی که بهشت

[وقف ... آستان قدس ...]

جاویدعوض بنت جاویداست وعمل در دنیا پیداست
که چنداست ودنیا باخر رسد واخرت باقی خواهد بود
پس نظر عجب در عمل بر خلل چند روزه نشاید کرد که اگر
وعده بهشت نبودی وترس دوزخ این بنده را بندگی با[یستی]
کرد پس از این خبر چند چیز معلوم شد اول انکه بنت را [خالص]
باید کرد دویم انکه بطاعت مغرور نباید شد سیم انکه بی
نیازی حق سبحانه وتعالی بداند وبعجز ومسکنت وبیچار[گی]
پیش اید واز دیده اب حسرت وسوز سینه واقعی دارد [چنانکه]
یکی از شعرا که سخنان وی بر وفق حکمت بود چون [اجلش]
رسید اخر سخن ان این بیت بگفت ⁂ پادشاها [رشته]
در گردن خود کرده ام ⁂ بنده در بندگی پادشاه اورده ام
⁂ چار چیز اورده ام یارب که در ملک تو نیست ⁂ نیستی
وحاجت وعجز گناه اورده ام ⁂ بعد از وفات او [ب]خوا[ب]
دیدند پرسیدند که خدای با تو چه کرد گفت که حق سبحانه

وتعالی مرا بدین

وتعالی مرا بدین بیت بخشید پس بندگی میباید کرد
واز قهر او ترسید وامید برحمت او باید داشت که او رحیم
است لطف انرا که بخواند که تواند که براند تو کی املاک تو
بخشی که از او باز ستاند ⁂ ناره موئی کوت از طره بت نجا[ت]
فرستی ⁂ گبر زنار ضلالت ز میان در سلاند ⁂ تا
هدایت نبود سعی کسی سود ندارد ⁂ بنده عاجز بیچاره
خود این راه ندارد ⁂ اِی بسا رَهْ رُو مَرْدانِه که در راه بماند
⁂ در بیابان طلب کعبه مقصود نیابد ⁂ با مغیلان بلا
هر که تحمل نتواند ⁂ که زِ کل زادِ عنایت بوزد نفحهِ لُطفش
⁂ از دِلِ خاره کافر گلِ ایمان بدماند ⁂ ای چنین انکس [از]
این عرصه برد گوی سعادت ⁂ کز جهان مرکب ایمان بسلا
مت بجهاند ⁂ این حکایت در بیان انست که طالب را
بی شیخ مرشد کامل بجائی نرسد واگر بی پیر راه بر قدم
نهد البته راه گم کند چرا که افت در این راه بسیار است

وشناختن ان دشوار است پس باید مرشد کسی
باشد که بر ظاهر و باطن مرید مشرف بود و اورا از افات
نکه دارد و از عقوبات بکذراند که هلاک نشود حکایت
میکنند که چند نفر از خانه بیرون امدند و پیش شیخ حا
ضر شدند شیخ تفحص حال ایشان میکرد و ایشان بیان
احوال خود میکردند که از عالم غیب بر دل ایشان متجلی شده
بود شیخ از عالم مکاشفات نظر بر دل ایشان کرد اندک
عجبی در نفس ایشان بیافت از این حال متحیر شد و متفکر
که هر یکرا از این مهلکه بیرون اورد در دل با خدای تعالی
مناجات کرد و کفت بار خدایا هر یکی از ایشان مرشد عالمی
باشند از نور متابعت سید المرسلین صلی الله علیه واله
وسلم پرتوی در دل ایشان افکن و ایشانرا ضایع
مکذار بعد از مناجات زمانی در فکر شد تا از عالم معنی
چه روی نماید بعد از زمانی برخواست و بیرون رفت
ویاران

ویاران در عقب شیخ میرفتند چون پاره راه برفت خبر بهلول
از ایشان پرسید کفتند او دیوانه است فرمود که او را طلب
کنید که مرا با او کاری هست تفحص کردند و او را در ویرانه یافتند
شیخ را پیش او بردند نظر کرد خشتی در زیر سر نهاده
و خفته در مقام حیرت مانده شیخ زمانی توقف کرد تا ان
حال باز امد سلام کرد بهلول کفت علیک السلام چه کسی
فرمود جنید کفت چه کس باشد کفت ابو القاسم بغدادی کفت
ای توئی شیخ بغدادی که ارشاد خلق میکنی کفت بلی کفت
نان خوردن میدانی کفت ای بهلول کفت چه کونه میخوری
بکو کفت اول بسم الله میکویم و از پیش خود میخورم و لقمه
کوچک بر میدارم و نظر بلقمه دیکران نمیکنم و در طرف راست
میخایم و در خوردن از یاد حق تعالی غافل نمیباشم و در هر
لقمه بسم الله و الحمد لله میکویم و در اول و اخر دست میشویم
و نصیب خود بدیکران میکذارم پس همه اداب و سنت بیان

کرد بهلول برخواست و دامن بر شیخ افشاند و
تو هر شد طلق باشی و نان خوردن ندانی وازان ویرانه بدر
رفت شیخ از عقب وی برفت مریدان کفتند یا شیخ
او دیوانه است شیخ فرمود که مارا باوی کاریست بهلول در
ویرانه دیکر رفت شیخ از عقب نیز بانجا رفت و پیش وی بر
نشست کفت چه کسی کفت جنید کفت شیخ بغدادی که نان
خوردن نمیداند کفت بلی کفت سخن کفتن میدانی کفت بلی
کفت چون سخن میکوئی فرمود که در وقت حاجت میکویم
و بقدر فهم مستمعان میکویم و دقایق علوم در ظاهر
و باطن ان رعایت میکنم پس هر چه تعلق باداب کلام داشت
بیان کرد بهلول کفت چه جای نان خوردن که سخن کفتن نیز
نمیدانی و برخواست و دامن بر شیخ فشاند و برفت مر
یدان کفتند که این دیوانه است شیخ فرمود که مارا با او کا
د از عقب وی برفت دیکر او را دریافت کفت چه میطلبی از

من کفت

من کفت چون نان خوردن نمیدانی و سخن کفتن نمیدانی
باری خواب کردن میدانی کفت بلی کفت چون خواب میکنی
فرمود چون از نماز شب فارغ شدم و در دعائی که از
حضرت پیغمبر ص بمارسیده همه را بجای میاورم چنانچه سخن
من الدعاست که حضرت رسالت پناه خوانده و بخواب رفتند
کفت دانستم که خواب نیز نمیدانی و قصد کرد که برود شیخ
دامنش بکرفت و کفت تو که میدانی مرا بیاموز کفت تا تو دعوی
دانائی میکردی از تو اعراض میکردم این زمان که بنادانی
معترف شدی ترا بیاموزم بدانکه نان خوردن انها که تو
کفتی همه فرع است اصل نکفتی اصل انست که حلال بود
که اکر حرام بود و هزار چندان ادب رعایت کنی سبب وبالی
بود شیخ کفت جزاک الله خیرا و بدانکه سخن کفتن باید که
نیت خدا برا کوئی بهر عبادت که باشد کوش باش که اکر
از بهر غرضی باشد بهر وضع که کوئی سبب حسرت بود

دیدانکه خواب کردن اینها اگر کفتی همه نیکوست اما اصل
انست که در دل تو کینه هیچ مسلمانی نباشد شیخ دست
بهلول بوسه داد و برفت مریدان چون ان حالت مشاهده
کردند خود و عمل خود را هیچ مقدار ندانستند و ان نخوت
بکلی از نفس ایشان بدر رفت چون بخلوت باز رفتند
کار از سر کرفتند شیخ رحمة الله علیه چون رنج ایشان
بچشم معنی دید ارادات ایشان ابدانست و بدان طریق
فرمود برکت نیت شیخ انفصله از دل ایشان برخاست
غرض انکه عجب خصلتی بداست و بنده را از اوج درجات
باسفل درکات میرساند همچون ابلیس علیه اللعنه اکنون
از این نقل مارا چندین دقیقه معلوم شد اول انکه سالک
راه بی شیخ و مرشد بجائی نمیرسند دویم عجب در همه طاعات
مذموم است سیم انکه شیخ باید که نیت و احوال مرید داند
تا مداوا می تواند کرد چهارم انکه اگر کسی را فهمی بود

ادب خوردن

۱۱۸

ادب خوردن و سخن گفتن او از مرشد چنین بیاموزد
بیم و انکه از اموختن ننگ ندارد چنانکه شیخ جنید بغدادی
پیش بهلول رفت تا بیاموزد ششم انکه بچشم حقارت
و عجب در کس ننکرد چنانکه مریدان شیخ جنید بهلول را
دیوانه میخواندند هفتم انکه مرید باید که مطیع امور پیر باشد
ظاهر و باطن محمدی و مسائل تقسیم باشد که او را امری نفرماید
او هیچ نباشد و حقیقت محض و معرفت و صواب بود و در این
باب رمزی بگوییم که در کتاب بغیة المرتاح اورده اند که
تاجر بغایت صالح پیش یکی از مشایخ نامدار رفت و توبه
کرد و قدم در راه درویشی نهاد شیخ او را بخلوت فرستاد
چون چند ایام بعین گذشت شبی اینخو چیزی عجبی روی نمود
روز دیگر شیخ او را طلب کرد و بنور ولایت اثر در نفس
او مشاهده کرد فرمود که از مال حلال چیزی داری گفت
دارم فرمود که برو و بعضی از ان بردار و یک مشک خمر

از ان محله که مبدانی بخز و در پشت حمال کن و همراه خود
کن و بفلان محلت رو و چهار زن خوب روی فاحشه را
اجرت ده و با خود بیاور در فلان کوشه مقرر دار تا امشب
بگویم که چه باید کرد خواجه متحیر شد امتثال امر شیخ میبایست
کرد برفت و زری چند بر گرفت و بخرابات رفت و یک مشک
خمر بخرید و حمال در پشت کرد و در عقب خواجه میرفت تا بدان
موضع رفت و چهار فاحشه مطربه را اجرت بداد و با خود
همراه کرد و در میان شهر میگذشت و مردم بر وی میخندید
ند تا بیاورد و در جائی بنهاد و زنان را جائی که شیخ فرموده
بود بنشاند و پیش شیخ آمد و گفت آنچه فرموده بودی کردم
و فرموده بود که برو و سوزان و طعام نیکو پیش انداز نان بر
تا بخورند قضاء الله نعم شب جمعه بود شیخ چون از نماز خفتن
فارغ شد برخواست و پیش آن زنان رفت و گفت
امشب ما اجرت ها ئید گفتند بلی فرمود که توقع دارم
که امشب غسل

که امشب غسل کنید و نماز حفظ نگذارید و شام و یسین
و یلسین و صبح را قضا کنید و خوش بخوابید ایشان عظیم
خرم کردند و برخواستند و غسل کردند و بنماز مشغول شدند
و شیخ فرمود که تا کوی کندند و آن خمر در آن کو ریخت و خاک بر سر آن
کرد خواجه را طاقت نماند گفت یا شیخ چون این خمر بریختی و
زنان را بطاعت فرمودی این رسوائی که بر من رفت چه بود
شیخ فرمود که کسی با وقت تو افتاد گفت بلی همه خلق

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين وسلام على
عباده الذين اصطفى اما بعد بدان ای عزیز ایقظنا الله و
وایاکم عن سِنَة الغفلة بتوفیقه واوصلنا ریاض معارف
الدینیة والصفاتیة بتعریفه ورزقنا ملازمة اداب
العبودیة بمنه   اول چیزی که بر بنده واجبست
معرفت پروردگار است که شناختن ان اساس عرفان
و موانع عصیان است واهمال ان تاریکی دل وجان و نقصان
اسلام وایمان واصل این معرفت انست که بداند که افریدکار
زمین واسمان یکی است که ویرا انباز نیست ویگانه
ایست که ویرا همتا نیست وهمیشه بود که هستی اورا
اول نیست وهمیشه باشد که وجود اورا اخر نیست واجب
الوجود است که نیستی را بوی راه نیست قایم بذات خود است

که ویرا هیچ

که ویرا هیچ کس نیاز نیست و هیچ کس و هیچ چیز از وی
بی نیاز نیست واو جوهر نیست وعرض نیست ویرا در هیچ
جای فرود امدن نیست وبر جای است وبی او جائی نیست
واورا صورت نیست وهیچ چیز مانند وی نیست و چندی
و چونی و چه گونگی را بجناب قدس او راه نیست و هرچه از
کمیت در ظاهر بگذرد واز کیفیت در خیال اید حضرت صمدیت
ازان مبرا است ومنزه وعالم وهرچه درو است زیر عرش
است وعرش زیر قدرت وی است واو بقدرة و عظمت
فوق عرش است وعرش وغیر عرش همه را بر داشته لطف
وقدرة وی اند هم چنانچه ذات متعال او در ازل الازال بود
تغیر وکاهش ونقص درو نیست ونقصان را بصفات او راه نیست
و بیچون و بیچگونه دانستن ذات مقدس او درین جهان
مقتضای بی چون وچگونه و بر هرچه خواسته قادر است و حکم
وقدرت او بر همه اشیا جاریست وعجز ونقصان بذات او راه نیست

و عرش و فرش و هر چه در اوست همه در قبضه او مسخر و مقهور
اند و علم او بهمه عالم و اشیا محیط است و از عرش تا ثری
همه چیز بیدانش او نیست بلکه ذرات هوا و قطرات دریا
و برگ درختان و ریگ بیابان و انفاس جانوران در علم وی
همچنان روشن و هویداست که عدد انگشتان بهر نسبت
کس و هر چه بود و هست و خواهد بود از اندک و بسیار
و وزن و شمار و نفع و حرمان و عطا و سود و زیان
و فقر و غنا و لذت و عنا و رنج و راحت در دست او است و
و از نیت و حکم او بیرون نیست و هر چه خواهد باشد و هر چه
نخواهد نباشد تا ایمان تو بر کمال او ترا حاصل شود از این
حدیث صحیح معلوم میشود که کمال ایمان نیز تعلق به نیت
میدارد و جای آن دلست والله تعالی اسرار دلها میداند و این
محض نیت باشد والله تعالی حاضر است بر اسراری که در نفس
تو پیدا خواهد شد والله تعالی میفرماید که ربکم اعلم

بمانی

بما فی نفوسکم یعنی پروردگار شما میداند آنچه در نفسهای
شماست اگر صلاح است جزای آن بشما عاید میشود و اگر
فساد است سزای آن هم شما را خواهد بود پس باید که در همه
احوال حاضر دل خود باشی تا جمله حرکات و سکنات تو بی نیت
نباشد و اصل همه سعادت و شقاوه به نیت بر میگردد
خواه در طاعت و خواه در معصیت بر جمیع حرکات و سکنات
در خوردن و پوشیدن و در عبادات و زراعات و شهوات و هوا
وقت و مخالفت و طلب علم و کسب کردن حلال بلکه بهر قدمی
که در راهی میرود فکری بکند که کی میرود و چرا میرود و کرا میرود
و در آن تاملی میکند و از صلاحی باز دید کند و نیت در آن
نیکو کند تا آن روز که نامه اعمال به دست او دهند
و خطاب کنند که اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک
حسیبا گویند برخوان نامه خود را که کافیست نفس ترا
امروز بر تو حساب تو چون این معنی بدانستی باید که

در فکر خود افتی و امروز بحساب نفس خود مشغول شوی
تا در ان روز حساب بر تو اسان کنند و اکر از حال خود غافل
باشی بسا حسرة که در ان روز تو را باشد و هیچ فایده تو را حضره بود
نباشد پس ای برادر بر خود رحمی کن و این نصیحت را از روی
برادری بشنو که این کمینه حالا و اولا با نفس خود این معامله
میکنم ان زمان مینویسیم چنانکه مداد از قلم میچکد خون از دل
این کمینه میچکد که مبادا که خلاف این اقوال سر موئی واقع شود
از من که اطاعت این وعید بود که فرموده لم تقولون ما
لا تفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون امید
وارم بکرم عمیم و لطف جسیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
چون زمان فرصت باقی است غم حال خوردن اسانست باید
که روز و شب توبه و انابت رود و بنت با خدای تعالی راست
کند و همه اوقات صرف دنیا نکند و بعضی از اوقات شب و روز
بحساب اخرة افتد چرا که غم دنیای فانی میخورند غم اخره باقی

نیز بجویند

نیز بجویند که در اخره معطل نمانند که در اخبار امده که شخصی
بود که هر شب زمانی با بخت خود افتادی و حساب از روز بکردی
اکر جرمی از وی صادر شده بودی استغفار کردی و دیگران
شب طاعتی بجای اوردی چون وفات کرد روح او را در حضرت
عزة جل جلاله حاضر کردند الله تعالی فرمود که او حساب خود
کرده است پس روح او را به بهشت بردند اکر کسی در همه
اعمال و افعال در اول سعی کند و نیت را خالص کرداند حال او
در اخره بغایت نیکو بود و در بیشتر کتب بابی در بیانات
اورده اند اما علما رموز و اشارات دریابند این کمینه
بقدر فهم چیزی چند روی نموده چنین روشن بیان کرده
تا مفهوم شود و بدانکه طالب اول باید پای بر سر نفس
و هوا نهد در این بحر سعادت کوهری بیابد بیت
الا ای خفته کو هستی خردمند ٭ در بایست خود بر خود فرو بند
٭ اکر سایستی راه خدا را ٭ بکلی میل کش چشم هوا را ٭ مرادان

[illegible]

راه حق انچه دانسته اند سعی کرده اند که مسلمانی از ان با
نصیب شود که اگر این نیت بوی این همه خون جگر بخورند
و این کتب نسل خشندی فواید نیات اگر چه بسیار و بی شمار
است و هیچ کس از عهده ان بیرون نتواند امد اما انچه در اینجا طلب
اید از هر یکی شمه بیان کنیم فی المثل کسی مسواک خواهد کرد
و نیت ان دارد که دندان سفید شود و برا هیچ ثواب نبود
اما اگر نیت کند که راه گذر ذکر خدای تعالی پاک میکنم تا خشنودی
خدای تعالی حاصل شود و سنت پیغمبر صلعم وسلم بهر نیتی از این
بسیار ثواب حاصل میشود و دندان نیز سفید میشود و گویند
شیخ ابو سعید ابو الخیر رحمة الله علیه هیچ دندان نداشت و در نماز
مسواک کردی و بعد از طعام حلال در دهان بردی سوال
کردند که چون دندان نیست مسواک چه حلال چه فائده
دارد فرمود که نیت ان برای سنت رسول است صلعم پس چون
این نیتها باشد ثواب باشد و دندان خود سفید میشود

کسی نان

کسی نان میخورد تا سیر شود هیچ ثواب ندارد الا انکه
به نیت ان خورد که تا در طاعت او با قوة باشد او را ثواب
باشد بلکه اگر اعتقاد کند که طعام او را سیر کرد گناه بود
بلکه طعام را سببی داند و سیر الله تعالی میسازد نیز و اب
همین قسم چرا که الله تعالی قادر است که باران بی ابر بباراند
اما عادت اینست که باران از ابر بباراند دیگر جامه که پوشد
یا ازار پای کند باید که به نیت ستر عورت کند در نماز و غیر
نماز تا او را ثواب باشد و اگر کسی حمامی سازد تا اجرتی
از ان حاصل شود او را هیچ ثوابی نباشد اما اگر بنیت ان
سازد که مسلمانی بیاسایند و مسلمانان از جنابت پاک
شوند یا کسی وضوئی سازد و نیت ان بنفع مسلمانان
باشد ثواب حاصل کرد و باجره خود هم رسد و اگر کسی
زراعتی کند و نیت او ان بود که تمتعی از ان مخلوق خدا رساند
از ادمی و مرغ و مور و دیگر حیوانات نیت کند که زکوة

ان مستحقان رساند با خود را از قید احتیاج برهاند پس
بهر نیتی از این ثوابی حاصل اید و اکر از برای جمع مال و دوستی
دنیا و تفاخر و تکاثر مال بود بر مردمان وبال اخرة باشد وهمه
یک عمل است دیکر کسی بطلب کسبی حلال بیرون اید به نیت
اهل و عیال ویرا ثواب حاصل شود و اکر برای کثرة مال بود
ویرا از ان ملال و نکال بود دیکر اکر کسی به نیت سنت رسول
خدا غسل کند پس هر قطره ابی که از وی فرو چکد اورا ثوابی
بنویسند و در حدیث است که چند قطره ایست که در حضرت
الله تعالی قدر و منزلتی دارد اول قطره خون شهدا و قطره
که از قلم مفتی فرو چکد وقتی که فتوای نویسد دیکر قطره
اشکی که از دیده بنده کنه کار فرو چکد از ترس الله تعالی دیکر
قطره عرقی که از مرد کسب کننده فرو چکد تا ان کار کنند
ثواب او مینویسند بچند شرط اول انکه نماز پنج کانه بجای
اورد و دروغ نکوید و انصاف نکاه دارد و کسی باشد

کرهمین

که همین کسب کند و ان وجه حلال را در فسق صرف نکند
که اکر غیر این باشد جان کنده و کناه حاصل کرده خسر الدنیا
والاخرة دیکر اکر کسی از خانه بیرون اید که بمسجد رود و نماز
بجماعت بکذارد الشریعة میباید کرد که چون از خانه بیرون
اید ملائکه قدمهای ویرا مینویسند و بهر قدمی ثواب بسیار
در دیوان وی ثبت میکنند و اکر با کسی دوستی کند باید که
از بهر الله تعالی کند و باید که بهر کس دوستی اظهار کنی وا
دوستی نمائی بشرط انکه کینه وی در دل تو نبود و اکر او
مصافحه کند دست بدو دهی و چون سخن کند روی
باو کن که حضرت رسالت پناه چنین کردی و در حدیث
درست امده که هیچ دو کس از امت من با یکدیکر مجتمع
نشوند و نیت ایشان از بهر الله تعالی جل جلاله باشد و از هم
جدا نشوند الا انکه خدای تعالی بر ایشان رحمت کند و از
کناهان پاک شوند و در حدیث صحیح بخاری حضرت رسالت

پناه فرموده که هفت طایفه فردای قیامت که هیچ سایه
نباشد الا سایه عنایت الله تعالی دران سایه ایشانرا جای
دهند اول پادشاه عادل دویم جوانی که در عبادة بر آمده
باشد سیوم دو برادر مسلمان که با هم دوستی کنند از برای
خدای تعالی چهارم کسی که در خلوة از ترس الله تعالی گریه کند
پنجم کسی که زن بزرگ قدر او را دعوة بخود کند و او را از ترس
الله تعالی ازوی در گذرد ششم کسی که از مسجد بدر آید و دلش
معلق بمسجد باشد هفتم آنکه صدقه بدست راست بدهد
که دست چپ خبر نیابد یعنی صدقه پنهان بدهد پس بدستی
که از بهر خدای تعالی باشد این همه ثواب دارد پس اصل دوستی
حضرت عزة است عز و جل که فرض عین است دیگر همه ملائکه
یکدیگر را دوست دارند بخلاف یهود و نصاری که جبرئیل را
و چند ملک دیگر را دشمن دارند و بسبب دشمنی ایشان
در جای خود گفته اید و جمله هستند که عزرائیل علیه

السلام را

السلام را دشمن میدارند و کافرند و نمیدانند که هر
کس بیک ملک کافر شد بهمه کافر است و این در میان
مردمان عادت است که اگر دشمن بینند گویند فلانکس را
می بینم گویا ملک الموت را می بینم در حال کافر شد و آنکس
در شعر گفته که ملک الموت از لقای تو بر انست که تو بر
او محقق است و الا کافر بودی باید که مومنان هرگز این نیت
نخوانند پس همه ملائکه را دوست میباید داشت و همه
انبیا را دوست میباید داشت و حضرت رسالت پناه را
از جان خود دوستر میباید داشت والله تعالی در کلام مجید
فرموده که مومن نباشد کسی که محمد رسول الله را از پدر و مادر
و فرزند و خویش و از مال و هر چه هست دوستر ندارد
و بعد از وی اهل بیت وی و زنان و یاران او و خویشان
او که باسلام مشرف شدند که بعضی خویشان که نزدیک
وی کافر بودند و بکفر مردند و دوستی او لا در رسول الله

وائمه طیبین وطاهرین علیهم السلام از ایمانست
ودر دنیا واخرت سودمند است ودشمنی ایشان
سبب وبال ونکال اخرت است ودر حدیث است که اسمان
دنیا هشتاد هزار ملک استغفار میکنند از بهر دوستان
علی ابن ابو طالب ویازده فرزندان انحضرت ودر اسمان دویم
هشتاد هزار ملک لعنت میکنند بر دشمنان علی ابن ابو
طالب ودشمنان یازده فرزندان ان حضرت ودر خبر است
که حضرت رسالت پناه برخواست وسجده شکر کرد وسلام
باز داد دیگر باره برخواست وسجده شکر بکرد وبار سیم
برخواست وسجده شکر بکرد وسلام باز داد پرسیدند از
ان معنی فرمود که جبرئیل امد وگفت که الله تعالی امیر المومنین
علی را دوست میدارد ومن سجده شکر کردم دیگر امد
وگفت که الله تعالی امیر المومنین وحسن وحسین را دوست
میدارد من سجده شکر کردم دیگر امد وگفت که هر کس
ایشانرا

ایشانرا دوست دارد من ایشانرا دوست میدارم
من سجده شکر کردم وحق این نعمت بر خود دانستم که همه
است که هر او دوست میدارد پس نشانهٔ مومن ان بود که
اولاد وذریات پیغمبر وائمه طیبین وطاهرین را دوست
دارد ودوست دارد وبعد از ان شهیدان وصالحین وجمیع
اهل ایمانرا دوست دارد تا در روز قیامت همنشین
ایشان باشد که المرء مع من احب بعد از ان هر کس وهر چیز
که دشمن دارد از بهر خدای تعالی جل جلاله دشمن دارد از بهر
خدای تعالی جل جلاله اول ابلیس باهمه اتباع فرزندان ادم هر کس
که بکفر از این عالم رفته است از قوم نوح وهود وقوم صالح
ونمرود وقوم نمرود وفرعون با قوم او وکفار قریش که با حضرت
رسالت پناه دشمنی کردند ومنافقان مدینه وهمه جهودان
ونصرانیان که بر دین باطل اجداد نمودند وبعد از ان قومی
که با ائمه معصومین دشمنی کردند ومخالفت امام بحق کردند

وجمیع اهل بدعت وضلالت را دشمن دارند و بعد از
ان فاسقانرا جهت فسق ایشان بعد ازان هرچه اسباب
فسق باشد مثل خمر وخورنده ان وفروشنده ان و چنک
ورباب وانکس که مینوازد وانکس که زند وقمار وانکس که
مباشران شود وسحر وانکس که بعمل اورد وربا خوار ورباء
دهنده وربا کیرنده ونویسنده ان وشاهدان وتقویت
کننده ان ودزدی ودزدان وظالمان وظلم ودروغ کویان
وغیبت کنندهان ونمامی ونمایان وبی نمازان وهرکس بخلاف
شریعت دلکانی کند بسه شرط ایشانرا خدای تعالی دشمن
اول انکه اکر بدست امر معروف ونهی منکر نتوانند کرد یکنند
اکر موجب فتنه نشود دویم بزبان اکر بزبان نتوانند کفت
انکه بدل دشمن دارد وانحیوانات که باید دشمن دارد
مار وکزدم وشیر وپلنک وشیر وکرک وسایر حیوانات
موذی وازجن واز شر شیطان ونفس اماره
بجهت بب

بجهت بب وازین حکایت کند از رکن الدین که از
شهری بشهری میرفت در عرض راه خواست که تجدید
وضو کند وکنار اب رود زن خودرا دید که در خفی ایستاده
دید وافتابه در دست کرفته بجانب اب رفت بعد از
زمانی مردی بر هیبت شیخ امد وزن شیخ اورا بشیخ
پنداشت همراه او روانه شد چون شیخ امد زن خودرا
باخود ندید حیران باند چون زمین دیک نوم بود پی
برداشت دوانه شد اندراهی برفت دید که بامری
براه افتاده میرود شیخ بانمرد کفت که زن بکجا میبری
او کفت که زن منست زن حیران بماند که ازین دو
کدام شوهر من باشد اخر شیخ بانمرد کفت که اکر تورا است
میکوئی بیا در هر این افتابه درون رفتم از لوله بیرون
ائی فی الحال انمرد قبول کرد فورا در افتابه در امد خواست
که از لوله بیرون اید شیخ لوله افتابه را محکم بکرفت انکه دیو افتابه

درآمده بود شروع در عجز نموده شیخ گفت تا تو نگوئی
که من کیستم من ترا نگذارم گفت من تب ولرزم شیخ
گفت من ترا بان شرط میگذارم که دیگر کسی را نلرزانی
ونرسانی ان گفت این تکلیف مالایطاق است شیخ گفت
که پس شرط کن که هرجا که این حکایت مذکور شود تو در
انجا نباشی واین سخن را قبول کرد شیخ ورا بگذاشت
هرجا که کسی تب ولرز کند این حکایت را در پیش او
مذکور سازند بامر خدای تعالی تب نبارد ونفع در حال تب
ولرز او مفارقت نماید واین از مجربات روزگار است
نادراید از حضرت امام جعفر صادق عم منقولست انگشتر
که نقش نگین حضرت رسول صلعم علیه واله محمد رسول
الله بود وحضرت فرمود که انگشتری بسازکه نگین او از
حدید چینی باشد وبر دوری نگین او سه سطر نقش
کن در سطر اول اعوذ بجلال الله ودر سطر دویم اعوذ
بكلمات

بكلمات الله ودر سطر سیم اعوذ برسول الله
ودر زیر نگین در دو سطر نقش کن در سطر اول
امنت بالله ودر سطر دویم وانی واثق بالله
ورسله ودر دور نگین نقش کن اشهد ان لا
اله الا الله مخلصا واینست صورة انگشتر

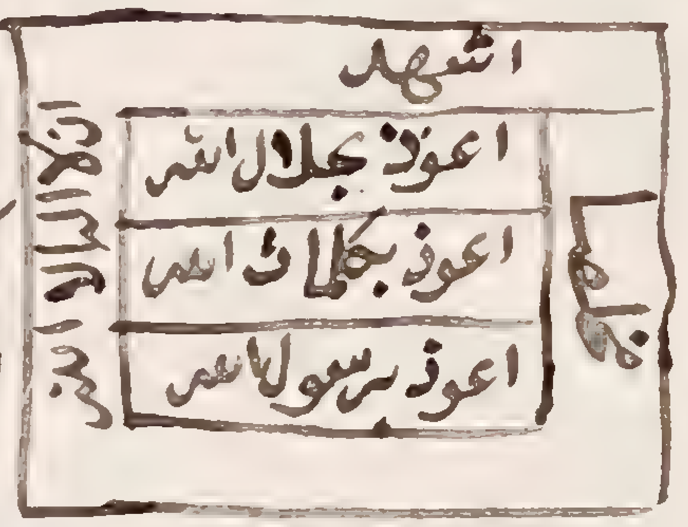

در دست راست کند
این انگشتر را در هر حاجتی
که برتو دشوار شود
ودر وقتی که از زن حامله
ترسی بدر رسی که حاجتها
تو برآورده میشود وترسهایت برایمنی مبدل میشود
وزنی که دشوار زاید این انگشتر را با خود دارد باسانی
وضع حمل او میشود ودرد چنین دفع میکند اثر چشم بد را
وحذر کنند که نجاستی وچرکی بدان نگین نرسد وبا خود
بحمام وبیت الخلا نبرد وخوب محافظت نمایی که اسرار
حدیث بسیار است وشما شیعیان از دشمنان خود
بترسید بجز نجان خود باید که این انگشتر را با خود داشته
باشید راوی حدیث گفت که من تجربه کردم واثرش را یافتم
حضرت ابراهیم عم السلام را چون بکفه منجنیق گذاشتند که در
اتش اندازند در ساعت جبرئیل عم السلام بخشم امد
حق تعالی باو وحی فرمود که انگشتری برای او فرستاد که در
نگین او شش حرف نقش شده بود لا اله الا الله محمد ر

نقش نگین ابراهیم

رسول الله لا حول و لا قوة الا بالله فوضت امری
الی الله اسندت ظهری الی الله حسبی الله و بس منادی ع
سلامت
وحی نمود که این انکشتر را در دست کن که انش بر تو سرد و
میکردانیم نقش نکین حضرت موسی ع این خوف بود که از
توراة بیرون اورده بود اصبر تو جر صدق نجی
یعنی صبر کن تا مراد یابی و راست کو تا نجات یابی و نقش
نکین حضرت سلیمان ع این بود سبحان من الجم
الجن بکلماته و نقش نکین حضرت عیسی ع السلام دو حرف
بود که از انجیل بیرون اورده بود طوبی لعبد ذکر الله
من اجله و ویل لعبد نسی الله من اجله یعنی خوشا
حال بنده ئی که خدا را یاد کرده شود بسبب او و وای بر بنده
ئی که خدا فراموش شود از خاطرها بسبب او و نقش
نکین حضرت امام حسین علیه السلام ان الله بالغ امره
بود نقش نکین حضرت امام موسی علیه السلام حسبی
الله بود نقش نکین حضرت ادم علیه السلام لا اله
الا الله محمد رسول الله بود که از بهشت اورده بود
با خود و حضرت نوح ع السلام چون بکشتی سوار شد
حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن
بترسی هزار مرتبه بگو لا اله الا الله پس هلاکت نامو شرا
تو را و مومنان را نجات دهم از غرق شدن پس چون
کشتی براه افتاد باد تندی وزید و حضرت نوح از غرق

شدن ترسید

شدن ترسید وانرا وحی رسید بود مجال ان نداشت که هزار
مرتبه بگوید لا اله الا الله و بزبان سریانی گفت هلو لیا
الفا الفا ماریا اتقن پس باد و طوفان برطرف شد
و کشتی براه افتاد پس حضرت نوح ع گفت که سخنی
که خدا مرا بان نجاة داد سزاوار انست که همیشه با من
باشد پس در انکشتر خود او را نقش کرد لا اله الا الله
الف مرة یا رب اصلحنی   از حضرت امام جعفر صادق منقولست
که چون سبع را ملاقات کنی ایة الکرسی بخوان و خطاب باو نموده
بگو عزمت لک بعزیمة الله و عزیمة محمد صلی الله علیه
و اله و عزیمة سلیمان ابن داود و عزیمة امیر المؤمنین
و الائمة من بعده انشاء الله تعالی رو کردانیده برود راوی
گوید هر وقت بیرون امدم و سبعی بمن کرد این عزیمت را
براو خواندم و بعد از ان گفتم الا تخنست عن طریقنا پس دیدم
ان سبع سر بزیر افکنده برفت من مصباح
بعد از هر نماز بخواند بسم الله الرحمن الرحیم الهی باخص صفاتک و بعزة
جلالک و باعظم اسمائک و بالاء نعمائک و بعزة انبیا
ئک و بنور اولیائک و بدم شهدائک اللهم بحرمة
الحسین و اخیه و امه و ابیه و جده و بنیه و شیعته
و موالیه و محبیه نجنا من الهم الذی نحن فیه اللهم
انی اسئلک صبرا جمیلا و فرجا قریبا و اجرا عظیما و سعیا
مشکورا و توبة نصوحا و بدنا صابرا و قلبا سلیما
و لسانا شاکرا حامدا ذاکرا و عینا ناظرا و ذنبا

مغفوراً وعلماً نافعاً وعملاً صالحاً دائماً وایماناً کاملاً
ویقیناً خالصاً ورزقاً واسعاً ودعاءً مستجاباً وکتاباً
طیباً ونعیماً مقیماً وجنةً وحریراً ونضرةً وسروراً بر
حمتك یا ارحم الراحمین چون کسی چیزی را فراموش کند
که بخاطرش بیاید دست بر پیشانی نهد و بگوید اللهم
اسئلك یا مذکر الخیر وفاعله والامر به ان تصلی علی
محمد وآل محمد ان تذکرنی ما انسانیه الشیطان چون کسی
از مکر و غدر بترسد بگوید وافوض امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا و چون کسی
مال خواهد چرا پناه بنده به ماشاء الله لا قوة الا بالله
ان ترن انا اقل منك مالاً وولداً چون کسی در غم و شدت
بد و حبس زندان باشد بگوید یا من یکفی من کل شیء
ولا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی من مصباح لدفع
علا نوشته در مقام آنکس دفن کند ص ر ط ع ی ک ت ث
ج خ د ذ ن ش ظ غ ن ض و ابصا بجهه خرابی مواضع
ث خ ذ ش ض ظ غ ف بجهت حبس نوشته در زیر سنگ
١٩٦٧٤٢٢٥٤ ٦١٣١
گذارد نجات یابد
٥١٣٥ ٢٧ ٦١١ ١١١ی

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که شخصی آمد بخدمت آنحضرت و عرض کرد که من سفر بسیار
میکنم و در منازل هولناک بسر میبرم مرا چیزی تعلیم فرما
که نترسم فرمود که چون چنین جائی واقع شوی دست را
بر بالای سر بگذار و باواز بلند بگو افغیر دین الله
یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً وکرهاً
والیه یرجعون آن شخص گفت در بیابانی واقع شدم
که میگفتند جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی میگفت
بگیرید شرا این را بخوانم شنیدم که دیگری جواب گفت
که چگونه بگیرم و حال آنکه پناه به آیه طیبه برده است
در حدیث دیگر منقولست که شخصی با نحضرت شکایت
کرد که پسری دارم که او را گاهی باد جن و ام الصبیان میگیرد
بحدی که از او ناامید میشوم گفت که هفت مرتبه سوره حمد را
با مشک و زعفران بر ظرفی بنویس و بشوی و تا یک ماه این
آب بده بخورد راوی گفت که یکمرتبه خورد و برطرف شد
و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی صرع داشته باشد و او را
بگیرد بر او این دعا را بخوانند عزمت علیك یا ریح بما
لعزیمة التی عزم بها علی ابن ابی طالب ع و رسول
رسول الله صلی الله علیه وآله علی جن وادی الصبرة
فاجابوا واطاعوا لما اجبت واطعت وخرجت عن
و م ٢١٢ م الساعة و در روایت دیگر منقولست که شخصیرا
اختلاط دماغ بهم رسیده بود حضرت فرمودند که هر شب
در وقت خواب این دعا را بخوان بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله

وَبِاللّٰهِ آمَنْتُ بِاللّٰهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ اَللّٰهُمَّ
احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَيَقْظَتِي وَأَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَجَلَالِهِ
مِمَّا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که کسی که باد جن بگیرد برا و سوره حمد و قل اعوذ برب
الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک ده مرتبه بخواند و این
سوره‌ها بر جای با مشک و زعفران بنویسند و از بخور اند
و در آب وضو و غسل او داخل کنند و در حدیث دیگر از حضرت
امام رضا منقولست که شخصی را دیدند که صرعش گرفته بود
قدح آب طلبید و سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس بر آن آب خواندند و بر روی او پاشیدند بهوش
باز آمد و از حضرت رسول منقولست که در گوش انسان که
جنیان سنگ انداز ند صاحب خوانه انسنگ را بردارد
و بگوید حَسْبِيَ اللّٰهُ وَكَفَى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ
اللّٰهِ مُنْتَهَى هرگاه کسی را جن گرفته باشد و خواهد برجانند
و یا صرع داشته باشد این دعا را بر کاغذی نویسد که لوله پیچ
نواند شد و بنحوی بنویسد که جمیع چشم حروف که چشم دارد
باز باشد و بر بازوی راست آن شخص ببندند البته از آزار
بری شود و از او برسانند و این از جمله مجربات است
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُعِيذَ حَامِلَ كِتَابِي
هذا من شر الدواحش ومن شر الشيطان والانس
والجن والجنون والعلة العارضة ومن الوهمة وانفاسها

ومن طوارق

ومن طوارق الدم وعقد السحر ومن بكاء الاطفال في منامهم
ومن احلام السوء ومن خفقان القلب ومن سقوط الولد في الارحام واعيذه اللهم من ام الصبيان ومن
طوارق الليل والنهار الا طارقا يطرق بخير واعيذ اللهم
من شر ماحق وماحقة وفارق وفارقة ومارق ومارقة
ومن شر كل طاغ وباغ وكاظم وظالم وغاشم وحاسد
وكائد ومعاند ومن شر العين التي لا تدمع والقلب الذي
لا يخشع والاذن التي لا تسمع واللهيث الاروح والذئب
الاروح والكلب الابقع والحية التي تلسع ومن شر الذي
يمشي على الاربع ومن شر من يسترق السمع والاسماع ومن
شر المولع ومن شر كل دابة انت ربي آخذ بناصيتها ان
ربي على صراط مستقيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا
هو رب العرش العظيم يا مستملقع يا مستطيع انه من
سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا على واتوني مسلمين
عزمت عليكم بالعينة يا ام الصبيان بعزائم الله وعزائم سليمان
ابن داود بحق بسم الله الرحمن الرحيم قل يا ايها الكافرون
تا اخر واعيذك بالله الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد واعيذك برب الفلق تا اخر واعيذك
برب الناس تا اخر و این نسخه از روی نسخه طبی درویشی مشهور
بخدوش با اجازه او نوشته شده از جهت ام الصبیان بجهت
دفع جن نوشته در گردن مصروع او ببندند جربوت جربوت

اراوث هیون برطوث سلموث سلومانس الغیه
ومادر فزونا اهیون حیود ٥ ااا م اا اااا ٥١ ٥ ٥
٥٥٥ ٥ ومه ص م ٥ اااا م ٦٦٦٦٦٦٦
لما ٥ ٥ اااا اه اس واه ی لا ر وی ای اصاعو
عورالی سلهی بک ال اه ال ر ی ل فال دح داد ا ل
یح ی م ٢ ٥ ٢ ٥ ل ٢ در احکام بیماری ها در ایام
ماه روز اول ماه اگر بیمار شود زود شفا یابد روز
دویم زود برخیزد روز سیم سخت باشد و کشنده روز
چهارم صحت یابد روز پنجم بغایت بد بود صدقه باید
داد روز ششم زود صحت یابد روز هفتم بعد از هفت
روز صحت یابد روز هشتم بعد از ده روز خوب شود روز
نهم زود صحت یابد روز دهم صحت یابد روز یازدهم
صحت یابد روز دوازدهم بعد از روز به شود روز سیزدهم
سخت و شدید باشد و کشنده و صدقه ضرور است روز
چهاردهم راحت بیند روز پانزدهم بعد از بیست روز
برخیزد روز شانزدهم کشنده است صدقه باید روز هفدهم
بعد از ده روز برخیزد روز هجدهم زود برخیزد روز نوزدهم
شفا یابد روز بیستم زود صحت یابد روز بیست یکم بد بود
و هلاک شود تصدق بدهد روز بیست دویم صحت یابد
بیست سیم بعد از سیزده روز به شود بیست چهارم بغایت
بد بود صدقه بدهد بیست پنجم بسیار بد بود بیست ششم
زود برخیزد بیست هفتم زود برخیزد بیست هشتم
بعد از سه روز

بعد از سه روز به شود بیست نهم زود صحت یابد
روز سی ام زود برخیزد و خوشدل شود والله اعلم بالصواب
بجهت جن که در مکان سنگ اندازند نیز بنویسد
و با خود دارد رفع شود انشاء الله تعالی
و مرویست که شخصی با جن

٨	١١	٩٤	١
٣	٦١	٩	٢
١٥	ع	۴	١٤

گفت آتش بخانهات افتاده و سوخته
است گفت خانه من نسوخته
است دیگری آمد و خبر نیز
همین آورده بود دیگری نیز همین
خبر آورده بود دیگری نیز همین خبر آورد و هر سه را همین جواب
شنید بعد چون معلوم شد خانهای اطراف او سوخته بود
و خانه او در میان سالم مانده بود پرسیدند که چون ذا
نستی که خانهات نسوخته است گفت از حضرت رسول
مرویست که هر کس هر صبح و شام بگوید
اللهم انت ربی لا اله الا انت علیک توکلت وانت
رب العرش العظیم لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ما شاء الله کان وما لم یشاء لم یکن اعلم ان الله علی کل
شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما اللهم انی
اعوذ بک من شر نفسی ومن شر کل دابة انت اخذ بنا
صیتها ان ربی علی صراط مستقیم در آن شبانه روز هیچ
آفتی باو نرسد و دعای فراش در صبح اصبحت و در شام امسیت
بگوید

اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنيع الذی لا يطاول ولا يحاول من شر كل غاشم وطارق من ساير ما خلقت من خلقك الصامت والناطق فی جنة من كل خوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيك محمد صلواتك عليه وعليهم محتجبا من كل قاصد لی باذية بجدار حصين الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا بان الحق لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالی من والوا واعادی من عادوا واجانب من جانبوا فصل علی محمد وال محمد واعذنی اللهم بهم من شر كل ما اتقيه يا عظيم حجزت الاعادی عنی ببديع السموات والارض وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

چون موسی بن جعفر علیه السلام بعراق تشریف اوردند از انحضرت سوال نمودند که ما شنیدیم که تربت حضرت امام حسین علیه السلام شفای هر درد است یا امان از خوف میشود حضرت فرمودند بلی چون خواهی تسبیح از تربت مقدس ان حضرت بر داری دعای واشراقه بشبه بخوان و بعد از ان بگو اللهم انی اسئلك

بحق هذه

بحق هذه التربة المباركة وبحق صاحبها وبحق جده وابيه وامه واخيه وبحق ولده الطاهرين صل عليهم اجمعين واجعلها شفاء من كل داء وامانا من كل خوف وحفظا من كل سوء برحمتك يا ارحم الراحمين

پس تسبیح را ببوس و بر چشمها و بر صورت خود بمال و در بغل نگذار تسبیح را و اگر صبح چنین کنی تا شام در امان باشی و اگر در شام چنین کنی تا صبح در امان خدای تعالی باشی من مقباس بعد از نماز صبح بگو بدین دعا را

تعقیب صبح

اللهم انی اسئلك ايمانا تباشر به قلبی ويقينا حتی اعلم انه لا يصيبنی الا ما كتبت لی ورضنی بما قسمت لی

تعقیب صبح و عصر

و هو صبح و عصر سه مرتبه این دعا را بخواند اللهم صل علی محمد وال محمد فی الاولين وصل علی محمد وال محمد فی الاخرين وصل علی محمد وال محمد فی الملاء الاعلی وصل علی محمد وال محمد فی المرسلين اللهم اعط محمدا الوسيلة والفضيلة والشرف والرفعة والدرجة الكبيرة اللهم انی امنت بمحمد ولم اره فلا تحرمنی يوم القيمة

رؤيته وارزقني صحبته وتوفني على ملته و
اسقني من ماء حوضه مشربا رويا سائغا هنيئا
لا اظما بعده ابدا انك على كل شيء قدير اللهم
وكما امنت بمحمد ولم اره فعرفني في الجنان
وجهه اللهم بلغ روح محمد عني تحية كثيرة گناهان
نش عفو شود و خطاهایش محو شود و سرورش دایم شود
و بر دشمنان و خصمش ظفر یابد و اسباب خیرات برای او مهیا
شود و ارزویش بر اید و روزیش وسیع گردد و در بهشت

از رفقای محمد و اله باشد از کتاب جمال الصالحین
منقولست که شخصی بخدمت حضرت امیر المومنین صلوات
الله علیه شکایت نمود که اجابت دعایم دیر میشود حضرت
فرمودند که چرا دعای سریع الاجابه را نمیخوانی عرض کرد که
نمیدانم حضرت فرمودند که دعا اینست در عقب هر نماز
و هم اوقات میتوان خواندن بسم الله الرحمن
الرحيم اللهم اني اسئلك باسمك العظيم الاعظم
الاجل الاكرم المخزون المكنون النور الحق البرهان
المبين الذي هو نور ونور من نور ونور في نور
ونور

ونور على نور فوق كل نور ونور على كل نور ونور
تضيء به كل ظلمة وتكسر به كل شدة وكل شيطان
مريد وكل جبار عنيد ولا تقر به ارض ولا تقوم به سماء
ويامن به كل خائف ويبطل به سحر كل ساحر وبغي كل باغ
وحسد كل حاسد ويتصدع لعظمته البر والبحر ويستقل
به الفلك حين يتكلم به الملك فلا يكون للموج سبيل وهو
اسمك الاعظم الاعظم الاجل الاجل النور الاكرم
الذي به سميت نفسك واستويت به على عرشك
واتوجه اليك واسئلك بمحمد واهل بيته وبك وبهم
ان تصلي على محمد وال محمد وحاجتي که داری طلب نمای که

کذا البشر بروبه است بعون الله بجهت اداء قرض در کفعمی مرویست
از حسین خالد که گفت در بغداد مرا سیصد هزار درهم
قرض بهم رسید و چهار هزار دیگر هم داشتم و قرض
خواهان مرا عاجز کردند و چون موسم حج بود در سید
میخواستم پنهان بروم و خود را بخدمت امام موسی
علیه السلام برسانم ممکن نشد پس عریضه بخدمت حضرت
با شرح حال نوشتم پس آنحضرت جواب عریضه بمن نوشتند

كه اين دعا را سه مرتبه در عقب هر نماز فريضه بخوان و دعا اينست

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اسئلك بلا اله الا انت

بحق لا اله الا انت ان ترحمني بلا اله الا انت اللهم

اني اسئلك بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت

ان ترضى عني بلا اله الا انت اللهم اني اسئلك

بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت ان تغفر لي بلا

اله الا انت بدرستى كه قضاء حاجت تو ميشود بعون

الله تعالى حسين ميگويد كه چون مداومت باين دعا نمودم
قسم بخانه كعبه كه چهار ماه نگذشته كه جميع قرضهاى
من ادا شد وصد هزار درم اضافه از جهت من بماند
ايضا شخصى شكايت كرد بحضرت عيسى على نبينا و ع
از قرض دارى فرمود كه بگو اللهم يا فارج

ادای قرض

الهم ومنفس الغم ومذهب الاحزان ومجيب

دعوة المضطرين يا رحمن الدنيا والاخرة

ورحيمهما انت رحماني ورحمن كل شيء فار

حمني رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك واقض

بها عني

بها عني الدين اگر زر بقدر روى زمين طلا قرض

باشد ادا كند خداى تعالى بفضل وكرم خود انشاء الله تعالى

بجهت دیدن رسول صلعم و بجهت رفع حاجت

من مصباح از حضرت رسول صلعم مرويست كه هر كه اين آيات را
سه مرتبه در وقت خواب بخواند بقصد رؤيت من البته مرا
در خواب ببيند واگر در بليه گرفتار گردد هفتاد مرتبه
بخواند مرخص شود واگر بجهت توانگرى هفتاد مرتبه
بخواند و بجهت دشمن چهار مرتبه بخواند مقهور گردد
واگر بر مريض هفت مرتبه بخواند البته صحت يابد بعد از
بسم الله الرحمن الرحيم

وكفى بالله وليا وكفى بالله نصيرا وكفى بالله حسيبا

وكفى بالله وكيلا وكفى بربك هاديا ونصيرا وكفى بربك

بذنوب عباده خبيرا بصيرا وكفى الله المؤمنين القتال.

جهة غيب

وكان الله قويا عزيزا واگر كسى اين آيات را بنويسد و با خود
دارد در خواب ببرد على الصباح هر دو را ببيند از چيز غيب
اخبار كند و آيات اينست وعنده مفاتح الغيب لا

يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من

ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب

ولا يابس الا في كتاب مبين وهو الذي يتوفيكم

بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى
أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى
إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ
ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ
الْحَاسِبِينَ و اگر این آیات را در خرقه کتان بنویسد و در وقت
خواب زیر سر بنهد و از خدای تعالی در خواهد که ظاهر سازد
آنچه مشتبه باشد در خواب بر او کشف شود انشاء الله
نقل من مصباح الکفعمی هر که امری مشکل پیش آید و نداند که
بکدام کار چیست این علامت را بنویسد بر دست چپ و بخوابد
در خواب باو بگویند که تدبیر این کار چیست مجرب است
من هب هب مع من هب من هب هب هو که خواهد که حاجت
خود را در خواب ببیند این آیه را در شب چهاردهم ماه
در کف دست بنویسد و روی بقبله بخوابد البته در
خواب ببیند وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ اعرف اگر کسی خواهد
که پری یا زن در خواب ببیند و با وی سخن گوید باید لوحی
از مس ساخته و این طلسم را بر آن بنویسد و در زیر
سر نهد و در خانه خالی کند و ذکر کند و با کس سخن
نگوید و هفتاد مرتبه سوره اخلاص بخواند و بخوابد

بسوزانند

مطلب

۱۳۶

بسوزانند که هوا ابر تیره را از در خواب ببینند و هر مطلب
که خواسته باشد بپرسند جواب گویند و طلسم اینست
[illegible] هر که در سفر این
را بخواند بسلامت باز آید با منافع بسیار
بده مرا تو خدایا در این خجسته سفر هزار دولت و شادی
هزار فتح و ظفر بحرمت سر محمد بحق چار علی بد و حسن
بحسین و موسی جعفر و هر که این چهار اسم را بر چهار طرف
خانه بر هر طرفی متوجه شده بخواند حق تعالی فرج از غیب
بجهت او برساند طرف شمال یا عبد الرشید و
طرف جنوب یا عبد الجلیل طرف مشرق
یا عبد الرحیم طرف مغرب یا عبد الکریم و هر کس
این چهار اسم را نوشته با خود دارد اگر خلق او بین خواسته
باشند بدی بوی کنند نتوانند کنند من مصباح چون
خواهی بدانی که در هر ماهی چند روز از ماه قمر در عقرب است
ملاحظه نما که آفتاب در کدام برج است اگر آفتاب در حمل
باشد ۱۶ ۱۷ نصف روز ۱۸ قمر در عقرب است و اگر آفتاب
در ثور باشد نصف روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
قمر در عقرب است و اگر آفتاب در جوزا باشد یازدهم و دوازدهم
دهم نصف روز سیزدهم قمر در عقرب باشد و اگر آفتاب
در سرطان باشد نصف روز هشتم و نهم و دهم
و اگر آفتاب در اسد باشد روز ششم و هفتم و نصف
روز هشتم قمر در عقرب باشد و اگر آفتاب در سنبله باشد
نصف روز سیم و چهارم و پنجم قمر در عقرب باشد و اگر
آفتاب در میزان باشد روز اول ماه و دویم و نصف
روز سیم قمر در عقرب باشد و اگر آفتاب در عقرب باشد
نصف روز بیست هشتم و بیست نهم و سیام قمر در عقرب
باشد و اگر آفتاب در قوس باشد بیست ششم و بیست هفتم

ونصف روز بیست هشتم واگر افتاب در حمل باشد
نصف روز بیست سیم وبیست چهارم وبیست پنجم
ثور در عقرب باشد واگر افتاب در دلو باشد بیست
ویکم وبیست ودوم ونصف روز بیست سیم قمر در عقرب باشد
واگر افتاب در حوت باشد نصف روز هجدهم ونوزدهم
وبیستم ثور در عقرب باشد واین قاعده خلافی ندارد وبا
تقویم نوو کهنه ملاحظه نمایند در حساب ابو بصر وخواجه
نصیر املاحظه نماید مطابق است بعد از هر نماز بخواند
لا اله الا الله الموجود بكل مكان لا اله الا الله المقصود
بكل زمان لا اله الا الله المعروف بكل احسان لا اله الا
الله المذكور بكل لسان لا اله الا الله كل يوم في شان
لا اله الا الله الامان الامان في زوال الايمان ومن
شر الشيطان يا قديم الاحسان يا غفور يا غفران
برحمتك يا ارحم الراحمين فرا في كل يوم من قول علي عليه
السلام بعد از بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي
عرفني نفسه ولم يتركني عميان القلب الحمد لله
الذي جعلني من امة محمد صلى الله عليه واله
الحمد لله الذي جعل رزقي في يده ولم يجعله في
ايدي الناس

١٣٧

ايدي الناس الحمد لله الذي ستر عورتي ولم
يفضحني بين الناس بعد از ان این دعا را بخواند
اللهم صحح جسمي واكتب في زمرة الصلحاء اسمي
وحببني في قلوب الصالحين وعظمني في عيون
العالمين واصرف عني شر الظالمين برحمتك
يا ارحم الراحمين بجهت قوة باصره ونور چشم بر این
دعا مداومت نماید فواید بسیار مشاهده خواهد کرد
چون این دعا مشتمل است بر حصول دنیا وعقبا اللهم
اني اسئلك بحق محمد وال محمد عليك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تجعل النور في بصري
والبصيرة في ديني واليقين في قلبي والاخلاص
في عملي والسلامة في نفسي والسعة في
رزقي والشكر لك ابدا ما ابقيتني انك على
كل شيء قدير بجهت کشایش ... فلان ابن فلان

و بر باد او یزان کند

این مناجات از حضرت امیر المومنین و امام زین العابدین ع منقولست که بعد از نمازهای پنج گانه تلاوة فرمودند و دعا اینست

یاکفتوتا

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

یا کفتوتا

إِلٰهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ
وَهَوَائِي غَالِبٌ وَطَاعَتِي قَلِيلٌ وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَ
لِسَانِي مُقِرٌّ بِالذُّنُوبِ فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا عَلَّامَ
الْغُيُوبِ وَيَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ وَيَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ
اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ وَ
اقْضِ حَوَائِجِي بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَالنَّبِيِّ الْكَرِيمِ
وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ دعائیست که حضرت رسول صلی
الله علیه و اله با امیر المؤمنین علیه السلام گفت یا علی
جبرئیل ع آمد و مرا گفت خدای تعالی ترا هدیه فرستاده
و نوزده

و نوزده را بر گزیده و بزرگ گردانیده و آن نوزده
کلمه است که هیچ مؤمن و هیچ بنده که در دست
ظالمی یا در بلائی از بلاهای گرفتار شود این نوزده
کلمه را بخواند البته اجابت یابد و کلمات اینست
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذُخْرَ
مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا حِرْزَ
مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ يَا كَنْزَ مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ
يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ
التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا دَافِعَ الْبَلَاءِ يَا
عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى
يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ
أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ
وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَ
حَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ أَنْتَ وَحْدَكَ

لا شريك لك كه حاجات روا است ان شاء الله تعالى
با محمد بكو با نكسى از امت تو كه كناه كبيره كرده باشد وخوا
هد كه آن كناه از نامه عمل او محو شود و از آن كناه پاك
شود اينكه بدن وجامه خود را پاك كرداند و بعد از ان
بيرون رود بصحرائى از زمين من و روى خود را بجانب
من كند يعنى رو بقبله كند در موضعى كه كسى او را نه بيند
بعد از ان دستهاى خود را بجانب من بلند كند پس بد
رستى كه نيست ميان من وميان او حايلى ومانعى ودعا
كه خواندن آن سبب پاك شدن از كناهان كبيره است
اينست يا واسعا باحسن عائدته ويا ملبسا
فضل رحمته ويا مهيبا لشدة سلطانه ويا
راحما بكل مكان ضرير اصابه الضر فخرج
اليك مستغيثا بك هاربا منك يقول عملت
سوءا وظلمت نفسى وبمغفرتك خرجت اليك

استجير

استجير بك فى خروجى من النار وبعز جلالك
تجاوزت وباسمك الذى تسميت به وجعلته
فى كل عظمتك ومع كل قدرتك وفى كل سلطانك
وصيرته فى قبضتك ونورته بكتابك وألبسته
وقار مهابتك يا الله اطلب اليك ان تصلى
على محمد وآل محمد وان تمحو عنى ما اتيت به وانزع
بدنى عن مثله فانى بك اعتصم لا اله الا انت و
باسمك الذى به تفصيل الامور كلها هذا اعترافى
فلا تخذلنى وهب لى عافية وانجنى من الذنب
العظيم هلكت فتلافنى بحق حقوقك كلها
يا كريم پس بدرستى كه هر كاه بكويد اين را و اراده نكرده
باشد با نچه كرده ام تو را بان بعزم اخلاص ميكردانم
او را از ان كناه كبيره حتى انكه ميامرزم بدى او ان كناه را
ومى پوشم او را از ان كناه پاك ميكردانم بجهت انكه تعليم

کرده ام نامهای مرا اگر هرکه با اینها دعا کند دعای او را
مستجاب میگردانم یا محمد هرکس از امت تو که گناهان
عین کبیره او بسیار شده باشد بحدی که مشهور شود به
بسیار گناه و بسبب بیرون گناهان غضب کرده و
دشمنی داشته باشد پس باید که مرا قصد کند در وقت
بیش از غروب کردن شفق یا وقت طلوع کردن صبح
و روی خود را بجانب من کند و بگوید یا رب فلان
بن فلان عبدک شدید حیاؤه منک و من
تعرّضه لرحمتک لاصراره علی ما نهیت عنه من
الذنب العظیم یا عظیم وان عظیم ما انت به لا
یعلمه غیرک قد شمت بی فیه القریب والبعید
واسلمنی فیه العدو والحبیب والقیت بیدی الیک
طمعاً لامر واحد وطمعی ذلک فی رحمتک فارحمنی
یا ذا الرحمة الواسعة وتلافنی بالمغفرة والعصمة
من الذنوب

و ما بین غروب کردن ... وقت طلوع کردن صبح و پیش از ... عفو ... بیدار ...
... به بیدار شدن دعا است

١٤٠

من الذنوب انی الیک متضرع اسألک باسمک
الذی یزیل اقدام حملة عرشک ذکره وترعد
لسماعه ارکان العرش الی اسفل التخوم
انی اسئلک بعز ذلک الاسم الذی ملأ کل
شیء دونک الا رحمتنی باستجابتی الیک یا
سیدی هذا ابا عظیم آتیتک بکذا وکذا للامر
الذی اتی کذا فاغفر لی تبعتی وتلافنی من ابتلا
عبد بعد مقامی هذا یا رحیم پس بدرستی که هر گاه
او بنا بر آید میگیرم گناهان او را به نیکی و بلند
میکنم و مستجاب میگردانم دعای او را و هر او خواهش
او را مطلوب او میگردانم بجهت مطالب چهار رکعت

مطالب

١ نماز گذارد بد و سلام با این نحو در رکعت اول بعد از
حمد هفت مرتبه بگوید حسبی الله ونعم الوکیل
و در رکعت دوم بعد از حمد هفت مرتبه ما شاء الله
لا قوة الا بالله ان ترن انا اقل منک مالا وولدا
و در رکعت سیم هفت مرتبه بگوید لا اله الا

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ و در رکعت
چهارم بعد از حمد هفت مرتبه بگوید وَأُفَوِّضُ أَمْرِي

دعای بعد از نماز جعفر

إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ چون از نماز جعفر
طیار فارغ شود باید دعا را بخواند سید ابن طاوس
رحمه الله بسند معتبر از حسن ابن قاسم روایت کرده
است که رفتم بخدمت حضرت امام موسی ع در بغداد
در چاشت روز جمعه دیدم که حضرت نماز جعفر میکرد
پس چون از نماز فارغ شد دست بجانب آسمان بر
داشت و این دعا را خواند يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ
اللُّغَاتُ وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ وَ
يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ
شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ
مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ
يَا بَاطِشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا فَعَّالًا
لِمَا يُرِيدُ

لِمَا يُرِيدُ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا
رَازِقَ الْجَنِينِ وَالطِّفْلِ الصَّغِيرِ وَيَا رَاحِمَ الشَّيْخِ
الْكَبِيرِ وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا مُدْرِكَ الْهَا
رِبِينَ وَيَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا
فِي الضَّمِيرِ وَمَا تُكِنُّ الصُّدُورُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ
وَسَيِّدَ السَّادَاتِ وَإِلٰهَ الْآلِهَةِ وَجَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ
وَمَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَا مُجْرِيَ الْمَاءِ فِي
النَّبَاتِ وَيَا مُلَوِّنَ طَعْمِ الثِّمَارِ أَسْأَلُكَ بِا
سْمِكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ وَلَا تَقُومُ
لَهُ أَرْضٌ وَلَا سَمَاءٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
اشْتَقَقْتَهُ مِنْ عَظَمَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ
الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَأَسْأَلُكَ
بِكِبْرِيَائِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كَيْنُونِيَّتِكَ
وَأَسْأَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا

ياسيدي الويل قد حل بي ان لم تر
حمني ياسيدي هذا مقام المستجير
بعفوك من عقوبتك هذا مقام المسكين
المسكين هذا مقام الفقير البائس الحقير
المحتاج الى ملك كريم رحيم ياويلتا ما
اغفلني عما يراد مني ياسيدي وهذا
مقام المذنب المستجير بعفوك من عقوبتك
هذا مقام من انقطعت حيلته وخاب
رجائه الا منك هذا مقام العاني الاسير
مقام الطريد الشريد ياسيدي اقلني عثرا
تي يامقيل العثرات ياسيدي اعطني
سؤلي سيدي ارحم بدني الضعيف
وجلدي الرقيق الذي لا قوة له على
النار ياسيدي ارحمني فاني عبدك
ابن عبدك

ابن عبدك وابن امتك بين يديك وفي
قبضتك لا طاقة لي بالخروج من سلطانك
سيدي وكيف لي بالنجاة ولا تصاب
الا لديك وكيف لي بالرحمة ولا تصاب
الا من عندك يا اله الانبياء وولي الاتقياء
وبديع مزيد الكرامة اليك قصدت
وبك انزلت حاجتي واليك شكوت اسرافي
على نفسي وبك استغثت فاغثني وانقذني
برحمتك مما اجترأت عليك ياسيدي
ياويلتا اين اهرب ومن الخلائق كلهم
في قبضته والنواصي كلها بيده ياسيدي
منك هربت اليك ووقفت بين يديك
متضرعا اليك راجيا لما عندك يا الهي
وسيدي حاجتي حاجتي التي ان اعطيتنيها

لم يضرني ما منعتني وان منعتنيها لم
ينفعني ساير ما اعطيتني اسألك فكاك
رقبتي من النار سيدي قد علمت وايقنت
بانك اله الخلق والملك الحق الذي لا سمي
له ياسيدي انا عبدك لا مقر لك بوحدانيتك
نيتك وبوجوده بوبيتك انت الله الذي
خلقت خلقك بلا امثال ولا تعب ولا
نصب انت المعبود وباطل كل معبود غيرك
اسألك باسمك الذي تحشر به الموتى
الى المحشر يا من يقدر على ذلك لاحد غيرك
اسألك باسمك الذي تحيي به العظام و
هي رميم ان تغفر لي وترحمني وتعافيني
وتعطيني وتكفيني ما اهمني اشهد انه
لا يقدر على ذلك احد غيرك يا من امره

اذا اراد

اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون يا من
احاط بكل شيء علما واحصى كل شيء عددا
اسألك ان تصلي على محمد عبدك ورسولك
ونبيك وخاصتك وخالصتك وصفيك
وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك
وموضع سرك ورسولك الذي ارسلته
الى عبادك وجعلته رحمة للعالمين ونورا
استضاء به المؤمنون فبشر بالجزيل من ثوابك
وانذر بالاليم من عقابك اللهم فصل عليه
بكل فضيلة من فضائله وبكل منقبة من
مناقبه وبكل حال من حالاته وبكل موقف
من مواقفه صلوة تكرم بها وجهه واعطه
الدرجة والوسيلة والرفعة والفضيلة
اللهم شرف في القيمة مقامه وعظم بنيانه

واعل درجته وتقبل شفاعته في امته
واعطه سؤله وارفعه في الفضيلة الى
غايتها اللهم صل على اهل بيته ائمة
الهدى ومصابيح الدجا وامنائك في
خلقك واصفيائك من عبادك وحججك
في ارضك ومنارك في بلادك الصابرين
على بلائك الطالبين رضاك الموفين بو
عدك غير شاكين فيك ولا جاحدين عبا
دتك واوليائك وسلائل اوليائك وخزان
علمك الذين جعلتهم مفاتيح الهدى ونور
الدجى عليهم صلواتك ورحمتك ورضوا
نك اللهم صل على محمد وال محمد وعلى
منارك في عبادك الداعي اليك باذنك
القائم بامرك المؤدي عن رسولك عليه
واله السلام

واله السلام اللهم اذا اظهرته فانجز له
ما وعدته وسق اليه اصحابه وانصره و
وقو ناصريه وبلغه افضل امله واعطه
سؤله وجدد به عن محمد واهل بيته
بعد الذل الذي قد نزل بهم بعد نبيك
فصاروا مقتولين مطرودين مشردين
خائفين غير امنين لقوا في جنبك ابتغاء
الا ذى مرضاتك وطاعتك والتكذيب
وصبروا على اصابهم فيك راضين
بذالك مسلمين لك في جميع ما ورد
عليهم وما يرد اليهم اللهم عجل فرج
قائمهم بامرك وانصره وانصر به دينك الذي
غير وبدل وجدد به ما امتحى منه وبدل
بعد نبيك صلى الله عليه واله اللهم صل على

جميع النبيين والمرسلين الذين بلّغوا
عنك الهدى واعتقدوا لك المواثيق
بالطاعة اللهم صل عليهم وعلى ارواحهم
واجسادهم والسلام عليهم ورحمة الله
وبركاته اللهم صل على محمد وعلى امد
ملئكتك المقربين واولي العزم من انبيا
ئك المرسلين وعبادك الصالحين اجمعين
واعطني سؤلي في دنياي واخرتي يا ار
حم الراحمين اللهم كما دعوتك لنفسي
لعاجل الدنيا واجل الآخرة فاعطه
جميع اهلي واخواني فيك وجميع شيعة
آل محمد المستضعفين في ارضك بين
عبادك الخائفين منك الذين صبروا
على الاذى والتكذيب فيك وفي رسولك

واهل

واهل بيته عليهم السلام افضل ما يأملون
واكفهم ما اهمّهم يا ارحم الراحمين
اللهم اجزهم عنا جنانك النعيم واجمع
بيننا وبينهم برحمتك يا ارحم الراحمين

دعاء ديكر بروايت ديكر اضافه اول اللهم
اني اسئلك توفيق اهل الهدى واعمال
اهل التقوى ومناصحة اهل التوبة و
عزم اهل الصبر وحذر اهل الخشية وطلب
اهل الرغبة وعرفان اهل العلم وفقه اهل
الورع حتى اخافك اللهم مخافة تحجز
ني عن معاصيك وحتى اعمل بطاعتك
عملا استحق به كريم كرامتك وحتى انا
صحك في التوبة خوفا لك وحتى اخلص
لك في النصيحة حبا لك وحتى اتوكل عليك

فِي الأُمُورِ كُلِّهَا بِحُسْنِ نَظَرٍ بِكَ سُبْحَانَ
خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ اَللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ فِي أُمُو
رِي كُلِّهَا بِمَا لَا يَمْلِكُهُ غَيْرُكَ وَلَا يَقِفُ
عَلَيْهِ سِوَاكَ وَاسْمَعْ نِدَائِي وَأَجِبْ دُعَائِي
وَاجْعَلْهُ مِنْ شَأْنِكَ فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَهُوَ
عِنْدِي عَظِيمٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و شیخ در مصباح
همین دعا را روایت کرده است از برای فتوحات
که از اول ماه این آیه مبارکه را این نحو بخوانند

اول ماه یکمرتبه	۲ ماه ۳ مرتبه	۳ ماه ۶ مرتبه	چهار ماه ۹	۵ ماه ۱۰ مرتبه
۶ ماه [illegible]	۷ ماه ۲	۸ ماه ۱۵ مرتبه	۹ ماه ۲۴ مرتبه	۱۰ ماه ۲۰۰
۱۱ ماه ۱۸ مرتبه	۱۲ ماه	۱۳ ماه ۴۰	۱۴ ماه ۸۰ مرتبه	۱۵ ماه ۳۰۰
۱۶ ماه ۶۰ مرتبه				

تا آخر ماه بقیه ماه هر روزی صد مرتبه
بخوانند و در لفظ من یشاء مطلب را بخواطر
بگذرانند و ابداً این است الله لطیف
بعباده

بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ
الْعَزِيزُ بجهه رفع دشمن و مخذول و منکوب
و هلاک دشمن که بحق باشد در تاریکی شب سر
تا پا را سیاه بپوشد در جائی که مسجد نباشد
بنشیند و هفتاد مرتبه بگوید یا مذل بقصد
دشمن بعد بسجده رود و بگوید یا مذل الجبارين
و مبير الظالمين ان فلانا اسم دشمن را ببرد
ظلم فلانا اسم آن شخص را ببرد پس در سجده
بخواب رود تا صبح چون صبح شود نماز صبح را
گذارده و زیارت عاشورا را در یک مجلس بجا آورد
از برای چشم زخم چه بزرگ و چه کوچک بنویسد
بر تخم مرغ بسم الله العظيم الشأن القوي السلطان
الشديد الاركان حلبس حابس وحجر يابس و شهاب
قابس وليل دامس وماء فارس في عين العين

وفي لحب خلق الله اليه وفي كبده وكلكله فارجع
البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين
ينقلب اليك خاسئا وهو حسير جاعت
جيعت
نجيعت
جعجعت
مغجعت
انفجعت
انفلقت

بسم الله ... نحاه ... ثم لا يتشاق ... [illegible]

وبعد از سه روز در آب روان اندازند

بجهه بیماری خصم هذا مجرب مجرب جدا بنویسد بن تعوید
در روز چهارشنبه بوقت زوال و در ابگینه کنند و سرش را
محکم کنند و در گورستان کهنه پنهان کنند یک روز
نگذرد که آنکس بیمار گردد

الو الم الدين حم حم حم حم حم حم
حم يس وص والو الو الو الو الو الو
الو الو الو الو الو كهيعص حم

عسق يس في الكافي عن ابي عبد الله قال ان الله
تبارك

تبارك وتعالى يمجّد نفسه في كل يوم وليلة ثلاث
مرات فمن مجّد الله بما مجّد به نفسه ثم كان في حال
شقوته حوّله الله عز وجل الى سعادته يقول
انت الله لا اله الا انت رب العالمين
انت الله لا اله الا انت الرحمن الرحيم
انت الله لا اله الا انت العزيز الكبير العلي
انت الله لا اله الا انت مالك يوم الدين
انت الله لا اله الا انت الغفور الرحيم
انت الله لا اله الا انت العزيز الحكيم
انت الله لا اله الا انت منك بدء الخلق
واليك يعود انت الله الذي لا اله الا انت
لم تزل ولا تزال انت الله الذي لا اله
الا انت خالق الخير والشر انت الله لا
اله الا انت خالق الجنة والنار انت الله

لا اله الا انت احد صمد لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد انت الله لا اله الا
انت الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشر
كون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسما
الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو
العزيز الحكيم اخر سوره انت الله لا اله الا انت
الكبير والكبرياء رداوك ام و در ثلث اخر
شب بخواند مجرب است واخر نماز عصر هم خوب است
الدعاء على العدو من خط حاجي اشرف دولت باد
تصلي بعد المغرب ركعتين وتسال في القنوت
يا عزيز يا جبار يا قهار يا منتقم يا بطاش
يا ذا البطش الشديد والفعال لما يريد يا مدو
خ الجبابرة وقاصم المردة الطالب الغالب
المهلك

المهلك المدرك الذي لا يعجزه شيء والذي
لا يطاق انتقامه فاذا فرغت من الصلوة
قل فلان بما شئت وقال الصم اقلع من المعاصي
وصم وصل وتصدق فاذا كان اخر الليل فاسبغ
الوضوء وقم فصل ركعتين وقل انت ساجد
جهة قضاء حوائج در ثلث اخر از شب بخواند وقصد
كند مجربست اول قرآن را باز كند در ثلث اخر شب
وبگويد اللهم اني اسئلك بكتابك المنزل
وما فيه وفيه اسمك الاعظم الاكبر واسما
ئك الحسنى وما يخاف ويرجى ان تجعلني
من عتقائك وطلقائك من النار پس
مصحف را بر سر نهد وبگويد اللهم بحق
هذا القرآن وبحق من ارسلته به وبحق
كل مؤمن مدحته فيه وبحقك عليهم

فلا احد اعرف بحقك منك يا من اظهر الجميل
وستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة
ولم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن
التجاوز يا باسط اليدين بالرحمة ارحمني
يا صاحب كل حاجة يا واسع المغفرة يا مفرج
كل كربة يا مقيل العثرات يا كريم الصفح يا عظيم
المن يا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها
يا رباه ٣ يا سيداه ٣ ويا غاية رغبتاه اسا
لك يا الله ده بار وبمحمد ده بار وعلى ده بار
الى اخره هر يک را ده بار بگويد تا چهارده معصوم
تمام شود والحجة المهدى ده بار الائمة
الهادين عليهم السلام ان تصل على محمد
وال محمد واسالك يا الله ٣ مرتبه ان تكشف
كربي وتغفر ذنوبي وتنفس همي وتفرج
غمى

غمى وتصلح شانى فى دينى ودنياى وان تبدل
خلقى الجنة ولا تشوه خلقى بالنار ولا تفعل
بى ما انا اهله وافعل بى ما انت اهله ناد عليا
مظهر العجايب تجده عونا لك فى النوايب
كل هم وغم سينجلى بولايتك يا على يا على
يا على برحمتك يا ارحم الراحمين رفاع نفى كتاب
السعادات دعاء التوسل لكل مهم وحاجة
بسم الله الرحمن الرحيم توسلت اليك يا ابا
القاسم محمد بن الحسن بن على بن محمد بن على
بن موسى بن جعفر بن على بن الحسين بن على
بن ابى طالب النباء العظيم والصراط المستقيم وعصمة
اللاجين يا امك سيدة نساء العالمين وبا
بائك الطاهرين وبامهاتك الطاهرين
وبليس والقران الحكيم والجبروت العظيم وحقيقة

الايمان ونور النور وكتاب مسطور ان تكون
سفيرى الى الله تعالى ان لك عنده مقاما محمودا
وانت عنده وجيها فى الدنيا والاخرة الغوث
سه مرتبه البسر سه مرتبه لا اهليك وانت رجائى
يا مولا يا صاحب الزمان الامان سه مرتبه
صلوة الله عليك تكون سفيرى الى الله سه مرتبه
فى الحاجة الفلانية او هلاك ۲ ۲ م ويجعل فى
طينة طاهرة ويلقى فى الماء الجارى او بئر فيه ماء
وانت تقول يا سعيد بن عثمان ويا عثمان بن سعيد
اوصلا رقعتى الى صاحب الزمان بجهة كشادن مرد
لبسته برد وطرف شمشير بنويسد وازاين نجم بخنه مرغ
سياه دا به دو پاره كند ويكى مرد بخورد ويكى زن بخورد
يكتنم لا لا ا ص ص ص لا لا لا ه ه ه ايضا براى
راست وجب مرد بنويسد كشاده شود
وبالحق انزلناه وبالحق نزل كهيعص رقعه جهة
خوف

خوف وحوائج دراب انداز د بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم انى اتوجه اليك باحب الاسماء اليك واعظمها
لديك واتقرب واتوسل اليك بمن اوجبت حقه
عليك بمحمد وعلى وفاطمه والحسن والحسين وعلى
بن الحسين ومحمد بن على وجعفر بن محمد وموسى
بن جعفر وعلى بن موسى ومحمد بن على وعلى بن محمد
والحسن بن على والحجة المنتظر صلواتك عليهم
اجمعين اكفنى كذا وكذا پس بر هم پيچد ودر بندق
گل كذارد ودراب انداز د از تحفة الزائر ايضا
عريضه بجهة مهما وقضاى حوائج وتنگى روزى نوشته
دراب انداز د بسم الله الرحمن الرحيم من العبد
الذليل ۲ ۲ م الى مولى الجليل رب انى مسنى
الضر وانت ارحم الراحمين اللهم صل على
محمد وال محمد اكشف عنى ضرى وهمى وفرج عنى

غمّي وحزني بلا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين يا رحمن يا رحيم بمحمد واهل بيته
الطيبين الطاهرين رقعه كشتم ديد جهة اضطرار
وقضاى حوائج بنويسيد ودر آب اندازد اول سوره حمد
وآية الكرسي وآيه عرش را بنويسيد بسم الله الرحمن
الرحيم من العبد الذليل فلان ابن فلان الى المولى الجليل
الذي لا اله الا هو الحي القيوم وسلام على آل يس
محمد وعلي وفاطمه والحسن والحسين وعلي ومحمد
وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة
يا رب على خلقك اللهم اني اسلم واني اشهد
انك انت الهي واله الاولين والآخرين لا اله غيرك
واتوجه اليك بحق هذه الاسماء التي اذا دعيت
بها اجبت وكنت بي قبل ذلك عياذا او مجيرا ممن
اراد ان يفرط علي او يطغى وبخوان سوره يس وبعد از
ان هو دعائى

ان هو دعائى كه خواهى بكن كه خدا مستجاب ميكند
واين رقعه را در ميان گل بگذارد ودر آب اندازد
وبعضى از روايات نقل شده كه سوره حمد وآية
الكرسي تا خالدون وآيه سخره يا محسنين بنويسيد
وبعد از آن رقعه را بنويسيد با جميع شرايط صلوة
الحاجة في كتاب من لا يحضره الفقيه مروى عن ابي
عبد الله ع بحذف الرواية قال ع اذا نزل بك امر
فافزع الى رسول الله ص وصل ركعتين تهديهما
الى رسول الله ص قلت كيف اصنع قال ع تغتسل
وتصلي ركعتين تستفتح بهما افتتاح الفريضة
وتتشهد تشهد الفريضة فاذا فرغت من التشهد
وسلمت قلت اللهم انت السلام ومنك السلام
واليك يرجع السلام اللهم صل على محمد وآل
محمد وبلغ روح محمد وآل محمد عني السلام والسلام

عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم ان هاتين
الركعتين هدية مني الى رسولك فاثبني عليهما
ما املت ورجوت منك وفي رسولك يا ولي
المؤمنين ثم تخر ساجدا وتقول يا حي يا قيوم
يا حيا لا يموت يا حي لا اله الا انت يا ذا الجلال
والاكرام يا ارحم الراحمين اربعين مرة ثم تضع
خدك الايمن على الارض فتقولها اربعين مرة
وكذلك في خدك الايسر وهكذا بعد رفع الراس ومد
يدك وكذا بعد ان ترد يدك الى رقبتك وتلوذ
بسبابتك ثم خذ لحيتك بيدك اليسرى فابك
او تباك وقل يا محمد يا رسول الله اشكو الى
الله واليك حاجتي واشكو الى اهل بيتك الرا
شدين حاجتي وبكم اتوجه الى الله في حاجتي ثم
تسجد وتقول يا الله يا الله يا الله حتى انقطع نفسك

صل على محمد

صل على محمد وال محمد وافعل بي كذا وكذا
قال ابو عبد الله عم وانا الضامن على الله
عز وجل الا يبرح حتى يقضي حاجته ايضا
صلوة الحاجة
في كتاب من لا يحضره الفقيه صلوة الحاجة
وهذا مجرب تتجربه فصم ثلثة ايام الاربعاء والخميس
والجمعة ابرز الى الله عز وجل قبل الزوال وانت على
غسل فصل ركعتين مثل صلوة التسبيح الا ان
في هذه الصلوة اقرا اخلاص بعد الحمد خمس عشر مرة
وفي الباقية عشرا عشرا واقنت في الثانية قبل الركوع
صلوة الشكر
فاذا تفضل الله عليك بقضاء حاجتك فصل
ركعتي الشكر تقرء في الاولى الحمد وقل هو الله
احد وفي الثاني الحمد وسورة جحد وتقول في الر
كعة الاولى في ركوعك الحمد لله شكرا وفي سجودك
شكرا لله حمدا وتقول في الثانية في الركوع والسجود

صلوة الحاجة

الحمد لله قضى حاجتي واعطاني مسالتي صلوة
الحاجة روي عن ابي عبد الله ايصار ركعتين في الا
ول بعد الحمد اخلاص الف مرة وفي الثانية بعد
الحمد احد عشرة ويسل حاجتك انشاء الله في كتاب

عريضه

السعادات دعاء التوسل لكل مهم وحاجة بسم الله الرحمن
الرحيم توسلت اليك يا ابا القاسم محمد بن الحسن بن
علي بن محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن
الحسين بن علي بن ابي طالب النبأ العظيم والصراط
المستقيم وعصمة اللاجين وبامك سيدة نساء العا
لمين وبابائك الطاهرين وبامهاتك الطاهرات
وبيس والقرآن الحكيم والجبروت العظيم وحقيقة
الايمان ونور النور وكتاب مسطور ان تكون
سفيري الى الله تعالى ان لك عند الله جاها في الدنيا
والاخرة الغوث ثم الغوث يا اهلك وانت
رجائي

رجائي يا مولاي يا صاحب الزمان الامان ثلثا
صلوة الله عليك تكون سفيري الى الله تعم في الحاجة
الفلانية لو هلاك م ٢ م ويجعل في طينة طاهرة
ويلقى في الماء الجاري او بئر فيه ماء وانت تقول يا
سعيد بن عثمان ويا عثمان بن سعيد اوصلا
رقعتي الى صاحب الزمان رقعة جهة مطالبات رقعه
بنويسيد و در آب روان اندازد بسم الله الرحمن
الرحيم الذي خلق الانام وجعل لها وسيلة عندك
بجوده وكرمه ولطفه وعفوه والذي انزل محمد
المصطفى الحميد المجيد الخليق الشفيع واله اما بعد
من العبد الذليل الفقير الى المولى الجليل الكبير سلام
وصلوات بعدد ما خلق الله وعلم الله وسر الله
على محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد
وجعفر وموسى وعلي ومحمد وعلي والحسن والحجة

سیدنا و مولانا صلوة الله علیهم اجمعین اللّهم
انی اتوجه و اتشفع و اتوسل و اتقرب فی ما انا
فیه بجودک و کرمک بمحمد و آله و بالقران العظیم
الحکیم و بالانبیاء و المرسلین و الملائکة المقربین
یا محمداه یا ابا القاسماه بابی انت و امی الی الله
اتشفع بک و بالائمة من ولدک و بعلی وصیک
بالحق بعدک بلا فصل و بفاطمه و الحسن و الحسین
و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن
و القائم صاحب الامر اللّهم فصل علیهم حتی یرضاک
اللّهم انی اشهد انک ربی و رب کل شیء بدیع السموات
و الارض ذو الجلال و الاکرام و ان محمدا و علیا وزیر و حجته
و ولدیه عبیدک و امائک و انت ولیهم فی
الدنیا و الاخرة اللّهم انی اتوسل الیک بهم و
اتشفع بهم الیک ان تقضی حاجتی فلان اللّهم
انت ولی

انت ولی نعمتی و القادر علی طلبتی تعلم حاجتی
فصل علی حبیبک و نجیبک و صفوتک محمد و آله
و اوصیائه و احبائه و انصاره علیهم السلام
لما قضیتها الی فقد مسنی الضر و الخوف و الفقر
و انت کافی عنهم و انت ارحم الراحمین یا سریع
یا قریب یا سریع یا قریب یا سریع یا قریب یا
مجیب یا مغیث یا مجیب یا مغیث یا مجیب
یا مغیث بهر حوائج چون کسیرا حاجتی باشد در صباح مجرب
پنجشنبه باید دو رکعت نماز بگذارد و در هر
رکعتی بعد از فاتحه معوذتین و اخلاص و قدر
و آیة الکرسی و پنج آیه از آل عمران ان فی خلق السموات
تا انک لا تخلف المیعاد و چون سلام دهد بعد از
تسبیح فاطمه علیها السلام بگوید مولای مولای
انقطع الرجاء الا منک و خابت الامال الا

فيك فاسئلك يا الهي بحق من حقه واجب
عليك ممن جعلت له الحق عندك ان
تصلي على محمد وال محمد وان تقضي حاجتي
ومطلب بطلبد که روا میشود البته واز حضرت
امیر المومنین ع روایت است که بطلبید حوائج
خود را در بامداد پنجشنبه وچون از منزل بیرون
اید بطلب حاجت بخواند اخر سوره ال عمران
وایة الکرسی وانا انزلناه وام الکتاب که در قرائت
اینها است قضای حوائج دنیا واخرت نماز حاجت
بهر مرادی که طلبی دو رکعت نماز بگذارد ودر هر
رکعتی بعد از حمد چهل مرتبه وانه من سلیمان
وانه بسم الله الرحمن الرحیم وبعد از نماز سیصد
وشصت نوبت بگوید یا مسخر اللیل والنهار
سخره لي دفع گزیدن عقرب بیك نفس این اسماء
بخواند

نماز حاجت

دفع گزیدن عقرب

بخواند واب دهن در جای نیش عقرب اندازد شفا
یابد اما عقرب گزیده هم باید بنفس نگاه دارد بسیار
مجرب است دهلا دهلیلا دهلینا مبطرون
دفع درد دندان بنویسد شغلونی وبر
روی تخته یا زمین گذارد وبعد وسه صلوات
بفرستد ونیت کند ومیخ اهنی بر حلقه میم زند اگر ساکن
شد فبها والا بدین دستور بر حلقه عین والا
بر حلقه واو که البته شفا یابد ودر هر یک البته
حمد وسه صلوات بخواند ونیت کند که مجرب است
دوای ابستنی مایه خر گوش زهره گرگ کتیرا بادام
دو شاب انگور بقدر حاجت مجموع را کوفته شیاف
سازد در روز هفتم عذر یکی استعمال کند وتا شب
بگذارد وشب اب نخود نر بسازد وخود را پاك
کند ودیگری بردارد که بفرمان خدای عز وجل ابستن شود

درد دندان

ابستنی

درد کوش روغن ترب درد کوش را نافع بود و باد کوش را
نافع بود صفت آن بکیر آب ترب سه جزو و روغن کنجد
یکجزو و بجوشاند تا آب برود و روغن بماند قدری
در کوش چکاند ضمادی که خنازیر را تحلیل دهد کتیرا
یکدرم نانخواه دو درم صبر یکدرم باب کشنیز تا
زه ضماد کند معجون حفظ بادیان بادرنجبویه
تخم هندبا ترنجبین دارچینی زعفران زنجبیل
سعد کندر باعسل معجون کرده بخورد
دفع بیماری بلغم و صفرا و ثوبان کند بجهة رویای
حضرت صاحب در شب جمعه یا شب سه شنبه
سوره والشمس و واللیل هر یک هفت بار
و این دعا نیز هفت بار بخواند و با وضو بخوابد
و در جائی باشد که زن در آنجا نخوابیده باشد
و هر سؤالی که خواهد طلب نماید روا شود ان شاء الله

و دعاء

و دعا اینست اللهم انت ربی و رب آبائی
و انت خلقتنی و خلقت امامی و انت رز
قتنی و رزقت امامی فارض عنی و ارض
عنی امامی محمد بن الحسن المهدی صاحب
الزمان صلوات الله و سلامه علیه و علی
آبائه الطاهرین بجهة تنبیه اعداء و تخریب
اشرار از روز چهار شنبه آخر ماه مکانی مجرب
اول باید که چهل یکنوبت [illegible]
[illegible] بسم بخواند بر
[illegible] و چهل یکمرتبه
آیة الکرسی بر [illegible]
اول اولارا بپاشد و دو سه روزی یا هفته
صبر کند اگر مطلب بعمل آمد فبها و الا اخرا
بپاشد که مجربست فائده اگر خواهی از شخصی

تنبیه اعدا

یا از بزرگی چیزی بگیری باید که سه شب متوالی
در وقت خواب پنج نوبت ١١١ ٤ ٥٩٢ ٤ ٧ ٧
٥٥ یس ٥ بخواند بهمان قصد دشمن زیاد که دارد
و دویست مرتبه این دعا را بخواند و بگوید ٢٢٢
امشب اژدها با خرسی برو حمله کند و بگوید که
٢٢ ٢ ٢ ا اینقدر چیزی بده و اگرنه تو را هلاک
میکنم و اسامی اینست یا طمخیشا یا شیتشا
یا شیشا و نسخه دیگر یا طرخیشا یا شیتشا
یا شیتشا ایضا یس و والضحی پنج بار باب
خواند غسل کند و بعد از آن صد مرتبه بگوید
یا ترخمیشا یا ستمیشا امشب بخواب من آمده بصورت
اژدهائی و بگو فلان قدر بده بفلان و الا تو را هلاک
میکنم مجرب است از برای حوایج سیزده واو بنویسد
بر کاغذ و در وقت نوشتن یا شکور یا حکیم بخواند
وان کاغذ

وان کاغذ را در مصحف گذارد البته آن مطلب حاصل
شود بجهة گشایش کارها و رفع هم و غم و وسعت
رزق و رفع اعادی و برآمدن جمیع مطالب در نصف
شب دو رکعت نماز گذارد و در رکعت اول بعد از حمد
یکمرتبه سوره قدر بخواند و پانزده اَستَغفِرُ الله
و بعد از ذکر رکوع و رفع راس از او و بعد از هر سجده ها
و در سجودها هر یک ده مرتبه اَستَغفِرُ الله بگوید
و در رکعت دوم بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله
یکمرتبه و اَستَغفِرُ الله پانزده مرتبه بگوید و تتمه را
بطریق رکعت اول بکند و بعد از نماز دعاء حضرت
صاحب الزمان بخواند اللّهُمَّ کُن لِوَلیّکَ الخَلَفِ
الصّالِحِ مُحَمَّدِ بنِ الحَسَنِ فی هذهِ السّاعةِ وَ
فی کُلِّ ساعةٍ مِن ساعاتِ اللیلِ وَالنَّهارِ وَلیّاً
وَحافِظاً وَناصِراً وَدَلیلاً وَعَوناً حَتّی تُسکِنَه

آن منک طوعا تمتعه فیها طویلا یا مدبر الامور
یا باعث من فی القبور یا مجری البحور یا ملین
الحدید لداود وصل علی محمد وال محمد الغوث الغوث
الغوث یا صاحب الزمان ادرکنی وعجل ادرکنی
وعجل ادرکنی وعجل ودر هر روز وقت بر امدن
از خانه یکمرتبه بخواند ودست بر صورت کشد و بهر
کاری که خواهد برود دیگر مرتبه بخواند بجهه قضای حوا
ئج اگر صبح بخواند روز یکشنبه بعد از نماز صبح پیش
از انکه سخن بگوید یا متوجه امری شود هفتاد یکبار
بخواند شب بمقصود برسد واگر چند روز متوالی
بخواند وقت از تغییر بدهد دعا اینست یا حی
یا قیوم یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من
اتی الله بقلب سلیم وازلفت الجنة للمتقین
غیر بعید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
ومن الله

ومن الله والی الله وفی سبیل الله اللهم
الیک اسلمت نفسی والیک وجهت وجهی
فاحفظنی بحفظ الایمان من بین یدی ومن
خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی
ومن تحتی وادفع عنی شر ما قضیت
بحولک وقوتک فانه لا حول ولا قوة الا
بک یا ارحم الراحمین هو القادر المسبب المتعال
بسم الله استفتح وبسم الله استنجح وبمحمد صلی
الله علیه واله اتوجه اللهم ذلل صعو
بة امری وکل صعوبة وسهل حزونة
امری وکل حزونة فاکفنی امری وکل مؤنة
بجهه قضاء حوائج پیش از طلوع صبح هزار یکبار یا هشت صد بار
بخوانند خالصا مخلصا الله توئی قادر در ماندم منم عاجز
تقدیر تو کردی تدبیر بکن اخر سر برهنه بخواند ایضا

دردو در جمع غسل کند و سر بخطمی بشوید و رخت تازه
بر پوشد و شب شنبه نصف شب دو رکعت نماز
حاجت بگذارد و صد مرتبه صلوة بفرستد و هزار یکبار
این بیت بخواند تا شب شنبه دیگر و در ملازمت همین
شب اولست چون نیمه روشن شود که کو با همتا
در اینجا تا بیم هر قصد که دارد بخواهد البته مستجاب
شود و حاجت بر آید و در هفته دویم البته ظاهر خواهد
شد ای همه هستی من نور دارم و بس محبوب
منی و نیست همتا تو کس من بیکسم کسی ندارم
جز تو الله در اینها تو بفریادم رس ای جهه
هر مطلب بخوانند میشود خصوصا رابا که مطالب در خواب
خواهد دید و اگر با سوره والشمس و واللیل بخواند
خوب تر است اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضِ وَاخْتِلَافِ
اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْ
کرون

[margin note, partly illegible:] ... علامت طالع شدن ... بجهت حصول مطالب

كُرُونَ اللّٰهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ
وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالأَرْضِ رَبَّنَا
مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ
النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَ
يْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ رَبَّنَا إِنَّنَا
سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا
بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ
عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا
مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ دعوت آیه نور از روز یکشنبه
زاید النور شروع کند با غسل توبه هر وقت از شب
باشد با حضور قلب هفتاد مرتبه بخواند و هر شب
پنج مرتبه زیاد کند تا یک اربعین که ۳۴۰ باشد و بخواند
و بعد شروع کند در کسر و هر شب ۱۰ مرتبه کم کند

تا آنکه عدد یکصد و بیست منتهی بشود آنرا همیشه

مواظبت کند بعد از نماز مغرب یا عشا یا بین هر دو

یا وقت خوابیدن و بعد هر چه خواهد بزبان جاری

سازد و در عقب آن یکمرتبه ایدرا بخواند که فورا میشود

تا آثار انشود اثر بر طرف نشود از عزل و نصب و شفای

امراض و اعضا و دفع عدو و هر چه خواهد بزبان جاری

سازد و در عقب یکمرتبه بخواند بشود اما اقل اوقات

با صوم و سلوك باشد و طهارة لازم این ورد است

بجهه فتوح مطلق خصوص فتوح نوشته با خود دارد و در خانه خالی مطلب بنویسد عدد ١٧٨٨

سوره توحید مع بسم الله

١٨	٨	٦	١٧٥٦
٤	١٧٥٨	١٦	١٥
١٧٥٢	٢	١٣	١٢
١٤	٢٥	١٧٥٤	فتوح ارجیب برسد الخلا

عدد آیه و یخنده

مفاتح الغیب

٩٩ ٢ ٨

بجهه فتوحات

در ... مربع

٣٢ ٩٣

بهد در ساعت سعد بجی بست و با خود دارد والسلام

اشاره سیفی

اشاره سیفی در اثبات الفاشی جهه تسخیر جن و اطاعت

ایشان بخوانند میشود خواندن هشت بار الهی

بجلال قدسك و كمال انسك و بنظرك الى اوليائك

و بفرك الى اصفيائك و بمحبتك الى طالبيك

و بشوقك الى مشتاقيك ان تقضي حاجتي كن فيكون

امر كياش كل شئ دون قدرتك ضعيف فراش

كل شئ منقاد لعظمتك بدروش انت الذي

ارسلت الملائكة على الشياطين مارش فلك

الحمد على كل شئ كرشا اهلكت المتمردين بعظمة

جلالك و كمال قدرتك مقهورين انا عبدك

الضعيف دعوتك فاستجب مني بحقك على

نفسك يا الها جبارا جليلا حيا قيوما اقدرشا

مقدرشا مقدرشا اشمخا المخطا ترسل الملائكة

في اسرع وقت جلهيسا و ما ارسلناك عليهم حفيظا

بل الرحمن ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت واخذوا
من مكان قريب واكر روزى هفتاد مرتبه بخواند زود
اجابت شود واين اشاره اخوند ملا محمد تقى است

بجهت حوائج

بجهت حوائج از حضرت امام حسن مجتبى ع منقولست
كه كسى راكه محنتى روى دهد كه بهيچ وجه دفع ان
نتواند كرد در موضع خالى رو بقبله نشسته با كسى
سخن نكويد و هزار نوبت بخواند يا مغيث اغثنى
بحق بسم الله الرحمن الرحيم يا صاحب المرئى والمسمع
اغثنى بحق طه ويس وصد بار بكويد ادفع العظيم
بالعظيم وانت اعظم من كل عظيم دفع خوف وخطر

دفع خوف وخطر

وهر مهم صعبى كه رو دهد ششصد مرتبه بخواند
اين ايه را الا ان اولياء الله لا خوف عليهم ولا
هم يحزنون از جميع ترسها ايمن كردد البته بجهت

قضاء حوائج

قضاء حوائج كلى شب جمعه را اينده روز كند بعد از طلوع
صبح ششصد

صبح ششصد مرتبه ما شاء الله لا حول ولا قوة الا
بالله بكويد دعاى در امور كلى مجرب كرده از روى خط
اخوند ملا محمد تقى مجلسى ره نوشته شد اكر كسى

مهمات صعبه

در كار صعبى در مانده اين ايه مباركه را هفت شب بعد از
نماز خفتن هفتاد يكبار بخواند وبعد از ان با كسى
حرف نزند وهر شب منتظر باشد كه در خواب چاره
كار او را خواهند كفت وراه نمونى خواهد كرد واكر
با سوره والشمس و والليل بخواند هم جايز است
وما من غائبة فى السماء والارض الا فى كتاب

لدفع الاعداء

مبين لدفع الاعداء يصلى ركعتين ويقرء سورة
نوح سبع مرات وهذه الايه اربعين مرة ربنا اطمس
على اموالهم واشدد على قلوبهم فلا يؤمنوا
حتى يروا العذاب الاليم ويقرء هذا الدعاء اربعين
يدفعهم الله بعد بفضله وكرمه وقل بعد هما

اللهم شتت شملهم وبدد جمعهم وفرق
كلمتهم وقلب تدبيرهم وخرب بنيانهم
وقرب اجالهم وبدل احوالهم واشغلهم با
بدانهم واجسادهم وامت عنا اذاهم وقنا
شرهم وادفع عنا كيدهم واكفنا مكرهم وخذهم
اخذ عزيز مقتدر يا قاهر يا قهار و يا ذا
البطش الشديد انت الذي لا يطاق انتقا
مه يا قهار يا قهار يا قهار اللهم انك
تكفي من كل احد ولا يكفي منك احد فاكفنا
بما شئت وانى شئت فانك على كل شيء
قدير فايده خواندن ذکر یا حی یا قیوم روایت
است از حضرت امیر المومنین که هر که بعد از
نماز صبح یا حی یا قیوم بحضور قلب بخواند
وسه بار اینده عمل بخواند حق تعالی از عزیز دنیا
واخرش

واخرش گرداند و در میان خلق عزیز شود و حوایج مشروعه
او بر اورده شود و عمر طبیعی بیابد اللهم انی اسئلك
بنجره فواصف دعود تلاطم امواج بحر سر
اسمك العظيم الاعظم انت الله الا انت الحی
بعد فناء الامم القيوم الذی لم تنم الموجود
قبل العدم یا من علم الانسان ما لم یعلم یا من
حفظ موسی من الیم یا من تعالی علاه وما یشاء
ابرم اسئلك باسمك العظيم الحی القيوم
المبجل المكرم ان تصلی علی محمد سید الامم
وعلی الدما طار علی دوحه ترنم وان تقضی
حوائجنا ولا تخیب ظننا امین برحمتك
یا ارحم الراحمین طریقه ختم یا من تحل به عقد
المكاره مجرب روز سه شنبه شروع کند و یکبار بخواند
و روز دو سه بار و هر روز دو بار زیاد کند تا روز

سیزدهم که بیست و پنج بار بخواند که در سیزده
روز یکصد شصت و نه بار خوانده شود و هر روز
بعد از ختم یکصد بار بگوید ذلك فضل الله
یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم و بعد
از اینها هزار مرتبه یا خیر الفاتحین بگوید و اگر در سجده
بگوید بهتر است مجربست دفع عدو و دفع خصم
و مضرت او خواه تسخیر عدو و رفع او و خواه زبان بندی
او و این مجربست در ساعت روز یکشنبه و ساعت
اخر روز دوشنبه و ششم از روز سه شنبه و
دهم از روز چهارشنبه و دویم از روز پنجشنبه
و یازدهم از روز جمعه و این فقیر بغایت
پسندیده و عدد خواندن شانزده بار است
و دعا اینست تعالیت یا من تقاصر کل فکر
عن حصر معنی من معانی اسمائه و کل علو
او رفعه

دفع عدو و خصم

او رفعة فمن ذلك العلو والرفعة صدوره
ظاهرا و باطنا تقدس مجدك یا من اشار
عرشه و اظهر کبریاؤه و مجده اسألك
بالصفات التي لا تعلق لها بموجود یا ذا
العظمة والکبریاء والجلال والجمال اسألك
الانس بمقابلات سر القدر انشار بمحو اثار
وحشة الفکر حتی یطیب وقتی بك فاطیب
وقتی بك فلا یتحرك ذو طبع بمجال الفتن الا
صغر بعظمتك و قهر بکبریائك انك جبار
الارض والسماء و قاهر الکل بقهرك بجهة کشف
مغیبات در جفر و غیره در خواب شب جمعه صد بار
صلوات بر رسول ص بفرستد و ١٤٣ نوبت فاتحه
و یازده بار تکبیر بارواح جمله اولیا فرستد و سه
نوبت بخواند اللهم اغفر لي ولكاشفه ولكاتبه

ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین
والمسلمات سیما صاحب المکاشفه والکشف
هذا المهم یا کاشف المهمات برحمتک یا ارحم
الراحمین و بجواب رود البته فتح بیاید و در
اعمال این ورد نگاه دارد و اگر همه نتواند خواند
سه عدد از خواندن فاتحة الکتاب غافل مشو که سری
عظیم در این هست خواص اسماء این جمله فتح
و نصرت و برآمدن مهم دین و دنیوی و حل مشکلات
بهر وقت که بحضور دل بشب اول میگوید المهیمن
الفتاح الودود الواسع الشهید نعم المولی
۱۲۳۹
و نعم النصیر یکهزار و دویست و سی و نه مرتبه بخواند
جمیع حاجات او برآید دفع دشمن و قهر اعدا
و منع ظالم این کلمات را اثری تمام دارد میان نماز
شام و خفتن باید گفت بخلوت سر برود در میان

با کسی سخن

۲۲۶۵
با کسی سخن نباید گفتن بعدد دو هزار و دویست
و شصت مرتبه بخواند یا ذا البطش یا قاهر
یا منتقم خذ فلان بحق الکلمات المذکوره
۶۶
آنگاه سر بسجده نهد و پنجاه و شش بار بگوید
یا مجیب برسد بر دشمن آنچه رسد و از زد
خوان آنچه محدث متعلقست خواه حرمت و محبت
و خواه برآمدن حاجات و مهمات اینست دعا مجرب
رب قلبنی فی اطوار معارف اسمائک تقلیبا
و تشهدنی به فی ذرات وجودی ما اودعته
فی عالم الملک والملکوت حتی اعاین سبحان
سر قدرتک فی معالم المعلومات فلا یبقی
معلوم الا وبیدی سر دقیقه منه مجذوبة
عنی بید کمال ونور الطلوع اذهب به ظلمة
الاکراه حتی اتصرف فی المبتهج بمبتهجات

المحبة انك المحب المحبوب يا مقلب القلوب
ويا كاشف الكروب ودر كفتن يا مقلب القلوب
تصور دل محبوب كند والله اعلم بجهة دفع عدو و
از دشمن بخواند بسم الله الرحمن الرحيم يا الله
يا الله يا الله اسالك يا ملك الملوك الاول
القديم الابدی الذی لا یزول ولا یحول انت
الله العظيم الكافی كل شیٔ المحيط بكل شیٔ اللهم
اكفنی باسمك الاعظم الاجل الواحد الاحد الصمد
الذی لم یلد ولم یولد ولم یكن له كفوا احد حجبت
عنی شرورهم وشرور الاعداء كلهم وسیوفهم
ورماحهم والله من ورائهم محیط اللهم احجب
عنی شر من اراد بی سوء بحجابك الذی احتجبت به
فلم ینظر الیه احد من شر نفسه الجن والانس
ومن شر سلاحهم ومن الحدید ومن كل ما نخوف

ونحذره ومن شر كل شدة وبلية ومن شر
ما انت به اعلم وعليه اقدر انك على كل شیٔ
قدير وصلى الله على محمد نبيه وآله وسلم تسليما
بجهة محافظة از حربه در جنگ و غیر جنگ تجربه شده
مجرب است كبكبكج طاعت ها قهر قهر

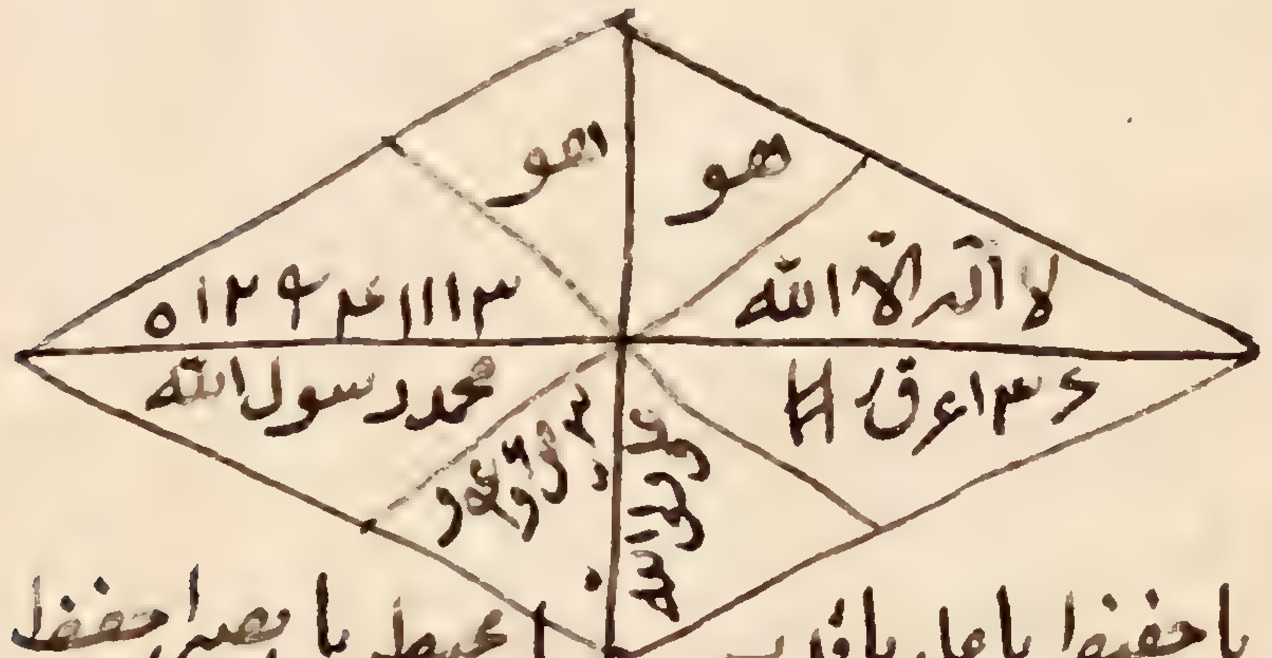

يا حفيظ يا عليم يا قدير يا محيط يا بصير احفظ
حامل هذا الشكل فی كنفك يا سميع
بجهة حوائج ومهمی كه پیش آید خواه دنیوی و خواه اخروی
ده روز هر روز ده بار بعد از نماز صبح پیش از آنكه
سخن كوید بخواند و سر بسجده نهد برآید و حاصل شود
بسم الله الرحمن الرحيم يا مفتح الابواب يا مسبب
الاسباب يا مقلب القلوب والابصار يا دليل

المتحيرين يا غياث المستغيثين اغثني توكلت
عليك يا رب افوض امري اليك يا رب لا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم اللهم صل على
روح محمد بين الارواح وعلى جسده بين الاجساد
وصل على قبره بين القبور وصل على اسمه
بين الاسماء برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى
على محمد واله اجمعين مناجات مستجاب مجرب
الهي لا رب لي سواك فادعوه ولا اله لي غيرك
فارجوه انت الرب وانا العبد والعبد يخطي
والرب يعفو فان كانت دعوتي لك صادقة
ويقيني لك خالصا فاغثني يا غياث المستغيثين
اية ملكه قل اللهم باشد تا اخر خواندو كويد
الله اكبر والله اكبر والله اكبر خضعت البرية
لعظمة جلاله اجمعون وذل لعظمة عزه كل
متعاظم

متعاظم منهم ولا يجد احد منهم الى مخلصا
بل يجعلهم والله شاردين متمزقين وفي
عز طغيانهم هالكين بقل اعوذ برب الفلق
السورة وبقل اعوذ برب الناس السورة وبقل
اعوذ برب الفلق عني باب المتاخرين منكم الفلق ٣
وتهم ضالين مطرودين بالصافات با
لذاريات بالمرسلات بالنازعات ازجركم
عن الحركات كونوا رمادا ولا تبسطوا الي
يدا اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم
وتشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون هذا يوم
لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون
عميت الاعين وخرست الالسن وخضعت جمد
الاعناق للملك الخلاق اللهم بالميم والعين
والفاء والحائين بنور الاشباح وبالاضياء

الاصباح وبتقدیرک لی یا قدیر فی الغدو
والرواح اکفنی شر من دب ومشی وتجبر وعتا
الله الغالب لا ملجا منه الهارب نصر من الله
وفتح قریب اذا جاء نصر الله والفتح ان ینصرکم
الله فلا غالب لکم کتب الله لاغلبن انا ورسلی
ان الله قوی عزیز امن من استجار بالله ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم اسماء بمثنی مسیح که جهت
جلب رزق و تسخیر توان خواندن اینست و بخور لبا
وقت بوت باید خواند که مجربست بسم الله الرحمن الرحیم
اهج اهج یهوج هبلج هبلوج جاج اعج یا معشر
الارواح الروحانیه اکسونی انوارکم الراضیه
وانفسکم العطریه وکونوا معینی علی جلب
الرزق وتسخیر الخلق بحق الکلمات التامات المقد
سات وبحق ما اقسمت به علیکم وانه لقسم لو تعلمون
عظیم

دعا در جلب الرزق

عظیم انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون مجلوا
مجلوا مجلوا الوحا الوحا الوحا دعاء امیر المؤمنین
هر کس بهر مطلب که قصد کند و بخواند روا میشود و
ثواب بسیار دارد فی مفاتیح النجاه عباسی
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک حی لا یموت
وصادق لا تکذب وقاهر لا تقهر وبدیء
لا تنفد وقریب لا تبعد وقادر لا تضاد
وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم وقیوم لا تنام
ومجیب لا تسأم وجبار لا تعان وعظیم لا
ترام وعالم لا تعلم وقوی لا تضعف و
حلیم لا تجهل وجلیل لا توصف ووفی لا
تخلف وغالب لا تغلب وعادل لا تحیف
وغنی لا تفتقر وکبیر لا تغادر وحکیم
لا تجور ووکیل لا تخیف وفرد لا تستشیر

دعای امیر المؤمنین بجهت مطلب

وَوَهَّابًا لَا يَمَلُّ وَعَزِيزًا لَا يُسْتَذَلُّ وَسَمِيعًا لَا
يَذْهَلُ وَجَوَادًا لَا يَبْخَلُ وَحَافِظًا لَا يَغْفَلُ وَقَائِمًا
لَا يَسْهُو وَدَائِمًا لَا يَفْنَى وَمُحْتَجِبًا لَا يُرَى وَبَاقِيًا
لَا يَبْلَى وَوَاحِدًا لَا يُشَبَّهُ وَمُقْتَدِرًا لَا يُنَازَعُ
يَا كَرِيمُ الْجَوَادُ الْمُتَكَرِّمُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ الْقَادِرُ
يَا عَزِيزُ الْمُتَعَزِّزُ يَا مَنْ يُنَادَى مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ
بِأَلْسِنَةٍ شَتَّى وَلُغَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ وَحَوَائِجَ مُتَتَا
بِعَةٍ لَا يَشْغَلُكَ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ أَنْتَ الَّذِي لَا
تُفْنِيكَ الدُّهُورُ وَلَا تُحِيطُ بِكَ الْأَمْكِنَةُ
وَلَا يَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَيَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَفَرِّجْ عَنِّي مَا
أَخَافُ كَرْبَهُ وَسَهِّلْ لِي مَا أَخَافُ حُزُونَتَهُ وَسُبْحَا
نَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لتسخير اعداء مجرب يا مجرى
الشمس

الشَّمْسِ وَالنِّيلِ يَا مُسَخِّرَ الْبَقِّ وَالْفِيلِ
يَا فَالِقَ الْبَحْرِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اللّٰهُمَّ بِعَيْنِكَ
الَّتِي لَا تَنَامُ وَبِقُوَّتِكَ الَّذِي لَا يَزُولُ أَبَدًا
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ سَخِّرْ لِي فلان كما اريد
فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تُرِيدُ وَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
يَا طَيْهُوجُ يَا طَيْهُوجُ يَا بَدِيعَ الْعَجَائِبِ بِالْخَيْرِ
رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ يَا مَنْ يَفْعَلُ
مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ يَا سَرِيعُ
يَا قَرِيبُ بجهة درد چشم وارد شده است که سه بار
بر آب بخوانند عَيْنُ الشَّمْسِ فِي لُجَّةِ الْبَحْرِ يَا نَارُ
كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ وچشم خود را
بآن آب بشوید که آن درد باذن الله تعالی ساکن گردد
بجهة درد چشم مجرب است این نوره را بخوانند واگر بنو
یسند بر جای تربت امام حسین در آب زمزم بشوید

ودر شیشه کند سه بار ابر دانبویند و هر وقت
که چشم درد کند در چشم کشند درد ساکن شود
و روشنی او زیاد کردد از اول و این کلمات را بعد از
ابر باید نوشت که بسیا مجرب است اُسکُنِی اَیَّتُهَا
العِرقُ الضَّارِبُ حَتّی تَنَامُ العَینُ السّاهِرَةُ
فِی الدُّنیا وَالاٰخِرَةِ بحق هذه الاسماء العظام
ه٤٢٦٨١١٢١ ل م ن ج غ ل ه ع ی ن ی ن و
دس از او شرف ت ی ن و اکر با این دعا دعا کند برای سبب
مرده زنده شود یعنی بر اسب و امثال اینها یا بجس
که تو انا شود تا هفده روز هر روز باید خواند اَقسَمتُ
عَلَیکَ اَیَّتُهَا العِلَّةُ بِعِزَّةِ عِزَّةِ اللهِ وَبِعَظَمَةِ
عَظَمَةِ اللهِ وَبِجَلَالِ جَلَالِ اللهِ وَبِقُدرَةِ قُدرَةِ
اللهِ وَبِسُلطَانِ سُلطَانِ اللهِ وَبِلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
وَبِمَا جَرٰی بِهِ القَلَمُ مِن عِندِ اللهِ وَبِلَا حَولَ وَلَا قُوَّةَ
الا بالله

الا بالله العلی العظیم و این شکل را در پیش سر او
او باید اونخت ٩ سو ١١١١ ☐ صلی و الا ه بجهه
ر ایاد و مطالب با ائمه یا پیغمبر ص از صلحاء شیعه
منقولست که با وضو رو بقبله و لباس طاهر و ثلث
اکل در جای تنها این سوره ها را هر یک هفت بار
بخواند با نیت خالص سوره حمد آیه الکرسی
سوره والشمس سوره واللیل سوره والضحی
سوره الم نشرح سوره والتین و این دعا را نیز
هفت بار بخواند وَکَفٰی بِاللهِ نَصِیرًا وَکَفٰی
بِاللهِ حَسِیبًا وَکَفٰی بِاللهِ وَکِیلًا وَکَفٰی بِرَبِّکَ
هَادِیًا وَنَصِیرًا وَکَفٰی بِرَبِّکَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ
خَبِیرًا بَصِیرًا وَکَفَی اللهُ المُؤمِنِینَ القِتَالَ
وَکَانَ اللهُ قَوِیًّا عَزِیزًا وَکَفٰی بِاللهِ عَلِیمًا بِرَحمَتِکَ
یَا اَرحَمَ الرَّاحِمِینَ بجهه مکاشفات مهمات صنوف

درخواب مکرر کند تا خواب ده و دید ابو القاسم
اللهم انی اسالک بحق الصاد علیک با
صانع باعتقاد فقیر محمد مهدی انکه در وقت
خواب هفتصد هشتاد شش بار بخوانند و نیت
کنند بهتر باشد باجابت صلوة الحوائج عن الائمه
صلوة امیر المؤمنین ع اربع رکعات فی کل رکعة الحمد مرة
وهل اتی عشرة مراة بعد الفراغ یصلی علی النبی مائة مرة
ویسال حاجته صلوة الحسن والحسین اربع رکعات
فی کل رکعة الحمد مرة وقل هو الله احد عشرین مرة ویسال حاجته
صلوة زین العابدین رکعتین فی کل رکعة الحمد مرة وایة
الکرسی مائة مرة ویصلی علی النبی ص ویسال حاجته
صلوة باقر رکعتین فی کل رکعة الحمد مرة وایة شهد الله
مائة مرة فاذا فرغ یصلی علی النبی ص مائة مرة ویسال حاجته
صلوة جعفر بن محمد اربع رکعات فی کل رکعة الحمد مائة مرة

ویقول

ویقول ایاک نعبد وایاک نستعین فاذا فرغ یصلی
علی النبی ص ویسال الحاجته صلوة موسی بن جعفر رکعتین
فی کل الحمد مرة وقل هو الله احد اثنی عشر مرة فاذا فرغ
یصلی علی النبی ص ویسال الحاجته صلوة موسی الرضا
ست رکعات فی کل رکعة الحمد مرة وعشر مراة هل اتی وبعد
الفراغ یصلی علی النبی ص مائة مرة ویسال الحاجته صلوة
محمد بن علی تقی اربع رکعات فی کل رکعة الحمد مرة واربعین
مرة قل هو الله احد فاذا فرغ یصلی علی النبی ص ویسال الحاجته
صلوة علی بن محمد هادی رکعتین فی کل رکعة الحمد مرة
وسبعین مرة قل هو الله احد فاذا فرغ یصلی علی النبی ص
ویسال الحاجته صلوة حسن بن علی العسکری رکعتین
فی کل رکعة الحمد یقرء مائة قل هو الله احد فاذا فرغ یصلی
علی النبی ص ویسال الحاجته صلوة محمد المهدی رکعتین
فی کل رکعة الحمد ویقول ایاک نعبد وایاک نستعین مائة مرة

ونصلی علی النبی صـ و بسال حاجته ابلیس العابدین

اسماء الاعظم عن الصادق اول الحمد لله دویم بسم الله

الی اخر سیم نودنام چهارم باحی یا قیوم پنجم یاذا الجلال

والاکرام ششم ثلاث ایات اخر سوره الحشر هفتم ایه

اخر سوره الملک هشتم ایة الکرسی نهم وعنت الوجوه

للحی قیوم دهم والهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن

الرحیم یازدهم الله لا اله الا هو الرحمن الرحیم دوازده

دهم ربنا چهاردهم اول سوره حدید الی

بذات الصدور پانزدهم صادق لو انزلنا الی سوره

شانزدهم القریب والوهاب هفدهم الودود

ذو العرش المجید الفعال لما یرید هیجدهم

بین جلالتین فی سوره الانعام نوزدهم

فی الحوامیم بیستم فی بین بیست یکم فیما بین

الحوامیم بیست دوم علی صراط مستقیم بیست

سیم المتکبر

سیم المتکبر عدد دیح ایه که اول واخر کهیعص

وحمعسق دارد با مقطعات قرانی ٤٢٦٤ کبیر

در خانه ١٣ ایک اضافه کند عدد سیفی رسد

خواند اول ٩ ٧ ٣ ٨ ٤ کبیر در خانه نهم یک عدد

اضافه کند عدد تمام قران رسد خانه اول ٣٨ ٩٩٩ ٢ ٤

در خانه ١٣ سه عدد اضافه کند الله الصمد

حرز دعاء

١ ٣ ٢

٦٣	١٦٤	١٤
٢٨	٧٧	١٢٦
١٤١	فم	٩١

دعاء کیسه نوشته در ظرف پول

گذارد هرگز از پول خالی نباشد

ح ال دد لله ایضا

٩٩٩٩٩٩٩٩٩

ح الرر لله ایضا

حرز دعاء

ایضا دعاء کیسه نقل عریکینزه افتاب بلند شده باشد

در روز هفتم هر ماه سه لام نوشته باشش ذا الطول

بخاطر جمع که بسیار مجرب است مجهر غنی

ل ل

ذو الطول ذا الطول ذا الطول

ذو الطول ذا الطول ذا الطول

اگر خواهی که کسی را در خواب ببینی بنویس و در زیر سر
گذارد مراد حاصل شود محمله محمله
سلعها صعه ۱۱۹ ۱۱۹ ۱۱۱ ط ۱۱ ۱۱ ه ۱۱ واگر این شکل را
بنویسد با سم ... بد نباشد در نسخه هست
عبطح سعصهح سعطح طح معصعسح
هعمطع جهت را با سم ... نوشته بزیر سر گذارد

بجهة اخبار در خواب هر یک از این اسما را بعدد جمل بخوانند
بچند شرط با طهارت کامل و صدق صحیح و بذکر این اسما
در فراش مشغول شود بشرط قلت اکل و کم کلام گفتن
و تا نصف شب بیدار بودن و دروغ نگفتن و خلف وعده
نکردن چون در فراش در آید بشرایط مذکوره این اسما را
بخواند بعدد مجلشان العلیم ۱۵۰ الخبیر یا علام
الغیوب ۱۱۹۰ النور ۲۵۶ الباسط ۷۲ الظاهر ۱۱۰۶ السمیع ۱۸۰
القریب ۳۱۲ المبین ۱۰۲ الهادی ۲۰ و هر چند مرتبه که
این اسما را

این اسما را تکرار کند بگوید یا هدنی یا هادی خبرنی
یا خبیر بین لی یا مبین علمنی یا علیم ظهر لی یا
ظاهر و چون بعد مجلشان بخواند بخواب رود اما
پیش از خواندن اسما اسم السمیع العلیم را بر کف
دست بنویسد و بعد از اتمام ان عددها این دو اسم را
چهار هزار دویست هفت بار بخواند ۴۲۰۷ و بخواب
رود که انچه قصد کرده باشد باو بگویند و این اسما را
تا که هفته بخواند بهمین عدد تا خطا نشود تمت

عقد الذکر
بجهة عقد الذکر بر پاره پوست اهو در روز سه شنبه در
ساعت عطارد بنویسد و بر سر اسما ۱۰۴۰ اضافه کند
و بر بند زیر جامه ببندد

۴	۱۰	۱۵	۵
۷	۱۳	۱۲	۲
۹	۳	۶	۱۶
۱۴	۸	۱	۱۱

گشایش
بجهة گشایش کارها و فتح
و عزت و حرمت بنویسد
بر پاره کاغذ و تاریخ را حساب کند و ۹۰۰۴ بر سر اسما

زیاد کند و در روز ادینه بمشک و زعفران بنویسد

۱	۱۱	۱۴	۸
۶	۱۶	۹	۳
۱۵	۵	۴	۱۰
۱۲	۲	۷	۱۶

و بر بازوی راست بندد مجربست
شرح ناد علی نقلست که ناد علی
اسم اعظم است و در ختم او اختلاف
زیادی نموده اند اما انچه ادخل است در سرعت اجابت
بخوانند
دوازده هزار مرتبه است که در عدد دوازده روز
وابتدا از روز یکشنبه کند برین موجب یکشنبه ۱۰۰۱
دوشنبه ۹۹۹ سه شنبه ۱۰۰۰ چهارشنبه ۱۰۰۰ پنجشنبه ۱۰۰۰
جمعه ۱۰۰۰ شنبه ۱۰۰۰ یکشنبه ۱۰۰۰ و کذا الی اخره تا دوازده
روز تمام شود بعد از خلوه اسباب و فقرا و مسا
کین را محظوظ سازد مراد حاصل گردد دعوت
اسم مبارک یا باسط جهه فتوحات و حصول مرادات
اثر تمام دارد و طریقه انست که دعوت صغیر یا باسط را
تا شش روز مداومت کند و اداب انست که روز
یکشنبه

دعوت یا باسط

یکشنبه وقت طلوع افتاب شکل مثلث دو پا اسم
اعظم عدد و حروفی هو بنگارد اما باید در وقت
ثبت عدد و حروف در هو ببوث شکل هفت مرتبه
سوره مبارکه نصر را بخواند یعنی هفت مرتبه سوره
مذکوره بخواند و بعد از ان در مثلث اول عدد شش
بنویسد و مرتبه دویم هفت بار بخواند و عدد خانه
دویم که دوازده است بنویسد برین قیاس تا تمام
خانه نوشته شود و شکل را در زیر زانوی راست
بگذارد روی بنیر اعظم ۴۱۲ بار بخواند و اسم خود و عدد
در هم یاد و بیره هر چه خواهد در خانه خالی نویسد و بعد
از اتمام اثر شش بیا شامد البته فتوحات کلی روی دهد مجرب

۴۸

ح ی	ح ۹	و
ب ی	دک	ول
م م		ل

۱۸		۶
۱۲	۲۴	۳۶
۴۲		۳۰

لدفع العدو

لدفع العدو ويقرء يوم الاحد الف مرة ويرسم صورة
قراءة
في قرطاس احمر وللمرض بقرطاس الاصفر ويقول عند
كل مرة موت او مرض واسم هذا يا قاهر ذا البطش
الشديد انت الذي لا يطاق انتقاما من قتل فلان
بجهت دایا بر ابهام دست راست نویسد ده ط ه
وبر کف دست راست نویسد مهتدون علینا
وبر کف دست چپ نویسد من هب هب
من هب هب
من هب هب
واز جهت جلب رزق و محبت بر کف دست نوشته باشد
هر کس رود حاجت او روا شود و رزق وسیع کردد و فتح
در کار او بهم رسد بجهت تسلط بر شخصی بر ۹۲ سنگ
که هر یک بقدر نخودی باشد جمع کند در روز جمعه
شنبه اخر ماه بعد از نماز عصر و بر هر سنگ هفت
بار ایه فلما نسوا ما ذکروا الی العالمین از سوره انعام
بخواند و بر خریطه از پشم سیاه بپیچد و بار بسیار سیاه

دوختر

تسلط بر ...

١٧٥

صلوة الحاجة ... سورة الانعام

دوختر بقصد انکس و نام مادرش در کنار اتش دفن
کند و اگر در خانه که افتاب تابد کذاشته و برف بر ان نریزد
و از شدت سرما مریض کردد صلوة الحوائج بغیر صیام
من کتاب الوسائل الی المسائل الذی اشرنا الیه نقال
صلوة الصادق عم قال الصادق علیکم بسورة الانعام
فان فیها اسم الله تعالی فی سبعین موضعا فمن کانت
له حاجة فلیصل اربع رکعات بفاتحة الکتاب وسورة
الانعام ولیقل اذا فرغ منها یا کریم یا کریم یا کریم
یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا اعظم من کل عظیم
یا سمیع الدعاء یا من لا تغیره الایام واللیالی
صل علی محمد وال محمد وارحم ضعفی وفقری
وفاقتی ومسکنتی فانک اعلم بحاجتی یا من
رحم الشیخ یعقوب حتی رد علیه یوسف
واقر عینه یا من رحم ایوب بعد طول بلائه

يامن رحم محمداً صلى الله عليه وآله وسلم
ومن اليتم اواه ونصره على جبابرة قريش
وطواغيتها وامكنه منهم يا مغيث فوالذي
نفسي بيده لودعوت بها بعد ما تصل هذه الصلوة
بهذه السورة ثم سالت الله تعالى جميع حوائجك
لقضاها لك انشاء الله تعالى فكرر ذلك قضاها
جنتك مجهر اجابت حاجات دنيا واخرت در ساعت كه
اول حضرت عيسى ع ابا جبرئيل نوشته ديد و خواند
وانچه خواست ميشد وحضرت رسول ايضاً دو مرتبه
قسم ياد نموده اند كه هر كس كه اين دعا بخواند هر چه از
خدا بخواهد در ساعت روا شود اللهم اني
ادعوك باسمك الواحد الاعز وادعوك اللهم
باسمك الاحد الصمد وادعوك اللهم باسمك
العظيم الوتر وادعوك اللهم باسمك

الكبير الوتر وادعوك اللهم باسمك الكبير
المتعال الذي ثبت به اركانك كلها ان
تكشف عني ما اصبحت وامسيت فيه
وايضاً تقول اللهم اني اعوذ باسمك
الواحد الاحد واعوذ بك اللهم باسمك
الاحد الصمد واعوذ بك اللهم باسمك
العظيم الوتر واعوذ بك اللهم باسمك
الكبير المتعال الذي ملا الاركان كلها
ان تكشف عني غم ما اصبحت فيه وامسيت
دفعت الحبيب على بن موسى الرضا عليه السلام
بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله اني
اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقياً او غير
تقي اخذت الله السميع البصير على سمعك
وبصرك لا سلطان لك علي ولا على سمعي

ولا على بصري ولا على شعري ولا على
بشري ولا على دمي ولا على لحمي ولا على
مخي وعلى عصبي ولا على عظامي ولا على مالي
ولا على ما رزقني ربي سترت بيني وبينك
بستر النبوة الذي استتر به انبياء الله التي
من سطوات الجبابرة والفراعنة جبرئيل
عن يميني وميكائيل عن يساري واسرافيل
عن ورائي ومحمد صلى الله عليه وآله امامي
والله تعالى مطلع علي يمنعك مني ويمنع
الشيطان مني اللهم لا يغلب جهله اناتك
ان يستفزني ويستخفني اللهم اليك
التجات اللهم اليك التجات اللهم اليك لجات
التجات دعاء كوسفند عقيقه چون خواهد كه ذبح
كند اين دعا را بخواند بافيوم اني بريء مما تشركون

انى وجهت

اني وجهت وجهي للذي فطر السموات و
الارض حنيفا وما انا من المشركين قل ان صلوتي
ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين
لا شريك له وبذلك امرت وانا اول المسلمين
اللهم منك ولك بسم الله وبالله والله اكبر
اللهم تقبل من م ابن فلان ونام كودك ببرد و در حال
ذبح اين دعا را بخواند اللهم لك سفكت الدماء
لا شريك لك الحمد لله رب العالمين اللهم اخسأ
عنا الشيطان الرجيم والحمد لله رب العالمين
وسنت است كه مادر و پدر از كوشت او نخورند
وسنت است كه استخوانهاء انشكنند بلكه از بند ها
جدا كنند و بپزند و اقلا ده نفر از صلحا و فقراء مو
منين را نجوانند و هر چند زياده باشد بهتر است
و پا و ران او را بقابله دهند و اگر قابله نباشد بمادر

طفل بدهند که او بهر کس خواهد بدهد عقد النوم

بنویسد بر پاره کاغذ و در موم گیرد و در کوزه اندازد

و سرش محکم کند و بر بندد و در زیر بالین خود نهد و بخسب

تا عجایب بینی وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَا

بتغاؤکم من فضله وجعلنا اللیل لباسا والنوم سبا

تا ولبثوا فی کهفهم ثلاث مائة سنین وازدادوا

تسعا عقدت النوم ۲۲۲ علی جسد ۲۲۲ و بحق کهیعص

و بحق حمعسق و بحق یس و بحق محمد صلی الله علیه [illegible] الطیبین

الطاهرین و بحق جمیع الانبیاء والمرسلین العجل العجل

الساعة الساعة ایضا بپاره کاغذ و مثل دوالی سازد

و بر وی این آیه را بنویسد و هر بار که بخواند یک گره بزند

تا چند روز که خواهد اگر ده روز خواهد ده گره بزند بخوابش

ببندد کرد خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه فی سلسلة ذرعها

سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان لا یومن بالله العظیم و تمه

طریقه ختم سوره واللیل است که بعد از شب پیش از

نماز وتر شروع بخواندن نماید تا چهل شب و هر شب چهل

مرتبه باید بخواند و بعد از اتمام ختم هر شب این دعا را بخواند

اللهم یا بدیع الکمال یا کثیر النوال یا دائم الفضل

یا حسن یا دائم بلا زوال و یا رازق العباد

والحمد لله علی کل حال یا عالم الغیب والشهادة العلی

الکبیر المتعال الله اکبر یا خفی الالطاف نجنا مما

نخاف برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی

سیدنا محمد و آله اجمعین اشهد ان لا اله الا الله و اشهد

ان محمدا عبده و رسوله چون شب چهلم تمام شود دیده

میشود در زیر وساده چهار صد درهم اگر در عرض مدت

چهل شب خوابی ببیند بکسی نگوید و در محل قرائت

سخن نگوید تا موثر باشد صلوات الدینار الی آخرها

من الاسرار الکثیره روز چهار شنبه روزی باشد و چون

شب شود در مقام می رود که یک در خانه بجانب
شمال و یکی بجانب جنوب بود چنان بنشیند که کس
نگذرد و از عقب راهی نباشد و دو رکعت نماز کند
و هرچه از قرآن داند بخواند چون از نماز فارغ شود
کارد یا شمشیر در پیش نهد و سوره واللیل
هزار بار بخواند و در حین خواندن سوره سلب
یا کوبه یا خوکوش پیدا شود و از پیش وی بگذرد
باید که بکارد یا شمشیر او را بزند چنانکه بر سلجوق اسلحه
بر سد صورت مذکور طلا شود و بیفتد بعد از آن بر
خیزد و بردارد نگاه دارد چنانکه چشم زن حایض
نیفتد و از طوق پوشیده دارد و هر عضوی که به برد
و بغروشد و خرج کند بار درست شود و باید در معصیت
خرج نکند و اگر نه غایب شود بلکه محنت بر سد
نعم و چون هزار بار سوره واللیل تمام کرده باشد
منتظر باش

منتظر باش که یکصورت از آنها دار اگر گفته شد کار
برآورند و غلط نکند که عمل صحیح است این فالنامه
ایست بحضرت رسول م نسبت داده اند که آنحضرت م
بوقت نجاتی میرفتند بر این فالنامه مبارک رجوع
میفرمودند و بی شک بر ان عمل میفرمودند
و این ده خانه است در هر خانه از قرآن مجید ایتی نوشته
اند باید که صاحب حاجت نیت کند و انگشت بر هر خانه
که نهد ملاحظه کند هرچه گوید بدان عمل کند تا از یانی
و تشویش باو نرسد

	٣	٢	١

	١٠	٩	٨	٧	۶	۵	۴

فال اول قال الله تعالی انا فتحنا لک فتحا مبینا الی اخر ایه
ایصاحب فال در این اندیشه که کرده اگاه باش که فتح
و نصرت در ظهور پیدا شود و از غم و اندوه خلاص میشوی

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)

وپریشانی درکار وبارت دور میشود واکر از کسی

ترس وخوف داری دل خوش دار وایمن باش که زیان تو

بتو نمیرسد وسفر ترا بسیار خوب باشد واز غیب

خبری بتو برسد واز ان خبر شادان شوی وفایده

بینی وچراغ دولت تو روشن میشود واز نسل مردان

بازرهی فال دویم قوله تعم ثانی اثنین اذ هما

فی الغار الی اخره ابجد اوند فال واکاه باش که فالت

مبارک است اکر خیال سفر داری دو سه روز توقف

کن که از جائی خطری هست دلخوش دار که تشویش

بتو نرسد وحال ومال تو در پناه خداوند است

واز غم بیغم کشتی وهر کاری که در دل داری بکن غیر

از سفر ومال وجمعیت بر تو جمع شود باید که

دهی که صدقه تو رفع بلا است وانچه مطلب توا ست

از غیب روزی شود فال سیوم قوله تعم وعلی الثلاثه

الذین

الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم الارض بما رحبت

ثم ولیتم مدبرین ابجد اوند فال ترا تنک دل میبینم

وغمناک وپریشان حال وحیری شرمانده واندوه کین

شد بواسطه انکه دل در چیزی بسته وان دیر بطلب

در میاید ملاحظه کن وصبر کن که بلا منقضی وفایده

بتو نمیرسد از این نیت واندیشه دست کوتاه کن که

دشمن بر تو ظفر نیابد چند روزی صبر کن تا فایده

بینی وبکام دل برسی انشاء الله فال چهارم فخذ

اربعه من الطیر فصرهن الیک ثم اجعل علی جبل

منهم جزء مقسوم ابجد اوند فال بدان واکاه

باش که این اندیشه که کرده خوب است وخوشدل

میشوی وپریشانی درکارت پدید میاید ودیدار

کسی را خواهی دید که در غیب باشد وهرکاری

کرده پرهیز ودرپی آن باش که تورا بسیار خوب است

و مراد حاصل میشود انشاء الله تعالی خانه پنجم قال الله
تعالی ویقولون خمسة سادسهم کلبهم رجما بالغیب
ای خدای فال بدان واگاه باش که این نیت که کرده سهل
باشد برو و ترک ان اندیشه کن که ترا پند نباشد
و دشمنان قصد تو دارند و شب و روز در کمین تو اند
ولکن بمراد خود نخواهند رسید و این که داری چند روز دیگر
صبر کن تا نحسیت از تو بگذرد و از شر دشمنان ایمن کردی
اخر کار تو خوب خواهد شد انشاء الله تعالی خانه ششم
قال الله تعالی فی ستة ایام ثم استوی علی العرش ای خداوند
فال بدان واگاه باش که این نیت که کرده خوب نیست
و فایده نمی بینی طمع خام مبر که بد است و چنان می بینم
و چند روز صبر کنی تا کار تو نیک میشود فی الجمله نیتی
که داری بر طرف کن و شروع منمای که پشیمان شوی
و خبر از غایبی بتو خواهد رسید و تو از ان خبر شادمان
شوی

شوی عاقبت کار تو نیک است بهر کسی که دوستی کنی در عوض
ستم بینی لکن اخر کار تو خوب است انشاء الله تعالی خانه هفتم
قال الله تعالی اذا رجعتم تلک عشرة کاملة ای خداوند فال
بدان واگاه باش که نیتی که در دل داری جدائی نیک است
و از این فال چنان معلوم است که ترا با کسی خصومت
میافتد و گفتگوئی و مجادله واقع میشود که ترا بر با کسی
ظفر باشد و بعد از ان دولت بینی و از غم بیغم شوی
خانه هشتم قال الله تعالی یومئذ ثمانیة ای خداوند فال بدان
واگاه باش و مژده باد ترا که رجا[illegible]ید بعد و بکار
بزرگ میشود و در کار و بار انواع نیکوئی بتو میرسد و ترا
مقصود حاصل میشود و بعد الیوم هر روز که میاید
چراغ دولت روشن میشود و خدای تعالی در فتح و دولت
بر روی تو میگشاید و از غیب فایده بتو خواهد رسید
اما چند روز صبر کن که بمراد برسی انشاء الله تعالی

خانه نهم ان شاء الله تعالی ولقد آتینا موسی تسع آیات
بیّنات ای خداوند فال بدان و آگاه باش که فالت چند
پی بیک بیت و از این بیت برکوه دود و درکن که از این
بیت تو را فایده نیست اندیشه بسیار درون دیری
و فکرهای بیشمار حضور قلب و دبیر اقیمت دان از آنچه
میاندیشی ضرر بتو میرسد مبادا که اسیر محنت کردی خود را
نگاه دار که ملامت زده نشوی تا زیان نبینی ان شاء الله
خانه دهم ما شاء الله تعالی ای خداوند فال بدان و آگاه باش
که چنان مینماید که با کسی وعده کرده و عهدی نموده و وعده
تو رسیده است و اندیشه و اندوه کهن شده که وعده
خلاف نکرده و کارت بسته نشود در کار خود صلاح حظر
نما و با خلق خدا نیکی کن تا اثر خوب باشد و از غایب
خبری میاید و بدعای برسی و روشنائی در کارت پیدا
میشود ان شاء الله تعالی   در عجوبهای کتابت اگر باب
نشاد

در عجوبهای کتابت

نت در خط بر کاغذ نویسند چون خشک شود نابدید شود پس بر آتش
دارند نوشته پیدا بد اید و اگر بآب پیاز سرخ بنویسند بعد از خشک
شدن چون بر آتش دارند نوشته سبز نماید و اگر بشیر گوسفند بنویسند
چون بر آتش دارند زرد نماید و اگر بآب مازو بنویسند بعد از خشک
شدن بآب زاج برکشند نوشته شود و اگر کاغذ سفید را بزاج
و مازوی کوفته در مالند چون بخورد دهند که عجایب نماید ان
کاغذ سفید را بآب دهن بنویسند حیوان سیاه نماید که دلخواه
و اگر کاغذ سفید بگیرند و خرد کنند و مقدار شبانه روز در آب بگذا
رند و با آن آب بر کاغذ سفید بنویسند و بگذارند تا خشک شود
پس نزدیک آتش برند نوشته پیدا شود و سرخ نماید
و اگر پوست نارنج کوفته در جامه مالند آتش کار نکند افیون
بآب کشنیز در جامه مالند نسوزد فایده صبر از جهت بواسیر
که بمقعد رسته باشد چون صبر بآب کنند تا سحق کرده
چند نوبت طلا کنند بواسیر را ببینید از دو بعد از آن باید

رفع بعد اسیب

که روغن گل که در ظرفی اسرنجی یا قلعی حل کرده باشند
بمالند دریچ ان دم از برای امر معلوم سوزنی که سه
سوراخ داشته باشد در سوراخ اول ابریشم سفید
در سوراخ میان ابریشم زرد و در سوراخ پایین ابر
یشم سرخ و این عزیمت را اول هفت مرتبه بخواند و اگر
دیر کند باز از سر گیرد و نه مرتبه بخواند و اگر باز دیگر دیر
کند از سر گرفته سیزده مرتبه بخواند شَنُوطٍ اِشْنُوطٍ
زَهَایِشٍ شَطُوبِلٍ شَقُولُوحٍ مَفْلَحٍ فَلْفَلْفَلِحٍ یا
هادَ طاهَلِطا اهبیرِ دَجَقِ سلبیطرُوتَ
اَهبَتِهٍ هَیجٍ وَاحْرِقْ قلب فلان ابن فلان علی حب فلان بن
لَیسَ لَهُ قَرارٌ وَلا نَوْمَ وَلا اَکْلَ وَلا شُرْبَ حَتّی اَلْیَ
ساعةٍ واحدةٍ یا رحمنُ یا رحیمُ و در وقت خواندن ریسمان کشیدن آهسته آهسته هر یکی از ریسمانها را
خواهد که بکشد اگر بحال خود خواهد ریسمان بالا
و اگر پای برهنه خواهد ریسمان میان را و اگر سر و پا
برهنه خواهد ریسمان پایین را که ریسمان سرخ است
بکشد

در سخن اندر بر سته ناخن دست چپ بنویسید و انگشت را قبض کنم خصم در سخن بماند اینست آجهرطه

بازبین شد
۱۳۷۱ ش

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان